بسم الله الرحمن الرحیم

مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت

اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی

اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی

دوفصلنامه علمی ـ پژوهشی

سال هشتم، شماره اول، پیاپی ۱۷، بهار و تابستان ۱۴۰۱

صاحب امتیاز: دکتر محمدجواد زارعان
مدیر مسئول: دکتر محمدجواد زارعان
سردبیر: دکتر محمدرضا احمدی
دبیر اجرایی: امیر عرفانی‌نژاد

پست الکترونیکی: pajoohesh.ueae@gmail.com
دورنگار: ۰۲۵۳۲۹۲۲۲۳۹
پایگاه اینترنتی: **journals.ueae.ir**
صندوق پستی: ۳۷۱۶۷۱۵۵۴۵
نشانی: قم، بلوار شهید صدوقی، خیابان شهید شهبازی، پلاک ۱۳ کد پستی: ۳۷۱۶۷۱۵۵۴۵

اعضای هیأت تحریریه

حجة الاسلام و المسلمین دکتر محمدرضا احمدی	مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه‌الله
دکتر هادی بهرامی احسان	دانشگاه تهران
حجة الاسلام و المسلمین دکتر محمد جواد زارعان	مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت
آیت الله سید محمد غروی راد	پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
دکتر علی فتحی آشتیانی	دانشگاه بقیة الله عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف
حجة السلام و المسلمین دکتر محمد کاویانی آرانی	پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
حجة السلام و المسلمین دکتر رحیم نارویی نصرتی	مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه‌الله
حجة الاسلام و المسلمین دکتر محمود نوذری	پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

بر اساس مصوبه شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی و در طی نامه شماره ۱۲۱۲۴ به تاریخ ۱۴۰۱/۷/۹ درجه علمی دوفصلنامه از علمی ــ ترویجی به علمی ــ پژوهشی ارتقا یافت.

این دوفصلنامه در پایگاه اطلاع‌رسانی Magiran، Noormags، SID و پرتال جامع علوم انسانی نمایه شده است.

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش مقاله

مقدمه

فصلنامه «***اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی***» فصلنامه‌ای علمی و چندرشته‌ای است که با هدف ارائه نتایج مطالعات و پژوهش‌های علمی، فراهم آوردن زمینه تبادل افکار و اطلاعات، ترویج مباحثات علمی بین پژوهشگران و محققان حوزه‌های مختلف علمی: روان‌شناسی، مشاوره، مددکاری اجتماعی، تعلیم و تربیت، دین و... منتشر می شود. این فصلنامه در گستره مسائل روان‌شناختی، در دو سطح بنیادی و کاربردی، مقاله‌هایی را می‌پذیرد که از ساحت دینی نیز برخوردار باشد. فصلنامه، به زبان فارسی منتشر می شود.

نوع مقالات مورد پذیرش

- گزارش یک پژوهش علمی؛
- تحلیل علمی با هدف ارائه مفاهیم و الگوهای جدید؛
- نقد علمی مقالات منتشر شده در فصلنامه (در قالب نامه به سردبیر)؛
- گزارش کوتاه علمی؛
- مطالعه موردی؛

ساختار مقاله بایستی به شرح زیر تنظیم و ارسال گردد

- عنوان مقاله: عنوان باید گویا و کوتاه باشد.
- نام، نام خانوادگی، مرتبه علمی، وابستگی سازمانی، شهر، کشور و ایمیل پژوهشگر/ پژوهشگران؛
- چکیده: در این قسمت، مطالب اصلی مقاله شامل هدف، روش، یافته‌ها و نتیجه‌گیری به‌صورت فشرده (حداکثر ۲۰۰ کلمه) بیان می شود.
- کلید واژه‌ها: از میان واژه‌های اصلی مقاله، بین ۳ تا ۵ واژه مشخص شوند.

  نکته: موارد فوق هم به زبان فارسی و هم لاتین بارگذاری شود.
- مقدمه: بیان مسئله، هدف، پیشینه تحقیق، تبیین ضرورت انجام تحقیق و فرضیه ها (سؤال‌ها)؛
- روش: جامعه آماری، روش نمونه‌برداری، گروه نمونه، ابزار(های) پژوهش، فرایند اجرای پژوهش و روش تحلیل داده‌ها؛
- یافته‌ها: یافته‌های حاصل از روش‌های آماری، جدول‌ها (شماره و عنوان در بالای آن) و نمودارها

(شماره و عنوان در زیر آن). کلیه جدول‌ها و نمودارها باید به زبان فارسی تهیه شوند. همچنین اعداد داخل جدول‌ها باید به زبان فارسی باشد و برای اعشار از نقطه (.) استفاده شود.

نکته: تعداد جداول متناسب با حجم مقاله باشد و فایل جداول علاوه بر متن اصلی به‌صورت جداگانه بارگذاری شود.

- بحث و نتیجه‌گیری: نتیجه‌گیری، مقایسه یافته‌های پژوهشی با پیشینه پژوهش و تبیین آنها؛
- منابع (شامل منابع فارسی و لاتین): ارائه کامل کلیه منابعی که در متن مقاله از آنها استفاده و به آنها ارجاع شده است به ترتیب حروف الفبا. تنظیم منابع، مطابق الگوی راهنمای APA به شرح ذیل انجام شود:

۱.کتاب: نام‌خانوادگی، نام (سال انتشار اصلی)، ***عنوان کتاب***، شماره جلد، نام و نام‌خانوادگی مترجم، سال انتشار ترجمه، نوبت چاپ، محل انتشار: انتشارات.

۲. مقاله: نام‌خانوادگی، نام (سال انتشار)، «عنوان مقاله»، ***نام نشریه***، سال/دوره، شماره، صفحات.

۳. پایان‌نامه: نام‌خانوادگی، نام (سال انتشار)، ***عنوان پایان‌نامه***، پایان‌نامه کارشناسی ارشد / دکترا، رشته، دانشگاه.

۴. گزارش: نام سازمان (سال انتشار)، «***نام گزارش***».

۵. اینترنت: نام‌خانوادگی، نام (تاریخ اخذ مطلب): نشانی کامل سایت.

- ضمایم (در صورت لزوم)

نکات قابل توجه در ارائه مقالات

۱. مقاله ارسالی نباید قبلاً در جای دیگری به چاپ رسیده باشد و نیز نباید به‌طور همزمان برای بررسی و چاپ به مجله دیگری ارسال شده باشد.

۲. مقاله باید با نرم‌افزار Microsoft Word، قلم Mitra، اندازه ۱۴ و فاصله خطوط ۱، تهیه و از طریق سامانه مجله به نشانی http://journals.ueae.ir ارسال شود. شماره تلفن برای دسترسی آسان و سریع دفتر مجله به نویسنده مسؤول مقاله نیز قید گردد.

۳. حجم مقاله از ۹۰۰۰ کلمه بیشتر نباشد.

ملاحظات

- فصلنامه در رد، اصلاح یا ویرایش مقاله آزاد است.
- اصطلاحات علمی و اسامی خاص مقاله‌ها مطابق روش دوفصلنامه یکسان‌سازی می‌شود.
- مسؤولیت صحت و محتوای مقاله و حفظ حقوق دیگر مؤلفان بر عهده نویسنده مسؤول آن است.
- فرم تعهدنامه نیز تکمیل و در سامانه بارگذاری گردد.

فهرست مطالب

تدوین بسته آموزشی مراقبت معنوی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی برای خانواده بیماران سرطانی.....۷
سید محمد بابامیری قمی / رضا مهکام / محمدمهدی احمدی فراز

مؤلفه‌های نگرش به فرزندآوری و فرزندپروری بر اساس منابع اسلامی.....۲۷
سعید شریف یزدی / محمدرضا جهانگیرزاده قمی/ محمدرضا بنیانی/ معصومه سلطانی‌پور

کاربرد نظریه حوزه‌های معنایی در بررسی مفهوم خودمراقبتی بر پایه منابع اسلامی....۵۱
مهدی قاسمی مروج/ محمد صادق شجاعی

مشکلات رفتاری همسران، سنجش رفتار و مراحل درمانگری.....۷۳
محمد دولت‌خواه

بررسی مؤلفه‌های الگوی ارتباطی زوجین با خویشاوندان بر اساس منابع اسلامی.....۹۹
مهدی دریس / ابوالقاسم بشیری / حسین رضاییان بیلندی

پیش‌بینی سبک‌های هویت دختران نوجوان براساس عزّت نفس و خودپنداره آنها....۱۱۳
فاطمه داوری شلمزاری/ محمدرضا رمضانی چالشتری

اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی
سال هشتم، شماره اول، پیاپی ۱۷، بهار و تابستان ۱۴۰۱ (ص ۷-۲۶)

تدوین بسته آموزشی مراقبت معنوی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی برای خانواده بیماران سرطانی

Preparing An Educational Package for Spiritual Care Based on Islamic Doctrines for Cancer Patients' Families

✍ **سید محمد بابامیری قمی** / کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت، قم، ایران.
رضا مهکام / استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ﷺ، قم، ایران.
محمدمهدی احمدی فراز / استادیار گروه فقه و حقوق، دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی ﷺ، اصفهان، ایران.

Seyyed Mohammad BabaMiri Qomi / Master of Family Counseling, Institute of Higher Education, Ethics and Education, Qom, Iran.
Beyragh.m@gmail.com
Reza Mahkam / Assistant Professor of Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran.
Mohammad Mahdi Ahmadi Faraz / Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Law, Shahid Ashrafi University of Isfahan, Isfahan, Iran.

چکیده

تدوین و ارائهٔ مراقبت معنوی برای خانواده‌هایی که بیمار سرطانی دارند می‌تواند نقش مهمی در آرامش آنها داشته باشد. هدف این پژوهش آن است که ابتدا عوامل تهدیدکنندهٔ آرامش و معنویت در خانوادهٔ بیماران سرطانی را شناسایی کند؛ سپس با تدوین یک بستهٔ آموزشی مراقبت معنوی بر اساس آموزه‌های اسلامی، این خانواده‌ها را در تنش‌های به وجود آمده یاری و حمایت نماید تا فشارهای روحی، احساسات منفی و مشکلات اعتقادی آنها به حداقل برسد. به‌منظور تدوین مشکلات خانواده بیماران سرطانی، از روش کیفی استفاده شد. برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و برای تحلیل داده‌ها از رویکرد نظریه زمینه‌ای استفاده شد.

Abstract

Developing and providing spiritual care for families with cancer can play an important role in their well-being. The aim of this study is to first identify the factors that threaten the peace and spirituality in the families of cancer patients;Then, by developing an educational package of spiritual care based on Islamic teachings, to help and support these families in the resulting tensions to minimize their stress, negative feelings and belief problems. In order to formulate the family problems of cancer patients, a qualitative method was used. Semi-structured interviews were used to collect data and contextual theory approach was used to analyze the data. The statistical population of the study was twenty families of cancer

جامعه آماری پژوهش، بیست خانواده بیماران سرطانی در مرکز شیمی‌درمانی بیمارستان شهید آیت‌الله دکتر بهشتی قم، بودند. انتخاب شرکت‌کنندگان به شیوه نمونه‌گیری هدفمند بود. سپس آیات و روایات مرتبط با هر مشکل جمع‌آوری و با رویکردی که در روش پژوهش آمده است تحلیل شد و بر آن اساس اهداف و تکنیک‌های جلسات بسته آموزشی تدوین شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که مشکلات خانوادهٔ بیماران سرطانی شامل احساس پوچی ناشی از بی‌معنا شدن زندگی، از دست دادن امید، اختلال در انگیزه و آسیب دیدن باورهای بنیادین مذهبی بود. سپس بسته آموزشی مراقبت معنوی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی برای خانواده بیماران سرطانی، شامل اهداف، تکنیک‌ها و تکالیف خانگی هر جلسه، تدوین شد. این بسته شامل ده جلسه، ۷۵ دقیقه‌ای است. اهداف و تکنیک‌های این بسته براساس آیات و روایات تدوین شد. بسته آموزشی بسته آموزشی مراقبت معنوی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی برای خانواده بیماران سرطانی، دارای ابعاد مثبت معنوی و روان‌شناختی است که می‌تواند منجر به آرامش، امید و معنایابی آنها شود.

کلید واژه‌ها: مراقبت معنوی، خانواده، سرطان، سلامت معنوی، دعا.

patients in the chemotherapy center of Shahid Ayatollah Dr. Beheshti Hospital in Qom.Participants were selected by purposive sampling method. Then, verses and narrations related to each problem were collected and analyzed with the underlying theory approach, and based on that, the goals and techniques of the training package sessions were developed.The research findings showed that the family problems of cancer patients included feelings of emptiness due to the meaninglessness of life, loss of hope, impaired motivation and damage to fundamental religious beliefs. Then, a spiritual care training package based on Islamic teachings was developed for the families of cancer patients, including the goals, techniques and homework of each session.This package includes ten sessions, ninety minutes. The goals and techniques of this package were based on verses and hadiths. Educational package The educational package of spiritual care based on Islamic teachings for the families of cancer patients has positive spiritual and metacognitive dimensionsWhich can lead to their peace, hope and meaning.

Keyword: Spiritual Care, Family, Cancer, Spiritual Health, Prayer.

مقدمه

بعد از چند قرن توجه خاص به سلامت جسمی که حاصل آن پیشرفت‌های عظیم و شگرف در شناسایی علل، فیزیوپاتولوژی، تشخیص و درمان بیماری‌های جسمی بود، در چند دههٔ

گذشته توجه بشر به سایر ابعاد سلامت انسان، یعنی ابعاد روانی، اجتماعی و به‌ویژه معنوی معطوف شده است به‌گونه‌ای که مراقبت‌های سلامت، از مراقبت جسمی صرف به مراقبت جامع کل‌نگر متمایل شده‌اند (احمدی‌فراز، ۱۳۹۵). در برخی کشورهای پیشرفته، توجه به مراقبت‌های معنوی[1] برای انسان‌ها مورد تأکید خاص قرار گرفته است (جدیدی، صفرآبادی، جعفرپور، ایران‌نژاد، ۱۳۹۷؛ امامی، ۱۳۹۹).

در موارد بسیاری، افراد به‌دلیل شرایط حاد روحی و روانی، به‌تنهایی قادر به حفظ و یا بازسازی سلامت معنوی خود نیستند و نیازمند مراقبین باتجربه‌ای هستند که با استفاده از جدیدترین روش‌هایی که بر پایهٔ باورها و فرهنگ جامعه تدوین شده است به کمک افراد نیازمندِ مراقبت معنوی بشتابند و آنها را از آشفتگی‌های روحی به سمت و سوی آرامش و ثبات درونی سوق دهند (زکوی و مرزبند، ۱۳۹۳؛ احمدی‌فراز، ۱۳۹۶).مراقبت معنوی، به هر نوع محافظتِ برگرفته از آموزه‌های دینی نسبت به افراد آسیب‌دیده یا در معرض آسیب اطلاق می‌شود که به نرمال‌سازی ابعاد مختلف وجودی فرد کمک می‌کند و او را به آرامش می‌رساند (گیجسبرتز، لیفبرر، اتن و اولسمن[2]، ۲۰۱۹).

سرطان ابعاد مختلف زندگی خانوادهٔ بیمار مثل ابعاد جسمی، روانی، اجتماعی و اقتصادی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد (اسد زندی، ۱۳۹۷)؛ از این‌رو ضروری است که به موازات مراقبت از بیمار، خانوادهٔ فرد مبتلا به سرطان را نیز مورد مراقبت قرار داد. دلایل لزوم این مراقبت‌ها زیاد است که ازجمله می‌توان به مواردی همچون نقش مهم خانوادهٔ بیمار در بهبودی فرد مبتلا به سرطان و از طرفی وجود فشارهای روحی و روانی این خانواده‌ها اشاره کرد (کوپتی و همکاران[3]، ۲۰۱۹).

از سوی دیگر، هجوم شبهات اعتقادی، افکار منفی، اضطراب‌ها و نشخوارهای فکری مختلف به این خانواده‌ها، باعث تنش‌های فراوانی در درون آنها می‌شود که نیاز به مراقبت معنوی از آنها را بیشتر نمایان می‌سازد (آقایوسفی، خاربو و حاتمی، ۱۳۹۴).

بسیاری از اطرافیان بیماران سرطانی، به صورت ناگهانی و یا به مرور و در اثر بدتر شدن وضعیتِ بیمار خود دچار ناهمگونی در درون مجموعه ارزش‌های مورد قبول خود می‌شوند که

1. spiritual care.

2. Gijsberts, M. J. H., Liefbroer, A. I., Otten, R., & Olsman, E.

3. Coppetti, L. D. C & et al.

اصطلاحاً از آن به‌عنوان «ناراحتی معنوی»[1] نام برده می‌شود. در تعریف ناراحتی معنوی گفته شده است: به‌هم‌ریختگی در باورهای فرد و ناهمگونی در درون مجموعه ارزش‌های مورد قبول او و نیز هماهنگ نبودن بین نظام ارزشی و رفتارهای فرد که منجر به پریشانی در ارتباط او با خداوند، خود، خلق و خلقت می‌شود و در نهایت، همهٔ ابعاد وجودی انسان (جسمی، روانی و اجتماعی) را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد (احمدی‌فراز، ۱۳۹۶). به‌طور کلی نادیده گرفتن نقش تعارضات درونی در مسائل اعتقادی برای اطرافیان بیمار سرطانی، مراقبت معنوی از او را دچار آسیب می‌کند. ناهماهنگی‌های شناختی و هدف‌های ناسازگار باعث ناراحتی فرد می‌شود و روح و روان او را آزرده می‌سازد (کریمی، ۱۳۹۹). تعارضات حل‌نشدهٔ درون فرد باعث می‌شود فرد دچار اختلالات رفتاری و بیماری‌های روان‌تنی[2] شود که پرخاش، اضطراب و احساس ناکامی را نیز موجب خواهد شد (خدادادی سنگده و قمی، ۱۳۹۶).

برای خانوادهٔ یک بیمار سرطانی معمولاً سؤالاتی پیش می‌آید که در مراقبت معنوی باید مورد توجه قرار گیرد و مراقبت‌شونده را از این تعارضات در باورهای بنیادی کمک کرد. سؤالاتی مانند: چرا من باید دچار بیماری سرطانِ نزدیک‌ترین فرد زندگی‌ام باشم؟ آیا خدا مرا تنبیه کرده است؟ عدالت خدا کجاست که طفل بی‌گناه باید مبتلا به سرطان شود؟ چرا آنها که بی‌دین هستند بیشتر از نعمت‌های خدا بهره‌مند می‌شوند؟ من تاوان کدام اشتباه و گناه را پس می‌دهم که خدا مرا به این مشکل مبتلا کرده است؟ و بسیاری از سؤالات دیگر، همه و همه از بروز آسیب‌های معنوی به فردی حکایت دارد که با بیماری سرطان یکی از نزدیکان خود مواجه شده است (جاودان‌پور، سادات حسینی، چراغی و مهران، ۱۳۹۶).

مراقبت معنوی از چنین فردی باعث از بین رفتن و یا دست‌کم تخفیف تعارضات درونی او در مسائل اعتقادی و بنیادی می‌شود (اسد زندی، ۱۳۹۷). با توجه به تعریفی که از مراقبت معنوی بیان شده است، معنایابی و معنابخشی به ارتباطات چهارگانه افرادی که بیمار سرطانی دارند با خدا، خود، خلق و خلقت، برای رسیدن به یک نظام باور و عمل که در سایهٔ قرب به خدا زندگی را ارزشمند و مرگ را معنادار می‌کند، باعث می‌شود تا مراقب معنوی بتواند در کاهش آلام افراد خانوادهٔ بیمار سرطانی در زمینهٔ تعارضات و مشکلات اعتقادی نقش داشته باشد (صنعت نگار و بهرامی، ۱۳۹۵).

---

1. spiritual Distress.

2. psychosomatic.

افرادی که بیمار سرطانی دارند معمولاً باورهایی مثل مورد عذاب خداوند واقع شدن و یا فراموش شدن از جانب خدا را در ذهن خود تثبیت می‌کنند و همین امر موجب می‌شود درد و رنج بیشتری را متحمل شوند (غلامی حیدرآبادی، ۱۳۹۴)؛ مراقبت معنوی از این افراد و تقویت شناخت‌های صحیح در آنها باعث می‌شود آنها به درک درستی از ارتباط با خدا برسند (امامی، ۱۳۹۹). برای این منظور، این تحقیق قصد دارد تعدادی از مفاهیم اسلامی که برگرفته از باورها، مباحث کلامی و روایی در قالب شناخت‌های جدید است را به این افراد ارائه دهد. به عبارت دیگر، آموزه‌های اسلامی در ایجاد نگرش‌های مثبت و کارآمد و همچنین الگوهای رفتاری بهینه مؤثرند. ازاین‌رو به‌نظر می‌رسد آمیخته کردن آموزهای دینی با رویکرد شناختی-رفتاری، اثربخشی آن را افزایش دهد. در آموزه‌های دینی، ابتلای بندگان علاوه بر داشتن اجر عظیم، بیشتر به اموری همچون امتحان و علاقهٔ خداوند به فرد مورد ابتلا مربوط شده است نه انتقام و سخط الهی. پاداش عظیم در قبال بلای عظیم خواهد بود؛ این مضمون در روایتی از امام صادق علیه‌السلام نیز نقل شده است.[۱]

وقتی با کمک مراقب معنوی زاویهٔ دید خانوادهٔ این بیماران تغییر می‌کند، فشارهای روحی روانی آنها کمتر شده و حجم کمتری از درد و رنج را متحمل می‌شوند. در واقع، روشن‌بینی و نگاه متعالی به مسائل باعث می‌شود فرد یا افراد مراقبت‌شونده حال بهتری را تجربه کنند و به آرامش نزدیک‌تر باشند (خیری، صفا و نصیری، ۱۳۹۷). از آنجا که تحقیق حاضر بر آن است تا بستهٔ آموزشی مراقبت معنوی را با تکیه بر تعالیم اسلامی برای خانوادهٔ بیماران سرطانی تدوین کند، مفهوم مراقبت معنوی را در چهارچوب آموزه‌های اسلامی در نظر می‌گیرد و با معنویت به‌عنوان مفهومی عام که شامل همهٔ ادیان و مذاهب شود متمایز است. هدف این تحقیق، تدوین بسته آموزشی مراقبت معنوی بر مبنای تعالیم اسلام برای خانواده بیماران سرطانی از طریق تحلیل محتوای متون مربوطه است.

روش پژوهش

به‌منظور تدوین مشکلات خانواده بیماران سرطانی، از روش تحلیل کیفی استفاده شد. برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته[۲] و برای تحلیل داده‌ها از رویکرد

---

۱. فإنَّ عظیمَ الأجرِ لَمَع عظیمَ البلاءِ و ما أَحَبَّ اللهُ قوماً إلّا ابتَلاهُم (المؤمن، ج۱، ص ۲۴).

2. semi structure interview.

نظریه زمینه‌ای[1] استفاده شد. جامعه آماری پژوهش، خانواده‌های بیماران سرطانی در مرکز شیمی‌درمانی بیمارستان شهید آیت‌الله دکتر بهشتی قم، بودند. انتخاب شرکت‌کنندگان به شیوه نمونه‌گیری هدفمند[2] بود. پژوهشگر پس از کسب رضایت، مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با آنان را انجام داد.

تعداد شرکت‌کنندگان مورد مصاحبه براساس اصل اشباع[3] در نظر گرفته شد (آلدیابات و ناوینس[4]، ۲۰۱۸). اشباع نظری به وضعیتی اشاره می‌کند که هیچ داده بیشتری یافت نمی‌شود که پژوهشگر به‌وسیله آن بتواند ویژگی‌های مقوله را گسترش دهد (گلیسر و استراوس[5]، ۱۹۶۷). بر طبق این اصل، هنگامی که پژوهشگر به این نتیجه برسد که مصاحبه‌ها، داده‌های جدیدی فراهم نمی‌کنند، مصاحبه‌ها را متوقف می‌کند. داده‌های این پژوهش ۱۰ زن و ۱۰ مرد، در سنین ۱۸ تا ۴۵ بودند، که با این تعداد به اشباع رسید. میانگین تحصیلات این افراد فوق‌دیپلم بود. نوع سرطان عضو خانواده: ۱۲ مورد سرطان‌های بدخیم با متاستاز، ۵ مورد سرطان‌های خوش‌خیم، ۳ مورد سرطان کودکان. میزان تقید مذهبی شرکت‌کنندگان عبارت بود از: ۵۵٪ مذهبی (مقید به انجام تکالیف مذهبی و توجه به معنویات)، ۱۰٪ غیرمذهبی (بی‌تفاوت نسبت به تکالیف دینی و بی‌توجه به معنویات)، ۳۵٪ تا حدودی مذهبی (نیمه مقید به انجام تکالیف مذهبی و توجه به معنویات). وضعیت مالی شرکت‌کنندگان: ۳۰٪ مشکلات مالی (۲۵٪ مرد و ۵٪ زن).

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات مصاحبه‌ها از رویکرد زمینه‌ای استفاده شد. نظریه زمینه‌ای یک روش پژوهش استقرایی[6] است که با جمع‌آوری منظم داده‌ها و تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای آنها، یک فرایند روان‌شناختی را تبیین می‌کند (گلیسر و استراوس، ۲۰۱۷).

سپس آیات و روایات مرتبط با هر مشکل جمع‌آوری و با رویکرد نظریه زمینه‌ای تحلیل شد و بر آن اساس اهداف و تکنیک‌های جلسات بسته آموزشی تدوین شد.

---

1. grounded theory.
2. purposive sampling.
3. saturation.
4. Aldiabat, K. & Navenec, L.
5. Glaser, B. & Strauss, A.
6. inductive.

یافته‌های تحقیق

مشکلات خانواده بیمار سرطانی براساس مصاحبه در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. مشکلات خانواده بیمار سرطانی

ردیف	مشکلات خانواده سرطانی	میزان درصد ابتلا
۱	مشکلات روحی و لزوم توجه به آن	۷۰ درصد (۵۵٪ مرد و ۴۵٪ زن)
۲	تجربه بی‌معنایی در زندگی	۷۰ درصد (۶۵٪ مرد و ۳۵٪ زن)
۳	احساس درماندگی و تنهایی	۸۰ درصد (۵۰٪ مرد و ۵۰٪ زن)
۴	افکار خودکشی	۱۵ درصد (۳۰٪ مرد و ۷۰٪ زن)
۵	تعارض در باورهای بنیادین	۷۵ درصد (۶۰٪ مرد و ۴۰٪ زن)
۶	تجربه توأمان تعارض در باورها و احساس پوچی	۸۵ درصد (۶۰٪ مرد و ۴۰٪ زن)
۷	تجربهٔ توأمان احساس تنهایی، پوچی و افکار خودکشی	۱۵ درصد (۳۰٪ مرد و ۷۰٪ زن)
۸	تجربه احساس گناه	۳۰ درصد (۶۵٪ مرد و ۳۵٪ زن)
۹	احساس ترس از آینده	۶۰ درصد (۳۰٪ مرد و ۷۰٪ زن)
۱۰	عکس‌العمل منفی نسبت به تکالیف مذهبی (معلق گذاشتن انجام واجبات)	۲۰ درصد (۷۵٪ مرد و ۲۵٪ زن)

بنابراین مشخص شد در برخی مشکلات شایع این خانواده‌ها، مردان بیشتر از زنان مبتلا هستند و در برخی از مشکلات زنان بیشتر از مردان مبتلا هستند. در مشکلات روحی و لزوم توجه به آن، تجربه بی‌معنایی در زندگی، تعارض در باورهای بنیادین، احساس گناه، احساس توأمان تعارض در باورهای بنیادین و پوچی و عکس‌العمل منفی نسبت به واجبات پس از گذشت یک ماه از آغاز سرطانِ یکی از اعضای خانواده، مردان پیشتاز هستند. در افکار خودکشی، در احساس ترس از آینده زنان از مردان بیشتر درگیر هستند.

در تحلیل این مصاحبه، بین احساس تنهایی و احساس پوچی با افکار خودکشی رابطه معناداری مشاهده شد.

با توجه به مطالعات، مصاحبه‌ها و مراودات متعدد با این افراد، از بین تمام مسائل این خانواده‌ها، اصلی‌ترین مشکلات مشترک آنها شناسایی شد که شامل سه مورد است: الف: احساس خلأ و پوچی، ب: آسیب دیدن باورهای مذهبی، ج: نگرانی از آینده. بنابراین در تدوین بسته آموزشی مراقبت معنوی به این مشکلات توجه ویژه شد. آیات و روایات مرتبط با

هر مشکل جمع‌آوری و تحلیل شد و بر آن اساس اهداف و تکنیک‌های جلسات بسته آموزشی تدوین شد. در جدول ۲ عناوین جلسات ارائه شده است.

جدول ۲. عناوین جلسات مراقبت معنوی

ردیف	جلسات	عنوان جلسه
۱	جلسه اول	ایجاد رابطه درمانی، ارزیابی و تبیین نگرش، رفتار و احساس
۲	جلسه دوم	اصلاح نگرش در مورد اجابت (مراقبه و ذکر، نماز، دعا)
۳	جلسه سوم	اصلاح نگرش در مورد اجابت (تلاوت قرآن، زیارت، صدقه و نذورات)
۴	جلسه چهارم	اصلاح نگرش در مورد عقوبت الهی
۵	جلسه پنجم	اصلاح نگرش در مورد عدالت الهی
۶	جلسه ششم	اصلاح نگرش در مورد حکمت خداوند
۷	جلسه هفتم	توجه به معنای زندگی و معنابخشی به مراقبت از بیمار
۸	جلسه هشتم	ایجاد امید و انگیزه
۹	جلسه نهم	شیوه‌های کاهش نگرانی با توکل به خداوند
۱۰	جلسه دهم	جمع‌بندی و توجه به حفظ دستاوردها

در جدول ۳ ساختار جلسات ارائه شده است.

جدول ۳. ساختار جلسات

ردیف	فعالیت	زمان (دقیقه)
۱	بررسی و ارزشیابی تکالیف جلسه قبل و رفع موانع احتمالی	۱۵
۲	تحلیل نتایج تکالیف جلسه قبل و زمینه‌سازی و تقویت احساس نیاز فرد یا افراد برای اهداف جلسه حاضر	۱۵
۳	معین کردن اهداف جلسه حاضر و ارزیابی مختصر سطح فرد یا افراد شرکت‌کننده در دوره	۱۰
۴	تکنیک‌ها در راستای اهداف	۲۵
۵	جمع‌بندی و ارائه تکالیف جلسه آینده	۱۰
۶	زمان کل	۷۵

محتوای هر یک از جلسات متشکل از سه قسمت اهداف، تکنیک‌ها و تکالیف خانگی است. الگوی شناختی- رفتاری در تدوین و اجرای بسته آموزشی مراقبت معنوی برای خانواده

بیماران سرطانی محور قرار گرفت و در چارچوب تعالیم اسلامی تدوین شد. در اجرای محتوای این بسته آموزشی و در طول تمامی جلسات، اصول این نوع درمان مانند دیالوگ سقراطی و گفتگوی مشارکتی لحاظ می‌شود. محتوای جلسات در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴. اهداف، تکنیک‌ها و تکالیف خانگی بسته

جلسه	اهداف	تکنیک‌ها و تکالیف خانگی
۱	ارتباط‌گیری مؤثر مراقب معنوی و درمان‌جو، ارزیابی وضعیت عمومی شرکت‌کنندگان، ایجادانگیزش برای شرکت در دوره، ارائه هدف‌ها و آثار جلسات، تبیین اثربخشی مراقبت معنوی در روند بهبود	**تکنیک‌ها:** همدلی و عدم نصیحت و سرزنش، شنیدن فعال (گوش کردن و دادن پس‌خوراند، قطع نکردن کلام مراقبت‌شونده)، توضیح مثلث شناختی برای مخاطب (رابطه فکر، احساس و رفتار)، به او گفته شود قبل از این که بتوانی با افکارت چالش کنی و آنها را تغییر دهی، بهتر است یاد بگیری که افکار چگونه احساسات را به‌وجود می‌آورد، توضیح مراقبت معنوی و بیان اثرات آن بر آرامش افراد. **تکالیف خانگی:** شکایت‌ها و احساسات منفی خود را در برگه‌ای بنویسد. هر هفته میزان تغییر حالات و نگرش‌های خود را مکتوب سازد تا امکان ارزیابی پیشرفت وجود داشته باشد.
۲	پالایش ذهن گیرنده مراقبت معنوی از خطاها در سطح باور پیرامون توجه به خداوند در امور، اثرات و فواید نماز و استجابت دعا.	**تکنیک‌ها:** توضیح این که ذکر فقط به گفتن اسماء الهی با زبان نیست و معنی اصلی ذکر، یاد خدا در تمام شئون زندگی است و خداوند بهتر از آن را به ما عطا خواهد کرد. توجه دادن مخاطب به نماز و کمک گرفتن از اکسیر صبر و نماز در مواجهه با مشکل بیمارداری، تقویت شناخت مراقبت‌شونده در مورد بیماری و ابتلائات با کمک گرفتن از دعا. هنگام دعا کردن، خدا را شکر کند که این سختی‌ها باعث توجه بیشتر او به معنویت و نزدیکی او به خدا شده است. **تکالیف خانگی:** روزی ۵ دقیقه در مورد نعمت‌ها و کمک‌های خداوند فکر کند. در زندگی خود مواردی را پیدا کند که فقط با کمک خداوند به خیر و سعادت سپری شد، توجه به فوت نشدن نمازها و ترجیحاً خواندن آنها در اول وقت، دعا کردن روزانه با زبان ساده و با توجه حداقل ۵ دقیقه، انتخاب و خواندن یک یا چند دعا از بین ادعیه وارده که فرد با توجه به مضامین و معنی آن، عُلقه معنوی بیشتری نسبت به آن دارد (ترجیحاً دعای هفتم از صحیفه سجادیه با توجه به معانی آن).

جلسه	اهداف	تکنیک‌ها و تکالیف خانگی
۳	ادامه پالایش و اصلاح نگرش پیرامون اجابت، با تمرکز بر اثرات تلاوت قرآن و زیارت، درک صحیح مراقبت‌شونده در مورد صدقه و نذورات و فهم فواید آنها.	**تکنیک‌ها:** ترغیب به خواندن آیات قرآن با توجه به معانی و یا حداقل شنیدن آیات قرآن ولو در هنگام رانندگی. اصل، تدبر و تفکر در آیات است که باعث بهبود عملکرد جسمی (مغز و قلب و عروق) و روحی می‌شود. خواندن کلام خدا با توجه به معانی آن موجب احساس سبکی و آرامش‌می‌شود و این دقیقاً چیزی است که یک خانواده که دارای بیمار سرطانی است به آن نیازمند است، به فرد یا افراد شرکت‌کننده تأکید شود که معنای زیارت فقط حضور در اعتاب مقدسه و لمس ضریح نیست. زیارت دارای آدابی است که مهمترین آن گسیل داشتن دل به سوی ولیّ خدا و اتصال به منبع نور اوست. اولیای دین بر عالم احاطه دارند و از حال ما باخبر هستند و توسل و توجه به این ذوات مقدسه موجب تقرب به خدا و آرامش روحی است و موانع را برمی‌دارد. صبر در این مقوله مورد تأکید است؛ چون گاهی ائمه علیهم‌السلام به‌خاطر این‌که توسل ما به خودشان را دوست دارند، می‌خواهند این التجا بیشتر باشد و در نهایتِ عنایت و توجه خواهند کرد. توجه خانواده بیمار سرطانی به زیارت و درخواست حاجت از اولیای دین باید مورد تشویق قرار گیرد. «زائر» هر که باشد، «زیارت» هرگاه که انجام شود و «مزار هریک از اولیای خدا» در هر سرزمینی که باشد، کانونی برای رشد معنویات و زمینه‌ای برای تقویت ارزش‌های الهی در انسان است. برطبق احادیث، نذر یعنی انسان متعهد شود برای خدا کاری از کارهای خیر را انجام دهد یا کاری را که ترکش نیکو است ترک نماید. صدقه نیز از خود گذشتن برای آرامش و راحتی دیگر موجودات است و می‌تواند در سطح نیت اتفاق بیفتد که در این صورت هر عمل خیری را تبدیل به صدقه می‌نماید. صدقه می‌تواند تکاندن محتویات باقی‌مانده سفره برای پرندگان باشد و الزاماً مالی نیست. **تکالیف:** سلام دادن در حالت ایستاده به حضرت اباعبدالله علیه‌السلام و امام رضا علیه‌السلام و حضرت حجت عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بعد از هر وعده نماز. توجه به صدقه با ادای هر روز آن. روزانه تلاوت یک صفحه از قرآن کریم و هدیه آن به یکی از معصومین علیهم‌السلام. تلاوت یا شنیدن صوت آیات قرآن به مدت حداقل ۱۵ دقیقه در روز.

جلسه	اهداف	تکنیک‌ها و تکالیف خانگی
۴	تصحیح نگرش فرد در مورد بیماری سرطان و عذاب الهی. درک آثار مثبت بیماری برای فرد بیمار و اطرافیانش. از بین رفتن احساس گناهِ خانواده بیمار. دور کردن افکار منفی نسبت به ارتباط خانواده بیمار با سرطانِ عزیزشان.	**تکنیک‌ها:** دیالوگ سقراطی برای به چالش کشیدن و زدودن افکار منفی. تبیین شود که ممکن است کوتاهی‌ها و سهل‌انگاری بشر موجب گرفتاری او بشود، ولی در این حالت نیز خداوند از خطای بندگان در بسیاری از موارد درمی‌گذرد و آثار منفی آن را نیز از بین می‌برد. به مخاطب گفته شود همه انسان‌ها کم یا زیاد دچار نافرمانی‌ها و کوتاهی‌هایی می‌شوند و جز معصومین علیهم‌السلام کسی از این قاعده مستثنی نیست. با این تصحیح نگرش، مخاطب معمولاً مجاب می‌شود که اولاً بدترین بنده خدا نیست و دیگران هم ممکن است آلوده به خطاهایی بشوند، ثانیاً همیشه آثار این خطاها با انتقام خدا همراه نیست، ثالثاً با توبه و پشیمانی، خداوند آثار و نتایج نامطلوب این خطاها را نه‌تنها از بین می‌برد بلکه به نیکی و عاقبتی خوش بدل می‌نماید. باید تبیین شود که اصلاً ممکن است این باور از ابتدا معیوب باشد و این بیماری لطفی از ناحیه خدا باشد که قصد دارد با بیماری، بنده‌اش را امتحان کند و بر مقام و منزلت او نزد خود بیفزاید. با بیان اخبار و روایات، برای مراقبت‌شونده مشخص می‌شود که در بیماری نیز ممکن است خیری وجود داشته باشد و همه بیماری سرطان را نباید شرّ مطلق دانست؛ و این یعنی راهنمایی او به سوی باور درست که باعث اصلاح نگرش‌هایش می‌شود. **تکالیف:** هر روز در یک برگه، احتمالاتی که در علت بیمار شدن عزیزش وجود دارد و به ذهنش می‌رسد را بنویسد (مثلاً امتحان الهی برای سنجش صبر خانواده ما، خلاص شدن از شرّ گناهان و...). همه این احتمالات باید مثل دو نمونه ذکر شده، جنبه مثبت داشته باشند. میزان خدمت به بیمار خود را افزایش دهد؛ با این نیت که بیشتر شامل رحمت خداوند و آثار مثبت مغفرت شود. لیستی از انسان‌های پرهیزکار و صاحب کرامت که بیماری‌های سخت داشته یا هنوز هم دارند بنویسد.

جلسه	اهداف	تکنیک‌ها و تکالیف خانگی
۵	تبیین مفهوم عدل الهی برای مخاطب.	**تکنیک‌ها:** عدل الهی به معنی رعایت و توجه کردن به حقوق هر دارای حقی است و تساوی میان همه و اجتناب از تبعیض در صورتی که هیچ‌گونه تفاوتی در شایستگی‌ها وجود نداشته باشد نیز از مفاهیم عدالت خداوند است. از آنجا که یکی از خطاهای شناختی که باعث می‌شود مخاطب، عدالت الهی را زیر سؤال ببرد «فیلتر منفی» است، به مراقبت‌شونده آموزش داده می‌شود که به جای زیر سؤال بردن همه جنبه‌های مثبت به‌خاطر یک مشکل، به قسمت‌های مثبت مسئله فکر کند و از آنها لذت ببرد. بیماری همیشه نشانه بدبختی و فنا نیست و گاهی راهی است برای نزدیک شدن به خداوند و رشد. خداوند نیز اجر بیماری فرزند را محو گناهان پدر و مادر او قرار داده است و هم در دنیا و هم در آخرت جبران خواهد کرد. زندگی انسان خلاصه در حیات دنیوی او نیست و پس از سال‌ها، بالاخره انسان از این دنیا می‌رود ولی زندگی او تمام نمی‌شود و چه‌بسا در سرای باقی، هنگامی که نتیجه صبر و استقامت خود در مقابل مشکلات دنیا را نظاره می‌کند درمی‌یابد که عدالت خداوند در اعلا درجه عدل است و بهترین جبران‌کننده اوست. به‌هیچ‌عنوان نباید وارد مباحث خشک اعتقادی و کلامی شد، بلکه باید با زبانی ساده و در جملاتی کوتاه، مفاهیم را به مخاطب رساند. در مرحله بعدی لازم است مراقب معنوی بیان کند که خداوند بنا بر اصل عدالت، بین کسانی که ایمان ندارند یا ایمانشان سُست است و نعمت‌های خدا را انکار و کتمان می‌کنند با کسانی که متدین‌اند و ایمان خوبی دارند تفاوت قائل می‌شود و کسانی که ایمان دارند را زودتر مورد ابتلا قرار می‌دهد تا پاک شوند. اما قضیه در مورد بی‌ایمان‌ها فرق می‌کند و خداوند آنها را در آسایش ظاهری رها می‌کند تا وزر و وبال گناهانشان بیشتر بر آنها فشار وارد کند و آنها را در موعد مقرر به جزای خود برساند. پس، این‌طور نیست که همیشه بیماری و مشکلات به معنی قهر خدا باشد بلکه ممکن است عین رحمت خداوندی باشد. **تکالیف:** توجه به مواردی که فردی ایمان کافی به خدا ندارد ولی به بیماری و مشکلات مبتلا شده است. این موارد را پیدا کند. در اسرع وقت، لیستی از نعمت‌هایی که در زندگی‌اش موجود است را تهیه کند و هر روز آن را مرور کرده و به روزرسانی کند. روزانه دقایقی را به این موضوع فکر کند که آیا ممکن است خیری در بیماری‌ها و مشکلات ما باشد؟ چگونه؟

جلسه	اهداف	تکنیک‌ها و تکالیف خانگی
۶	تعریف و تبیین صحیح حکمت برای مراقبت‌شونده. آرام‌سازی فکر مخاطب با انتقال روشن‌بینی به او در مورد اتفاقات ناخوشایند زندگی.	**فنون و تکنیک‌ها:** برای اقناع فرد در زمینه‌هایی مثل شبهه پیرامون مشیت و مصلحت خدا می‌توان از روش‌هایی استفاده کرد و متذکر شد: مصائب و مشکلاتی که در زندگی انسان‌ها به وجود می‌آید دلایل مختلفی دارد که گاهی حکمت آن مشخص می‌شود و گاهی نیز برای همیشه پنهان می‌ماند. از جمله این مصالح و حکمت‌ها، می‌توان به فراهم شدن زمینه رشد و ترقی معنوی اشاره کرد. از آنجا که فنون مداخله برای تعارضات بنیادی در اعتقادات فرد به هم نزدیک و شبیه است، گاهی می‌توان از تکنیک‌های هر کدام، برای تعارض بنیادی دیگر نیز استفاده کرد. مثلاً برای تعارض بنیادی حکمت بیماری سرطان، می‌توان از تبیین محتوای شناختیِ توجه به جنبه‌های مثبت مشکل استفاده کرد؛ یا مراقبت‌شونده را به مسئله امتحان الهی و مشخص شدن میزان صبر و استقامت توجه داد. حکمت الهی به‌معنای غایی بودن افعال الهی و علت داشتن آنها و وجود اغراض خاص است. حکمت خدا از علم او و حب الهی به کمال و خیر که صفت ذاتی است نشأت می‌گیرد. خداوند دانا به امور تمام بندگان است و بطن همه آفریده‌های خود را می‌شناسد و گاهی لازم می‌داند با ابتلائات و بیماری، هشیاری کسب کنند و از اتفاقات و بلاهای بزرگ‌تر مصون بمانند. این اتفاقات ناگوارتر ممکن است انحراف از مسیر حق و غرق شدن در طغیان و سرکشی باشد یا درگیر شدن با بیماری ناگهانی و مرگ فجئه و امثالهم. **تکالیف:** بازگشت به اتفاقاتی که در گذشته برای او افتاده است و اگرچه ظاهری ناخوشایند داشته، اما پس از سال‌ها متوجه شده است که آن اتفاق باید می‌افتاد و برای او کارساز بوده است. میزان پختگی خود قبل و بعد از تجارب سخت را لیست کرده و به آن فکر کند. بررسی کند که پس از اتفاقات ناگوار، چه میزان تغییر مثبت داشته و باتجربه‌تر شده است.

جلسه	اهداف	تکنیک‌ها و تکالیف خانگی
۷	ایجاد معنا در سختی‌ها و زندگی فرد یا افراد شرکت‌کننده. به وجود آوردن انگیزه برای ادامه موفق زندگی با وجود مشکلات.	**تکنیک‌ها:** بیان هدف‌دار بودن خلقت آسمان‌ها و زمین با تکیه بر آیات قرآن. معناآفرینی قدسی (تقویت قطب‌نمای شناختی مخاطب در جهتِ توجه به جنبه مثبت اتفاقات ناگوار؛ مثلاً بیماری عزیزِ من باعث نزدیکی بیشتر من به خدا با دعا و توجه می‌شود). بیان این نکته که بیمار در پیشگاه خدا دارای منزلت است و پرستاری تو از او باعث رضایت خدا و ایجاد حال بهتر برای خودت می‌شود (ایجاد احساس مفید بودن در مراقبت‌شونده). بیان این مطلب که حال بهترِ تو به روحیه بیمارت کمک می‌کند و او روند درمان را بهتر پشت سر می‌گذارد. **تکالیف:** تفکر به جنبه‌های مثبت اتفاقاتی که در ظاهر بد است (مثلاً: دیشب به‌دلیل انجام شیمی‌درمانی حال بیمارم بد شد و تا صبح بالای سرش بیدار باشم؛ ولی این اتفاق باعث شد فیض سحر را درک کنم و با خدا خلوت نمایم). به مجرد خطور فکر منفی به ذهن، نهایتاً ظرف ۱۰ ثانیه آن فکر را متوقف کند (با تغییر موقعیت یا مراجعه به لیست نعمت‌ها). نوشتن لیستی از چیزهایی (نعمت‌هایی) که باید به‌خاطر داشتن آنها از خداوند سپاسگزاری کرد.
۸	توجه به اهداف معقول با امیدافزایی معنوی.	**تکنیک‌ها:** ایجاد دلگرمی و امید به مخاطب با اطمینان دادن به او برای کمک. وقتی به او گفته شود «تو تنها نیستی»، احساس خوبی پیدا می‌کند و امیدوار می‌شود. فعال‌سازی رفتاری (افراد ترغیب شوند بر اساس اولویت، کارهایی که به آن علاقه دارند را در برنامه روزانه یا هفتگی خود بگنجانند مثل: شنا یا سینما. یا از کارهایی که حال او را بد می‌کند اجتناب کنند مثل: رفتن به محلی خاص یا مرور خاطره‌ای تلخ). مقابله اشتراکی (احساس همراهی و یاری خداوند در مشکلات، با دعا و زیارت). این تکنیک انرژی خوبی به فرد می‌دهد. به مخاطب بگوییم که خدا همه حالات و وقایع زندگی ما را می‌بیند و ما را فراموش نخواهد کرد. توجه دادن مخاطب به داشته‌های خود و تأکید به او برای پرهیز از تمرکز روی کاستی‌ها. **تکالیف:** اهداف خود در زندگی را بنویسد (با ترتیب اولویت). هر شب قبل از خواب، لیست شکرگزاری را کامل کند. شیوه رسیدگی به خود (مثل غذای کامل خوردن، نظافت و لباس مرتب پوشیدن، تفریح هفتگی، ورزش هوازی و سبک، خواب کافی و در صورت وجود شرایط، فعالیت جنسی باکیفیت) را منظم کند.

جلسه	اهداف	تکنیک‌ها و تکالیف خانگی
۹	توجه دادن مخاطب به مفهوم توکل. شناساندن آثار توکل در زندگی به مراقبت‌شونده. کمک به او در جهت ایجاد روحیه توکل در درون خود برای از بین رفتن ترس و نگرانی از آینده.	**تکنیک‌ها:** تعریف صحیح توکل برای مخاطب. در این جلسه بیان شود که معنای توکل، بی‌مسئولیتی و بی‌تحرکی بندگان نیست و معنی واقعی توکل این است که در مسیر درست و خدایی قدم برداشت و تلاش کافی کرد و نتیجه را به خداوند واگذاشت. باید به فرد توضیح داده شود که با توکل به خداوند باید سراغ پزشک و دارو و مراقبت‌های درمانی رفت و این دو منافاتی با هم ندارند. برشمردن آثار توکل برای مراقبت‌شونده به تثبیت این صفت در وجود او کمک می‌کند. آرامش، آسان شدن سختی‌ها، قوت قلب گرفتن، استقامت، شجاعت و عدم یأس و ناامیدی از آثار توکل به خدا است. جلب کردن توجه مخاطب به این نکته که ترس از آینده و نگرانی، محصول عدم توکل است. تکیه کردن به قدرتی که بالاترین نیروی موجود در عالم است باعث می‌شود ترس از آینده در وجود انسان کم شود. **تکالیف:** گفتن روزانه ذکر «حسبنا الله و نعم الوکیل» به هر میزان که توانایی دارد. در حالت نشسته یا ایستاده دست خود را روی سینه بگذارد و چندین مرتبه آیه ۲۸ سوره رعد را بخواند: الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطمَئِنُّ قُلُوبُهُم بِذِكرِاللهِ أَلَا بِذِكرِاللهِ تَطمَئِنُّ القُلُوب. مطالعه حکایات قرآنی توکل (مانند جریان حضرت ابراهیم و نمرود) و فکر کردنِ روزانه به آن.
۱۰	ارزیابی میزان رضایت‌مندی مراقبت‌شونده از دوره. جمع‌بندی جلسات.	**تکنیک‌ها:** در جلسه پایانی باید ارتباط درمانی مؤثر با مخاطب همچنان برقرار باشد و فرد در نقطه مطلوبی از پذیرش و اعتماد قرار داشته باشد. در صورتی که مراقبت‌شوندگان هنوز از ناآرامی‌های درونی و تعارضات شکایت کنند، لزوم همدلی با آنها باید توسط مراقب معنوی دارای اولویت تلقی شود. احتمال دارد مراقبت‌شونده نیاز داشته باشد تا برخی از تکالیف را برای زمان طولانی‌تری ادامه دهد. وجود خطاهای شناختی نقش زیادی در عدم آرامش روحی و روانی مراقبت‌شوندگان معنوی دارد. آموزش افکار جایگزین به آنها می‌تواند تأثیرات زیادی در بهبود افکار و احساسات این افراد داشته باشد. توجه دادن مخاطب به این که در بسیاری از مراحل زندگی سختی‌هایی وجود دارد که حکمت خدایی در ورای آن نهفته است و امکان دارد برای رشد و ترقی یا آزمودن ایمان انسان‌ها باشد نیز در حل تعارضات مؤثر است. توکل و سپردن امور به خداوند و نداشتن ترس از آینده و البته صبور بودن، نیاز به ارائه تکنیک‌هایی دارد که بیان سرگذشت متوکلین که در قرآن نیز به برخی از آنها اشاره شده است می‌تواند بسیار مناسب باشد. **تکالیف:** توجه به اهداف و تلاش در جهت رسیدن به آنها ادامه داده شود. خدمت به بیمار خود و بیماران سرطانی دیگر در حد توان. نوشتن افکار منفی به‌صورت روزانه و سپردن آنها به خداوند جهت رهایی از آنها. توجه به جنبه‌های مثبت همه اتفاقات.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر ابتدا عوامل تهدید کنندهٔ آرامش و معنویت در خانوادهٔ بیماران سرطانی را با مصاحبه، شناسایی کرد؛ سپس با تدوین یک بستهٔ آموزشی مراقبت معنوی بر اساس تعالیم اسلامی، این خانواده‌ها را در تنش‌های به‌وجودآمده یاری و حمایت می‌کند تا فشارهای روحی، احساسات منفی و مشکلات اعتقادی آنها به حداقل برسد.

خانواده‌هایی که بیمار سرطانی دارند هرچه عناصر معنوی مانند ارتباط با خدا، توکل، امید به رحمت الهی، توجه به هم‌نوعان، ارتباطات مؤثر چهارگانه و توسل را در زندگی خود برجسته‌تر کنند، احساس تنهایی کمتری را متحمل خواهند شد (خیری، صفا و نصیری، ۱۳۹۷). ایجاد ارتباط مؤثر با مراقبت‌شوندگان مؤید این مطلب است که پذیرش مراقب معنوی و عزم جدی برای تغییر نگرش، نقش مهمی در موفقیت افراد در رسیدن به آرامش دارد (کریمی، ۱۳۹۹). افراد در اولین مرحله، «آماده‌سازیِ» خود را برای تغییر به فعلیت می‌رسانند. در مرحله دوم، برای رسیدن به هدف «اقدام» می‌کنند و اقدام مرحله‌ای است که در آن افراد رفتارشان، تجربیاتشان و محیطشان را به‌منظور غلبه بر مشکلاتشان تغییر می‌دهند.

تجربیات نشان داده است که احتمال بازگشت به مشکل قبلی (عود) وجود دارد. بنابراین باید در مرحله سوم که مرحله «نگهداری» است، برای محکم کردن دستاوردها تلاش کرد. یکی از راه‌های تثبیت دستاوردها، انجام تکالیف منظم است. مراقبت معنوی از خانواده بیماران سرطانی شامل توجه به احساس خلأ و پوچی در این افراد، ایجاد امید و انگیزه در آنها، برطرف کردن تعارضات در باورهای بنیادی آنها و ارتقاء روحیه توکل به خداوند در این افراد می‌باشد که با تهیه فنون و ارائه تکالیفی که طی ۱۰ جلسه مراقبت معنوی گنجانده شده است، اهداف مورد اشاره در راستای آرامش‌بخشی به آنها محقق می‌شود.

نتیجه‌ای که از مباحث مطرح شده در این پژوهش حاصل می‌شود، نشان‌گر این است که تدوین بسته آموزشی برای مراقبت معنوی از خانواده‌هایی که بیمار سرطانی دارند، باعث قانون‌مند شدن مداخلات در مورد این افراد می‌شود و هر کدام از اهداف، تکنیک‌ها و تکالیف، به صورت منظم و در جای خود به انجام می‌رسد و از پراکندگی مباحث و اقدامات بی‌برنامه اجتناب می‌شود. بنابراین، ویژگی‌های این بسته آموزشی بر طبق محورهای زیر می‌باشد:

۱. مهم‌ترین مشکلات افراد را شناسایی کرد.

۲. با تدوین محتواهای لازم، نظرات و راهکارهای اسلام برای رفع این مشکلات را بیان کرد. ویلیام جیمز می‌نویسد: «نخستین علت اساسی همه انواع بیماری، ضعف یا

افسردگی، احساس جدایی انسان از قدرت الوهی است که خدایش می‌نامیم. روح انسان می‌تواند آرامش توأم با اطمینان مست‌کننده احساس کند و بیابد... که نیاز به التیام‌دهنده و شفابخش دیگری نمی‌یابد» (آذربایجانی، ۱۳۹۰).

این راهکارها در دو سطح شناختی و رفتاری بیان می‌شود. در سطح شناختی از محتوای آیات قرآن، روایات و بیان استدلال‌های شیوا و روشن که به کنترل افکار و اصلاح باورهای این افراد کمک می‌کند استفاده می‌شود. مثلاً هنگامی که با استفاده از تکنیک‌های لازم و محتواهای اسلامی، مراقبت‌شونده را به احساس همراهی خداوند در مشکلش نزدیک می‌کنیم، او دیگر خود را در این ابتلاء و سختی تنها نمی‌بیند و احساسات بهتری را تجربه می‌کند. در واقع تاب‌آوری، پیامد مثبت این فرایند است.

در بُعد شناختی و وجود تعارضات درون‌فردی، استفاده از فنونی مانند دیالوگ سقراطی می‌تواند باورهای معیوبِ مراقبت‌شوندگان معنوی را به چالش بکشد و آرامش را به درون آنها بازگرداند (موتابی و فتی، ۱۳۹۷). وجود خطاهای شناختی نقش زیادی در عدم آرامش روحی و روانی مراقبت‌شوندگان معنوی دارد. آموزش افکار جایگزین به آنها می‌تواند تأثیرات زیادی در بهبود افکار و احساسات این افراد داشته باشد (جمشیدی‌فر و لطفی، ۱۳۹۹).

بسته آموزشی مراقبت معنوی برای خانواده بیماران سرطانی، در سطح رفتاری نیز با تعیین تکالیف برای افراد مراقبت‌شونده، آنها را در جهت تثبیت آرامش و رضایت یاری خواهد کرد. تجربه نشان داده است مخاطبینی که در انجام این تکالیف موفق‌تر هستند از روند آرامشی بهتری برخوردار خواهند بود.

۳. تعداد و زمان جلسات، متناسب می‌باشد؛ چرا که با توجه به آسیب روانی حاصل از ابتلای یک عضو خانواده به سرطان، ظرفیت این افراد در پذیرش مباحث، محدود است. از آنجا که این بسته آموزشی بر مبنای تعالیم اسلام تدوین شده است، در طی جلسات مختلف مراقبت معنوی، خصوصاً جلساتی که به مباحثی پیرامون تعارضات بنیادی اعتقادی می‌پردازد، بنا گذاشتن بر طرح و ارائه محتواهای سنگین و پیچیده کلامی خطا است. هدف از طرح موضوعات این‌چنینی، رفع تعارضات در باورهای مراقبت‌شونده است نه بیان استدلال‌های کلامی و فلسفی. این بسته آموزشی به این مهم توجه داشته است.

این تحقیق نشان می‌دهد از آن جا که خانواده بیماران سرطانی با توجه به نوع مشکلاتی که با آن درگیر هستند از نظر معنوی نیاز به مراقبت دارند، تدوین بسته‌ای که بر پایه آموزه‌های اسلامی باشد می‌تواند به آرام‌سازی این افراد کمک کند و مسائل و مشکلات

آنها را به حداقل برساند. تجربه کار با مراقبت‌شوندگان در یک دوره آزمایشی نشان از فاصله گرفتن آنها از مسائل و مشکلات فوق داشت.

شفیعی، شریعتمدار و فرح‌بخش (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی تجارب زیسته مرتبط با فشارهای روانی کودکان سرطانی و خانواده آنها در مراحل مختلف بیماری پرداختند. اما در این پژوهش به راهکار برای مقابله این فشارها پرداخته نشده است. در بسته آموزشی مراقبت معنوی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی برای خانواده بیماران سرطانی، به راهکارهای شناختی رفتاری بر اساس آموزه‌های اسلامی پرداخته شده است.

از محدودیت‌های این پژوهش این بود که جامعه آماری برای مصاحبه، محدود به بیماران سرطانی در مرکز شیمی‌درمانی بیمارستان شهید آیت‌الله دکتر بهشتی قم بود. جامعه آماری و نمونه بزرگتر ممکن است همراه با مشکلات بیشتر و دقت بیشتر همراه باشد. از دیگر محدودیت‌های این پژوهش این بود که محقق با توجه به حجم کار و شرایط کرونا، نتوانست میزان اثربخشی این بسته را بررسی کند و به روایی محتوایی از نظر کارشناسان اکتفا کرد. محدودیت دیگر این است که محقق بسته را محدود به رویکرد شناختی-رفتاری طراحی کرده است.

پیشنهاد می‌شود جامعه آماری و نمونه بزرگتری برای یافت مشکلات خانواده بیمار سرطانی، انتخاب شود. پیشنهاد می‌شود که کارگاه برگزار شود و میزان اثربخشی آن گزارش شود. پیشنهاد می‌شود این بسته آموزشی براساس دیگر رویکردهای روان‌شناسی طراحی شود و میزان اثربخشی آن رویکردها با رویکرد شناختی-رفتاری مقایسه شود.

منابع

- ***قرآن کریم***.
- احمدی‌فراز، محمدمهدی (۱۳۹۵)، ***درآمدی بر مراقبت معنوی***، اصفهان: دانشگاه علوم پزشکی.
- ---------- (۱۳۹۶)، ***آرامش با نیایش***، اصفهان: دانشگاه علوم پزشکی.
- آذربایجانی، مسعود (۱۳۹۰)، ***روان‌شناسی دین از دیدگاه ویلیام جیمز***، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- اسد زندی، مینو (۱۳۹۷)، ***راهنمای مراقبت معنوی برای خانواده بیماران***، تهران: انتشارات رسانه تخصصی.
- آقایوسفی، علیرضا؛ خاربو، اکرم؛ و حاتمی، حمیدرضا (۱۳۹۴)، «نقش نشخوار فکری در بهزیستی روانی و اضطراب در همسران بیماران مبتلا به سرطان در استان قم»، ***روان‌شناسی سلامت***، شماره ۱۴، ۸۲-۱۰۰.

• امامی، طاهره (۱۳۹۹)، «تبیین ساختار مفهومی بعد جسمانی مراقبت معنوی بر اساس آیات و روایات با تأکید بر بیماری‌های مزمن جسمانی»، ***اسلام و سلامت***، دوره پنجم، شماره ۲، ۷۶-۸۶.

• جدیدی، صفرآبادی، جعفری‌پور، ایران‌نژاد؛ علی، مهدی، حسن، بهروز (۱۳۹۶)، ***معنویت و مراقبت معنوی در پرستاری***، تهران: رویان پژوه.

• جاودان‌پور، زمانه؛ سادات حسینی، اکرام السادات؛ چراغی، محمدعلی؛ و مهران، عباس (۱۳۹۶)، «بررسی مقایسه‌ای نیازهای مراقبت معنوی مادران کودکان کم‌تر از ۱۴ سال مبتلا به سرطان در مراحل تشخیص و انتهایی بیماری»، ***اخلاق پزشکی***، شماره ۴۱، ۴۶-۵۶.

• جمشیدی‌فر، زهرا؛ لطفی کاشانی، فرح (۱۳۹۹)، «مقایسهٔ اثربخشی معنویت درمانی و درمان شناختی رفتاری بر کاهش سطح کورتیزول خون در زنان مبتلا به سرطان پستان»، ***اندیشه و رفتار در روان‌شناسی بالینی***، شماره ۵۵، ۳۷-۴۶.

• خیری، یوسف؛ صفا، میکائیل؛ و نصیری، فریده (۱۳۹۷)، «سلامت معنوی، بخشش و راهبردهای مقابله‌ای در بیماران مبتلا به سرطان‌های دستگاه گوارش»، **اخلاق پزشکی**، شماره ۴۳، ۴-۱۳.

• صنعت‌نگار، سارا؛ بهرامی احسان، هادی (۱۳۹۵)، «مروری بر رابطه بین مقابله معنوی-مذهبی با بهبود سازگاری در بیماران مزمن با نگاه ویژه به بیماران مبتلا به سرطان پیشرفته»، ***رویش روان‌شناسی***، شماره ۱۴، ۷۵-۹۲.

• شفیعی، فاطمه؛ شریعتمدار، آسیه؛ و فرح‌بخش، کیومرث (۱۳۹۸)، «بررسی تجارب زیسته مرتبط با فشارهای روانی کودکان سرطانی و خانواده آنها در مراحل مختلف بیماری»، **روان‌شناسی سلامت**، شماره ۳۱، ۱۱۹-۱۳۸.

• زکوی، علی اصغر؛ و مرزبند، رحمت الله (۱۳۹۳)، «مراقبت معنوی و راهکارهای آن در راستای تأمین سلامت معنوی بر مبنای آموزه‌های قرآن و حدیث»، ***تاریخ پزشکی***، شماره ۲۱، ۱۰۳-۱۳۰.

• غلامی حیدرآبادی، زهرا (۱۳۹۴)، ***آموزش موضوعات مراقبت معنوی***، تهران: آوای نور.

• کریمی، یوسف (۱۳۹۹)، ***نگرش و تغییر نگرش***، تهران: ویرایش.

• موتابی، فرشته؛ فتی، لادن (۱۳۹۷)، ***راه و رسم درمانگری در نظریه شناختی رفتاری***، تهران: انتشارات دانژه.

• خدادای سنگده، جواد؛ و قمی، میلاد (۱۳۹۶)، «اثربخشی روان‌درمانی وجودی به شیوه گروهی بر افزایش بهزیستی روان‌شناختی مادران دارای کودکان سرطانی»، ***مطالعات روان‌شناختی***، دوره ۱۳، شماره۵۳، ۱۲۵-۱۴۰.

• ***صحیفة‌السجادیة*** (۱۴۱۸ ق)، قم: المطبعة‌الکبیرة للقرآن الکریم.

• Aldiabat, K. M., & Navenec, L. (2018). Data Saturation: The Mysterious Step In Grounded Theory Method. ***The Qualitative Report***, 23(1), 245-61.

• Glaser, B. G., & Strauss, A. L. (2017). Discovery of grounded theory: Strategies for qualitative research: Routledge.

• Glaser, Barney, G., & Strauss, Anselm, L. (1967). The constant comparative method of qualitative analysis. ***The discovery of grounded theory: Strategies for qualitative research***, 101, 158.

• Gijsberts, M. J. H., Liefbroer, A. I., Otten, R., & Olsman, E. (2019). Spiritual care in palliative care: a systematic review of the recent European literature. ***Medical Sciences***, *7*(2), 25.

• Coppetti, L. D. C., Girardon-Perlini, N. M. O., Andolhe, R., Silva, L. M. C. D., Dapper, S. N., & Noro, E. (2019). Caring ability, burden, stress and coping of family caregivers of people in cancer treatment. ***Revista brasileira de enfermagem***, *72*, 1541-1546.

پیوست: فرم مصاحبه با خانواده‌های دارای فرد سرطانی

۱. به‌نظر شما مشکلات اصلی خانواده بیماران سرطانی چیست؟

۲. کدامیک از مشکلات این افراد از درجه اهمیت بیشتری برخوردار است؟

۳. به‌نظر شما بیشترین آسیب احتمالی خانواده بیماران سرطانی مالی است یا روحی– روانی؟

۴. چرا پرداختن به مشکلات روحی– روانی این خانواده‌ها اهمیت دارد؟

۵. آیا در طول دوران بیماری عزیزتان احساس کرده‌اید که زندگی بی‌معناست؟

۶. میزان تقید شما به امور معنوی و تکالیف مذهبی چقدر است؟

۷. آیا در طول دوران بیماریِ عزیزتان از به‌هم‌ریختگی در باورهای اعتقادی رنج برده‌اید؟

۸. آیا تا به حال زیر فشارهای حاصل از سرطانِ عزیزتان احساس کرده‌اید که تنها هستید؟

۹. در طول مدت بیماریِ عزیزتان چقدر احساس کرده‌اید به کمک نیاز دارید؟

۱۰. ارتباط با خداوند به‌عنوان قدرت مطلق عالم چه میزان در کاهش آلام شما در طول زمان سرطان عزیزتان مؤثر بوده است؟

اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی
سال هشتم، شماره اول، پیاپی ۱۷، بهار و تابستان ۱۴۰۱ (ص ۲۷-۴۹)

مؤلفه‌های نگرش به فرزندآوری و فرزندپروری بر اساس منابع اسلامی

Components of attitude towards childbearing and parenting based on Islamic sources

✍ **سعید شریف یزدی** / کارشناسی ارشد روان‌شناسی اسلامی، مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت، قم، ایران.
محمدرضا جهانگیرزاده قمی/ استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ﷺ، قم، ایران.
محمدرضا بنیانی/ دکترای روان‌شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ﷺ، قم، ایران.
معصومه سلطانی‌پور/ کارشناسی ارشد، گروه ذهن، مغز و تربیت، پژوهشکده علوم شناختی، تهران، ایران.

Saeed Sharifyazdi / Master of Islamic Psychology, Institute of Higher Education of Ethics and Education, Qom, Iran. s.sharif.y213@gmail.com
Mohammad Reza Jahangirzadeh Qomi / lecturer (Ph.D.) in psychology, Imam Khomeini Education and Research Institute, Qom, Iran.
Mohammadreza Bonyani / PhD in Psychology, Imam Khomeini Education and Research Institute, Qom, Iran.
Masoomeh Soltanipour / Master's degree, Department of Mind, Brain and Education, Research Institute of Cognitive Sciences, Tehran, Iran.

چکیده

نگرش نسبت به خانواده در حیطه فرزندآوری و فرزندپروری در ایران، طی دهه‌های اخیر تغییرات فراوانی داشته است. تأثیرگذاری خانواده و ایفای مناسب نقش‌های آن، به ویژه انتقال ارزش‌ها و فرهنگ جامعه تحت تأثیر نگرش‌های اعضا قرار می‌گیرد. با توجه به اهمیت موضوع فرزندآوری و فرزندپروری و نگرش به آن، محقق درصدد است، مؤلفه‌های نگرش به فرزندآوری/پروری را از منابع دینی استخراج کرده و به تبیین و بررسی آنها بپردازد. رویکرد پژوهش، کیفی- کمی بوده، به این معنا که در بخش کیفی از روش تحلیل محتوا و در بخش کمی، توصیفی از نوع پیمایشی است که برای سنجش روایی مؤلفه‌های نگرشی استفاده می‌شود. در این پژوهش ابتدا مفاهیم مرتبط با

Abstract

Attitudes toward the family in the Case of childbearing and parenting in Iran have changed a lot in recent decades. The influence of the family and the proper performance of its roles, especially the transmission of values and culture of the community are influenced by the attitudes of members. Concern to the importance of the issue of childbearing / parenting and attitudes toward it, the researcher intends to extract the components of attitudes toward childbearing / parenting from religious sources and to explain and study them.

The research approach is qualitative-quantitative, meaning that in the qualitative part it is a method of content analysis of religious texts and in the quantitative part it is a descriptive survey method that is used to assess the validity of attitude components. In this study,

فرزندآوری/پـروری و نگـرش بـه آن مقوله‌بندی شـده و از طریـق روش کدگـذاری (بـاز، محـوری و گزینشی) مؤلفه‌هـای مرتبـط بـا نگـرش بـه فرزندآوری/پروری اسـتخراج گردید؛ سپس برای سـنجش روایی محتوایی مؤلفه‌هـا از نظر ۸ تن از کارشناسـان متخصـص در حـوزه علـوم دینی و روان‌شناسی، بهـره گرفتـه شـده اسـت. پس از ارزیابـی مؤلفه‌هـا توسـط کارشناسـان، تعـداد ۱۰ مؤلفه مورد تأیید قرار گرفته است.

کلیـد واژه‌هـا: نگـرش، مؤلفـه، فرزنـدآوری، فرزندپروری، منابع اسلامی.

first the concepts related to Childbearing / parenting and attitudes toward it were categorized and components related to attitudes toward Childbearing / parenting were extracted through coding methods (open, axial, and selective);
Then, to assess the content validity of the components, the opinion of 8 experts in the field of religious sciences and psychology has been used. After evaluating the components by experts, 10 components have been approved.

Keywords: Attitude, Component, Childbearing, Parenting, Islamic Sources.

مقدمه

امروزه خانواده به‌عنوان یک نظام یا سیستم مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد. رویکرد سیستمی بر این فرض استوار است که تمامی اعضای یک شبکه اجتماعی معین (مانند خانواده) می‌توانند به‌طور هم‌زمان بر یکدیگر تأثیر بگذارند. خانواده، شبکه‌ای از الگوهای ارتباطی است که در آن والدین و کودکان در فرایندی چندسویه با یکدیگر تعامل دارند. در محیط خانواده که در واقع جامعه‌ای محدود است، طرفین قادرند تأثیرات بس شگرفی بر یکدیگر بگذارند. (ساطوریان، ۱۳۹۹، ص۹).

دین اسلام به‌عنوان مکتبی انسان‌ساز توجه و اهتمام فراوانی به خانواده نشان داده و آن را کانون تربیت و رشد و تعالی انسان برشمرده است. در قرآن و روایات، از فرزند با تعابیری چون: «نور چشم» (فرقان/۷۴)[۱]، «زینت‌بخش زندگی» (کهف،۴۶)[۲]، «وسیله آزمایش بشر» (انفال/۲۸و تغابن/۱۵)[۳]، «میوه دل و روشنایی دیده» (نوری، ۱۴۰۸، ج۱۳، ص۱۱۳)[۴]، «مایه خوشبختی» (عاملی، ۱۴۱۴، ج۲۱، ص۳۵۷)[۵]، «کسی که انسان را یاری می‌کند» (همان)[۶]،

۱. «وَالَّذِينَ يقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَاتِنَا قُرَّةَ أَعْينٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَاماً».
۲. «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَياةِ الدُّنْيا وَالْبَاقِياتُ الصَّالِحَاتُ خَيرٌ عِندَ رَبِّک ثَواباً وَخَيرٌ أَمَلاً».
۳. «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكمْ وَأَوْلَادُكمْ فِتْنَةٌ»؛ «إِنَّمَا أَمْوَالُكمْ وَأَوْلَادُكمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِندَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ».
۴. قال رسول الله ﷺ: «أنهم ثَمَرَةُ القُلوب و قُرّة الأعين».
۵. «سَعِدَ امْرُؤٌ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يَرَى خَلَفاً مِنْ نَفْسِهِ».
۶. «مِن سَعَادَةِ الرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ لَهُ وُلْدٌ يَسْتَعِينُ بِهِمْ».

و نیز «مایه رحمت و غفران الهی» (همان)[۱] یاد شده است. بنابراین، فرزند عطیه و موهبتی الهی است که خود منشأ نعمت‌های بی‌شمار دیگر است. وجود فرزند، فضای خانه و خانواده را از خیر و برکت و مهر و محبت لبریز می‌کند، و رابطه معنوی و الهی والدین و فرزندان هر دو را از رحمت گسترده خداوند بهره‌مند می‌گرداند (مروجی طبرسی، ۱۳۹۰، ص۳۴). به همین جهت است که در روایات متعدد، به فرزندآوری، تکثیر نسل و تعدد فرزندان توصیه فراوان شده است. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «تَناکَحُوا تَکَثَّرُوا إنّی أُباهِی بِکُمُ الاَمَمَ یَومَ القِیامَة وَ لَو بِالسِّقط» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج۱۰۰، ص۲۲۰).

تأثیرگذاری خانواده و ایفای مناسب نقش‌های آن به‌ویژه انتقال ارزش‌ها و فرهنگ جامعه تحت‌تأثیر نگرش‌های اعضا قرار می‌گیرد (لطف‌آبادی، ۱۳۹۸، ص۳۴). نگرش‌ها بخش اصلی هویت انسان هستند. دلایل اهمیت نگرش این است که بر افکار اجتماعی مؤثر است، نحوه تفکر و پردازش اطلاعات را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، به‌عنوان طرح ذهنی عمل می‌کند و به‌عبارت‌دیگر چارچوب‌های شناختی اطلاعات را در مورد مفاهیم، موقعیت‌ها و حوادث سازماندهی و نگهداری می‌کند و سرانجام بر فرایند رفتار اثر می‌گذارد (سالاری‌فر، ۱۳۸۵، ص ۱۰۹).

در مورد نگرش به فرزندان به‌طورکلی، تحقیقاتی انجام شده که به برخی اشاره می‌شود. هاشمی‌نیا و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «بررسی نگرش زنان به ارزش فرزندان» به بررسی دیدگاه و نگرش زنان ۴۹-۱۵ ساله ساکن شیراز به فرزندان پرداختند. روش تحقیق به صورت پیمایشی است و اطلاعات با استفاده از پرسشنامه از نمونه‌ای ۴۰۰ نفری از زنان ساکن شهر شیراز جمع‌آوری شده است. موسوی و قافله باشی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی جایگاه و نگرش به فرزندآوری در خانواده‌های جوان شهر قزوین» به بررسی جایگاه رفتار باروری در خانواده‌های جوان ایرانی و نگرش آنها به فرزندآوری، در میان گروهی از خانواده‌های جوان موجود در محدوده سنی ۳۸-۱۹ سال با استفاده از نمونه‌گیری سهمیه‌ای به شیوه تصادفی از مناطق مختلف شهر قزوین پرداخته است. یافته‌ها نشان داد عوامل اقتصادی بیش از سایر عوامل چون اعتقادی، فرهنگی و هویت شناختی- جسمانی بر نگرش منفی خانواده‌های جوان به فرزندآوری تأثیرگذار بوده است. باعزت و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای به بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی مقیاس نگرش به

۱. «...وَ إن بَقِیَ بَعدَهُ استَغفَرَ لَه بَعدَ مَوتِه».

باروری و فرزندآوری پرداخته‌اند. مقیاس نگرش به باروری و فرزندآوری توسط سودبرگ، لانداگرین، کریستنسون و هیلدنیگسون[1] تدوین شده و برای ارزیابی نگرش زنان نسبت به باروری و فرزندآوری استفاده می‌شود. نسخه لاتین این مقیاس سه خرده‌مقیاس و ۲۷ گویه دارد که به‌صورت لیکرت ۵ درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود و نسخه فارسی شامل ۱۲ گویه است. با توجه به وجود رابطه نیرومند بین گرایش به فرزندآوری با نگرش به فرزندآوری، از این مقیاس به‌عنوان ملاک برای بررسی روایی ملاکی مقیاس نگرش به باروری و فرزندآوری استفاده شد. در پژوهش‌های انجام شده با رویکرد اسلامی نیز می‌توان به پژوهش علوی و همکاران (۱۴۰۰) با موضوع ساخت و اعتباریابی پرسشنامه اولیه نگرش به فرزندآوری بر اساس منابع اسلامی اشاره کرد. هدف این پژوهش، ارائه پرسش‌نامهٔ اولیه نگرش به فرزندآوری، براساس منابع اسلامی و تعیین ویژگی‌های روان‌سنجی (اعتبار و روایی) آن است. برای استخراج مؤلفه‌های نگرش به فرزندآوری، از روش تحلیل محتوا و برای بررسی ویژگی‌های پرسش‌نامهٔ از روش پیمایشی استفاده شده است. در این پژوهش پنج مؤلفه باورهای منفی، باورهای مثبت، رشد و تعالی، لذت‌بری، امنیت‌خواهی از منابع اسلامی استخراج و مورد ارزیابی قرار گرفته است.

با توجه به بررسی‌های انجام شده بیشتر پژوهش‌ها موردی بوده و طبق رویکرد اسلامی و بر اساس منابع اسلامی انجام نشده است و تنها پژوهش علوی و همکاران (۱۴۰۰) به بررسی نگرش به فرزندآوری و ساخت پرسشنامه آن پرداخته و پنج مؤلفه را استخراج نموده است. درحالی‌که در پژوهش حاضر، مؤلفه‌های بیشتری در ابعاد سه‌گانه فضیلت، کارکردها و بایسته ها استخراج و مورد ارزیابی قرار گرفته است. همچنین علاوه بر حیطه فرزندآوری در پژوهش حاضر فرزندپروری نیز مورد ارزیابی و مؤلفه‌های مرتبط با آن از منابع اسلامی استخراج و مورد ارزیابی قرار گرفته است.

با توجه به اهمیت موضوع فرزندآوری و تربیت فرزندان و تأثیر آن بر خانواده‌ها و جامعه و ازآنجا که نگرش به فرزندآوری و فرزندپروری بر اساس منابع اسلامی و با رویکرد دینی مورد پژوهش قرار نگرفته است، لذا در این پژوهش اقدام به شناسایی و استخراج مؤلفه‌های نگرش به فرزندآوری و فرزندپروری از منابع اسلامی شده است.

1. Soderberg, Lundgren, Christensson & Hildingsson.

روش

روش پژوهش بر مبنای شیوه گردآوری اطلاعات، کیفی. کمی بوده که در روش کیفی به‌صورت تحلیل محتوای و شناسایی آیات و روایات و در روش کمی از روش توصیفی- پیمایشی برای سنجش روایی مؤلفه‌ها استفاده شده است.

در این پژوهش جهت گردآوری داده‌ها، جستجوی نظام‌داری پیرامون شبکه مفاهیم مرتبط با خانواده و نگرش به آن در حیطه فرزندآوری/پروری، در منابع اسلامی صورت گرفت. در این بخش محقق، ابتدا بر اساس مدخل‌ها (مانند: ولد، صبی، ابن و بنت و هم‌خانواده‌های آنها) و سرفصل‌های منابع اسلامی، مفاهیمی که با موضوع فرزندآوری/پروری در کتب لغت و روان‌شناسی هم‌خوانی دارد را جمع‌آوری کرده است. اطلاعات و داده‌های اولیه از مطالعه دقیق آیات قرآن کریم و منابع و متون روایی مرتبط با موضوع از جمله نرم‌افزار جامع‌ألاحادیث جمع‌آوری و استخراج گردید. پس از اینکه مطالعه آیات و احادیث و بررسی متون دینی و روایات به عمل آمد و پس از تشکیل خانواده حدیث از آیات و روایات مرتبط با موضوع فرزندآوری/پروری با رویکرد نگرشی، این اطلاعات مورد تحلیل قرار گرفت. سپس با استفاده از روش کدگذاری باز، محوری و گزینشی، مؤلفه‌های نگرشی استخراج گردید.

در مرحله بعد مستندات، مؤلفه‌ها در قالب فرمی جهت ارزیابی کارشناسی آماده‌سازی شد. مؤلفه‌های نگرشی در قالب فرم مشخص بین ۸ تن از کارشناسان متخصص در حوزه خانواده، با تحصیلات سطوح عالی حوزوی و مقطع دکترای روان‌شناسی منتشر شد. در این مرحله از متخصصین خواسته شد به بررسی و سنجش مؤلفه‌های استخراج شده پرداخته و میزان مطابقت آنها با مستندات ارائه شده را (در چهار درجه بسیار زیاد، زیاد، کم و بسیار کم) مشخص نمایند.

برای به‌دست آوردن میزان توافق کارشناسان و روایی محتوا از روش «CVI» برای تجزیه‌وتحلیل داده‌ها استفاده گردید و درصورتی‌که «CVI» به‌دست‌آمده از ۷۹٪ بالاتر باشد، میزان روایی محتوا مورد تأیید خواهد بود (حاجی‌زاده و اصغری، ۱۳۹۰، ص۳۹۵). در نهایت بعد از ارزیابی، تعداد مؤلفه‌های مطابق با مستندات در منابع اسلامی به ۱۰ مؤلفه رسید.

معیار درجه‌بندی کتب روایی، کتاب‌های حدیثی بر اساس ۱۲ ملاک رد و قبول کتب، در سه گروه رتبه‌بندی شده‌اند: کتاب‌های درجه «الف» : کتاب‌های مقبول و مورد اعتماد شیعیان است. کتاب‌های درجه «ج»: از گروه کتاب‌های ضعیف هستند که از آنها به‌عنوان مؤید استفاده شده است و کتاب‌های درجه «ب»: مابین دو گروه دیگرند و برای استناد،

صلاحیت نسبی دارند. ازاین‌رو به‌دلیل گستردگی روایات و قابل استنادتر شدن نتایج پژوهش حاضر از روایات منابع روایی تحقیق از کتب درجه «الف» انتخاب شده‌اند. البته در برخی موارد از منابع درجه «ب» و درجه «ج» به‌عنوان شاهد و مؤید استفاده شده است. بعد از بررسی‌های و جستجوهای لازم، نخست برای هر مؤلفه، روایات و آیات متناسب جمع‌آوری گردید و در نهایت روایات و آیات تکراری و مشابه حذف گردید و محقق به تجزیه و تحلیل آنها پرداخته است.

یافته‌های تحقیق

برای به‌دست آوردن مؤلفه‌های نگرش به فرزندآوری/پروری بر اساس منابع اسلامی از فرایند کدگذاری استفاده شده است. در این فرایند، نخست با استفاده از کدگذاری باز بر روی داده‌های (آیات و روایات) مربوط به مفاهیم متناظر با نگرش به فرزندآوری/پروری، این داده‌ها تجزیه‌وتحلیل شده و بر اساس کدگذاری محوری، مؤلفه‌ها به‌دست آمد. پس از کدگذاری محوری و استخراج مؤلفه‌ها، سه بعد جایگاه، کارکرد و بایسته‌ها به‌عنوان کدهای انتخابی شناسایی و دسته‌بندی شدند. در ادامه جدول مؤلفه ها ارائه و به تبیین آنها پرداخته می‌شود.

جدول۱. مؤلفه‌های نگرش به فرزندآوری/پروری بر اساس منابع اسلامی

حیطه	ابعاد	مؤلفه‌ها
فرزندآوری	جایگاه	فضیلت
		سعادت
	بایسته‌ها	مهرورزی
		وظیفه‌مداری (رعایت حقوق فرزند)
		تکریم و مدارا
		تعلیم و تربیت
		ولایت‌مداری و مدیریت
	کارکرد	مراقبت‌کنندگی
		امنیت و حمایتگری
		برکت

با بررسی آیات و روایات به‌عنوان منابع مورد تحقیق در حیطه فرزندآوری و در بعد جایگاه دو مؤلفه بعد از عملیات کدگذاری استخراج و مشخص گردید. مؤلفه‌های بعد جایگاه عبارتند از : فضیلت و سعادت که در ادامه به تبیین و توضیح آنها پرداخته می‌شود:

فضیلت: در آموزه‌های اسلامی جایگاه ویژه‌ای برای فرزند مشخص و بیان شده است. داشتن فرزند و باقی گذاردن نسل برای هر مسلمانی امری پسندیده است. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «أَكْثِرُوا الْوَلَدَ أُكَاثِرْ بِكُمُ الْأُمَمَ غَدا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۲، ص۲) بر تعداد فرزندان بیافزایید تا در روز قیامت به فزونی شما بر امت‌ها تفاخر کنم. در حدیثی دیگر، پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «تَزَوَّجُوا فَإِنِّي مُكَاثِرٌ بِكُمُ الْأُمَمَ غَداً فِي الْقِيامَةِ حَتَّى إِنَ السِّقْطَ لَيجِيءُ مُحْبَنْطِئاً عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ فَيقَالُ لَهُ ادْخُلِ الْجَنَّةَ فَيقُولُ لَا حَتَّى يدْخُلَ أَبَوَای الْجَنَّةَ قَبْلِي» (صدوق، ۱۳۶۳، ج۳، ص۳۸۳)؛ ازدواج نمایید، زیرا من در فردای قیامت به فزونی شما بر امت‌ها افتخار می‌کنم، تا جایی که فرزند سقط شده با انتظار و ناراحتی بر در بهشت می‌آید به او گفته می‌شود: وارد بهشت شو. در پاسخ گوید: خیر وارد بهشت نمی‌شوم؛ مگر این که پدر و مادرم پیش از من وارد شوند. این احادیث، به‌واسطه افتخار پیامبر ﷺ بر کثرت نسل مسلمین حتّی بر فرزند سقط شده و مبارکی آن کودک سقط شده در قیامت برای والدینش بر فضیلت و مطلوب بودن فرزندآوری دلالت می‌کند.

در سوره کهف فرزند به‌عنوان زینت زندگی دنیا معرفی شده است و این خود نشان از جایگاه والای فرزند دارد: «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَياةِ الدُّنْيا» (کهف/۴۶). در حقیقت در این آیه، انگشت روی دو قسمت از مهم‌ترین، سرمایه‌های زندگی دنیا گذارده شده است که بقیه، به آن وابسته است، «نیروی اقتصادی» و «نیروی انسانی»؛ چراکه برای رسیدن به هر مقصودی از مقاصد مادی، حتماً این دو نیرو لازم است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷ش، ج۱۲، ص۵۶). در روایات معصومین علیهم‌السلام نیز توجه ویژه به فرزند در خانواده شده است. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:«إِنَّ الوَلَدَ الصّالِحَ رَيحانَةٌ مِن رَياحينِ الجَنَّة» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۶، ص۳)؛ همانا فرزند شایسته، گلی از گل های بهشت است. حضرت ﷺ در روایتی دیگر می‌فرماید: «أُطلُبُوا الوَلَدَ وَ التَمِسوهُ، فَإِنَّهُ قُرَّةُ العَينِ، و رَيحانَةُ القَلبِ» (طبرسی، ۱۴۰۹ق، ج۱، ص۴۸۰). فرزند بخواهید و آن را طلب کنید؛ چرا که مایه روشنی چشم و شادیِ قلب است .

سعادت: دومین مؤلفه در بعد جایگاه، سعادت است. سعادت و خوشبختی در اسلام، تقرب جستن به خدا و رشد معنوی است؛ که با عبادت و بندگی خداوند محقق می‌شود. فرزندآوری یکی از مصادیق بندگی خداوند است و اهمیت فراوانی دارد. در منابع اسلامی

فرزند نشانه خوشبختی فرد دانسته شده و برای رسیدن به خوشبختی چه در دنیا و چه در آخرت توصیه به فرزندآوری شده است. امام صادق علیه‌السلام در حدیثی به‌نقل از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: «تَزَوَّجُوا فَإِنِّي مُكَاثِرٌ بِكُمُ ٱلْأُمَمَ غَداً فِي ٱلْقِيَامَةِ حَتَّى إِنَّ ٱلسِّقْطَ لَيَجِيءُ مُحْبَنْطِئاً عَلَى بَابِ ٱلْجَنَّةِ فَيُقَالُ لَهُ ٱدْخُلِ ٱلْجَنَّةَ فَيَقُولُ لاَ حَتَّى يَدْخُلَ أَبَوَايَ ٱلْجَنَّةَ قَبْلِي» (صدوق، ۱۴۱۳، ج۳، ص۳۸۳)؛ همسر اختیار نمایید زیرا من فردای قیامت به بسیاری شما مباهات می‌کنم تا آنجا که جنین نارسی که سقط شده با کمال غضب به در بهشت آید، و به او گویند به بهشت درآی، گوید: نه تا پدر و مادرم پیش از من وارد شوند. در روایات مرتبط با فرزندآوری یکی از نشانه‌های خوشبختی را داشتن فرزندی می‌دانند که از همه جهات به مرد شبیه باشد. امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: «مِنْ سَعَادَةِ اَلرَّجُلِ أَنْ يكونَ اَلْوَلَدُ يُعْرَفُ بِشِبْهِهِ وَ خَلْقِهِ وَ خُلُقِهِ وَ شَمَائِلِهِ» (کلینی۱۴۰۷ق، ج۶، ص۴)؛ از سعادت‌های مرد، این است که فرزندش در جسم و اخلاق و رفتار، به او شباهت داشته باشد .

بعد از تبیین مؤلفه‌های فضیلت و سعادت به توضیح مؤلفه‌های بعد بایسته‌ها پرداخته می‌شود:

مهرورزی: در آموزه‌های اسلامی و سیره اهل‌بیت علیهم‌السلام توصیه‌های فراوانی در مورد محبت به فرزندان و مهرورزی به آنها شده است. امام صادق علیه‌السلام در حدیثی به‌نقل از حضرت موسی علیه‌السلام می‌فرماید: «يا رَبِّ، أيُّ الأعمالِ أفضَلُ عِندَكَ؟ فَقالَ: حُبُّ الأطفالِ؛ فَإنّي فَطَرتُهُم عَلى تَوحيدي؛ فَإن أمَتُّهُم أدخَلتُهُم بِرَحمَتي جَنّتي» (شیخ حر عاملی، ۱۳۸۶ش، ص۷۱) موسی بن عمران علیه‌السلام عرض کرد: پروردگارا! کدام عمل نزد تو برتر است. فرمود: دوست داشتن کودکان، زیرا فطرت آنان را بر توحید و یگانگی خود آفریدم و اگر آنان را بمیرانم با رحمتم داخل بهشتم می‌گردانم. محبت به فرزند چنان حائز اهمیت است که حتی منجر به جلب رحمت الهی می‌شود. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «اِنَّ اللّٰهَ عزّوجلّ لَيرحَمُ العَبدَ لِشِدَّةِ حُبِّهِ لِوَلَدِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۵، ص۵۰). در حدیثی دیگر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در مورد بوسیدن فرزندان می‌فرماید: «قَبِّلُوا أَوْلَادَكُمْ فَإِنَّ لَكُمْ بِكُلِّ قُبْلَةٍ دَرَجَةً فِي الْجَنَّةِ مَا بَيْنَ كُلِّ دَرَجَتَيْنِ خَمْسُمِائَةِ عَامٍ» (حر عاملی، ۱۳۸۶ ش، ج۱۵، ص۲۰۳). فرزندانتان را ببوسید زیرا خداوند در برابر هر بوسه‌ای جایگاهی در بهشت به گستردگی مسافت پانصدساله به شما عنایت می‌کند.

محبت و دوست داشتن، خواسته طبیعی کودک است زیرا او کانون گرم و اطمینان بخشی می‌طلبد که در پرتو آن استعدادهایش شکوفا گردد. محبت به کودک جرأت و شجاعت و اعتماد به نفس می‌دهد و روحیه او را در برابر مشکلات قوی می‌سازد. درواقع

محبت و مهرورزی راه‌حل و داروی بسیاری از بیماری‌های روحی و حتی جسمی کودک است (مروجی طبسی، ۱۳۹۰، ص۶۰).

وظیفه‌مداری (رعایت حقوق فرزند): در تعالیم اسلامی حقوقی برای فرزندان بر عهده پدر و مادر قرار داده شده است که این حقوق از بدو تولد مشخص و تبیین شده است. حقوقی را که اسلام برای فرزند تعریف و مشخص کرده را می‌توان در دو دسته حقوق مادی و حقوق معنوی تقسیم‌بندی نمود. ابتدا به توضیح و تبیین حقوق مادی فرزندان پرداخته می‌شود.

۱. نفقه: یکی از حقوق مادی فرزندان نفقه است که بر عهده پدر خانواده است تا نیازهای مادی فرزندان را از قبیل غذا، مسکن، لباس، بهداشت، طبابت و... فراهم نماید.

۲. ارث: طبق احادیث اسلامی والدین باید زمینه رشد اقتصادی فرزندان خود را پس از مرگ نیز در نظر بگیرند. در روایات اسلامی وارد شده که یکی از اصحاب پیامبر اکرمﷺ برای تقرب الهی اموال خود را به فقیران و مستمندان بخشید و پس از فوتش فرزندان وی در اثر فقر گدایی می‌کردند. پیامبرﷺ از شنیدن این داستان ناراحت شدند و پرسیدند او را در کجا دفن نمودید؛ جواب دادند در قبرستان مسلمانان. پیامبرﷺ فرمودند: «أما إنّی لَو عَلِمتُه مَا تَرَکتُم تَدفُنونَه مَعَ أهلِ الإسلام تَرکَ وَلَدَه یتکفّفون النّاس» (قمی، ۱۳۶۳، ج۲، ص۶۵۹). اگر می‌دانستم به شما اجازه نمی‌دادم او را در گورستان مسلمانان دفن کنید؛ زیرا حقوق فرزندانش را نادیده گرفته است که اکنون گرفتار فقر شده‌اند. ظاهرا ناراحتی پیامبرﷺ به سبب تضییع حقوق فرزندان بوده است (پرچم و بوجاری، ۱۳۹۲، ص۱۴۰).

اسلام علاوه بر حقوق مادی برای فرزندان حقوقی معنوی نیز مشخص نموده که این حقوق را می‌توان به قبل از تولد، زمان تولد و پس از تولد تقسیم‌بندی نمود:

۱. حقوق فرزندان قبل از تولد: اسلام برای داشتن نسل پاک و سالم مراقبت‌هایی را از قبل از تولد مورد توجه قرارداده است و تأکید دارد تولید مثل از راه مشروع و براساس سنت اسلامی باشد. پیامبر اکرمﷺ می‌فرماید: «أنظُرُوا فِی أی شَیءٍ تَضع وَلَدک فَإنَّ العرق دَسّاس» (متقی هندی، ج۳، ص۴۴۳). دقت کنید که نطفه خود را در چه محلی مستقر می‌کنید؛ زیرا اخلاق والدین طبق قانون وراثت به فرزندان منتقل می‌شود. از جمله حقوق دیگر فرزندان قبل از تولد این است که زمان انعقاد نطفه فرزند حالات جسمی و روانی پدر و مادر از نظر شرعی و علمی مطلوب باشد زیرا همه این عوامل در تکوین کودک ویژگی جسمی و اخلاقی وی مؤثر است.

۲. حقوق فرزندان هنگام تولد: آموزه‌های اسلام حین تولد فرزندان نیز حقوقی را

مشخص نموده که به‌طور خلاصه اشاره می‌شود:

– شیر دادن فرزند: یکی از حقوقی که در حین تولد بر عهده مادر نهاده شده شیردادن فرزند است. شیر مادر سودمندترین و مناسب‌ترین غذا برای کودک است و با توجه به اینکه ساختار جسمی و روحی کودک در این دوران شکل می‌گیرد اسلام تأکید فراوانی بر این امر نموده است. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «الرِّضاعُ واحِدٌ وَ عِشرونَ شَهراً فَما نَقَص فَهُو جُورٌ عَلَی الصَبِی» (صدوق، ۱۴۰۸، ج۸، ص۵۵۴). مدت شیردهی به کودک ۲۱ ماه می‌باشد و کمتر از آن ظلم به کودک است.

– انتخاب نام نیکو: نامی که برای فرزند انتخاب می‌شود نقش مهمی در شخصیت وی دارد، به این دلیل دین اسلام دستور می‌دهد حتی پیش از تولد فرزندشان نام نیکو برای انتن انتخاب کنند. حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: «سَمُّوا أولادَکُم قَبلَ اَن یُولدوا فَاِنّ لَم تَدروا أذکر أم أنثَی فَسَمّوهُم بِالأسماءِ الّتی تَکونُ لِلذَّکَر وَ الأنثَی، فإن أسقَطکم إذا لَقوکُم یَومَ القِیامَة وَ لَم تُسمّوهُم یَقولُ السِّقط لِأبیه: ألاّ سَمّیتنی» (کلینی، ۱۴۰۷، ج۶، ص۱۹۳). فرزندان خود را قبل از اینکه به دنیا بیایند نام‌گذاری کنید، و اگر نمی‌دانید که مولود، پسر است یا دختر، او را به اسمی نام‌گذاری کنید که هم برای پسر مناسب است و هم برای دختر اگر بچه به صورت سقط از مادر جدا شود، روز قیامت به پدر خود می‌گوید: «چرا برای من نامی را انتخاب نکردی».

– رعایت سنت‌های حین تولد: اسلام برای حفظ نوزاد از آسیب‌ها و بلاهای جسمانی و روانی توصیه‌هایی نموده که عبارتند از: گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد، عقیقه کردن، غسل نوزاد، ختنه کردن، کام برداشتن، تراشیدن موی سر و تصدق، ولیمه دادن و... که همگی آثار خاصی در روایات برای آن ذکر شده است (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۴).

۳. حقوق فرزندان پس از تولد: مسئولیت والدین در برابر فرزندانشان با تولد آنها به پایان نمی‌رسد بلکه می‌توان گفت مسئولیت اصلی آنها چه‌بسا بعد از تولد بیشتر و سخت‌تر می‌شود. از دیدگاه اسلامی مراحل رشد انسان پس از تولد به سه دوره متوالی تقسیم می‌شود. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله: «الوَلَدُ سَیدٌ سَبعَ سِنینَ وَ عَبدٌ سَبعَ سِنینَ وَ وَزیرٌ سَبعَ سِنینَ» (شیخ حر عاملی، ج۲۰، ص۴۷۶). فرزند و بچه، تا ۷ سالگی آقا و سرور است و ۷ سال بعدی عبد و بنده و ۷ سال بعدی وزیر است. اسلام از هیچ‌یک از این مراحل رشد و تعالی انسان غافل نبوده و در زمینه هر یک از مراحل دستورهایی داده است. امام سجاد علیه‌السلام درباره حقوق فرزندان می‌فرماید: «وَ أمّا حَقُّ وَلَدِک فَأن تَعلَمَ أنَّهُ مِنک، و مُضافٌ إلَیک فی عاجِلِ الدُّنیا بِخَیرِهِ وَشَرِّهِ، وأنَّک مَسؤولٌ عَمّا وَلیتَهُ مِن حُسنِ الأَدَبِ وَالدِّلالَةِ عَلی رَبِّهِ، عزوجل وَالمَعونَةِ عَلی طاعَتِهِ، فَاعمَل فی أمرِهِ عَمَلَ مَن

یعلَمُ أَنَّهُ مُثابٌ عَلَى الإحسانِ إلَيهِ، مُعاقَبٌ عَلَى الإساءَةِ إلَيهِ» (صدوق، ۱۴۰۸، ج۲، ص۶۲۲). و امّا حقّ فرزندت این است که بدانی او از توست و با خوب و بدش در دنیا، منتسب به توست و بی‌گمان، تو درباره آنچه بر عهده‌ات است: خوب تربیت کردن او و او را به سوی خداوند عزوجل راهنمایی کردن و به فرمان‌برداری از او (خداوند) یاری کردن، مسئولی. پس در کار او، همانند کسی عمل کن که می‌داند برای نیکی کردن به او پاداش می‌گیرد و بر بدی کردن به او مجازات می‌شود .

تکریم و مدارا: مؤلفه بعدی در بعد بایسته‌ها تکریم و مدارا با فرزندان است. فرزندان در هر سنی که باشند برای خود شخصیت و احترام قائلند و دوست دارند به شخصیت آنها توجه شود و مورد تکریم قرار بگیرند (مروجی طبرسی، ۱۳۹۰، ص۸۰). در روایات اسلامی و سیره پیامبر اکرم ﷺ این تکریم فرزندان به‌خوبی نمایان است. پیامبر اکرم ﷺ حتی برای نوزاد شیرخواری که لباسشان را به‌واسطه بول کردن کثیف کرده بود احترام قائل بودند و بهترین نوع رفتار را داشته‌اند. در روایت است : «كانَ ﷺ يؤتى بِالصَّبِي الصَّغيرِ ليدعُوَ لَهُ بِالبَرَكَةِ أو يسَمّيهُ، فَيأخُذُهُ فَيضَعُهُ فى حِجرِهِ ؛ تَكرِمَةً لِأَهلِهِ، فَرُبَّما بالَ الصَّبِي عَلَيهِ، فَيصيحُ بَعضُ مَن رَآهُ حينَ بالَ، فَيقولُ ﷺ: لا تُزرِموا بالصَّبِي، فَيَدَعُهُ حَتَّى يقضِيَ بَولَهُ، ثُمَّ يفرِغُ لَهُ مِن دُعائِهِ أو تَسمِيَتِهِ، ويبلُغُ سُرورُ أهلِهِ فيهِ، ولا يرَونَ أنَّهُ يتَأَذَّى بِبَولِ صَبِيهِم، فَإذا انصَرَفوا غَسَلَ ثَوبَهُ بَعدُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ج۱۶، ص۲۴۰). معمولاً نوزاد را نزد پیامبر خدا ﷺ می‌آوردند تا برای او، دعا کند یا بر او نام بگذارد . ایشان، او را می‌گرفت و به جهت تکریم خانواده‌اش، او را روی دامن خود می‌گذاشت. گاهی کودک به ایشان بول می‌کرد و برخی کسانی که هنگام بول کردن او را می‌دیدند، فریاد می‌کشیدند ؛ ولی ایشان می‌فرمود : «بول کردن او را قطع نکنید» ازاین‌رو، او را رها می‌کردند تا بول او تمام شود. سپس، دعا کردن برای او یا نام‌گذاری او را به پایان می‌برد و خانواده‌اش را به‌خاطر فرزندشان خیلی خوشحال می‌ساخت [، به گونه‌ای که] آنان مشاهده نمی‌کردند که ایشان از بول کردن کودکشان ناراحت شده باشد .سپس، وقتی آنان می‌رفتند، لباس خود را می‌شست .

درک شرایط فرزندان و مدارای کودکان به حدی بود که حتی اهل‌بیت علیهم‌السلام در هنگام نماز به‌عنوان یک فریضه مهم الهی به آن توجه داشتند. امام صادق علیه‌السلام در روایتی درباره سیره پیامبر اکرم ﷺ نسبت به کودکان و تکریم و مدارای آنها می‌فرماید: «صَلَّى رَسولُ اللهِ ﷺ الظُّهرَ وَالعَصرَ فَخَفَّفَ الصَّلاةَ فِي الرَّكعَتَينِ، فَلَمَّا انصَرَفَ قالَ لَهُ النّاسُ: يا رسولَ اللهِ أحَدَثَ فِي الصَّلاةِ شَيءٌ؟ قالَ: وما ذاكَ؟ قالوا: خَفَّفتَ فِي الرَّكعَتَينِ الأَخيرَتَينِ! فَقالَ لَهُم: أمَا سَمِعتُم صُراخَ الصَّبِي؟!»

(کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج۶، ص۴۸). پیامبر خدا ﷺ، نماز ظهر و عصر را خواند و دو رکعت [آخر] را سریع به‌جا آورد. [بعد از نماز] مردم به ایشان گفتند: ای پیامبر خدا! درباره نماز، چیز تازه‌ای آمده است؟ فرمود: «این [سؤال] به‌خاطر چیست؟ گفتند: دو رکعت آخر را سریع خواندید. فرمود: آیا صدای گریه کودک را نشنیدید؟ درواقع از سیره پیامبر اکرم ﷺ چنین استفاده می‌شود که نه باید از یاد خدا غافل بود و به نماز بی‌اعتنایی کرد و نه اینکه نسبت به کودکان و نیازهای آنها و مقتضیات سنی‌شان بی‌اهمیت و بی‌توجه بود.

تعلیم و تربیت: در اسلام، آموزش، پایهٔ پرورش و دانشِ همراه با خودسازی و سازندگی است و بر اساس آموزه‌های دینی، بهترین فصل آموزش و پرورش یا همان تعلیم و تربیت، دوران کودکی است. (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۵، ص۱۳۱) پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «مَثَلُ الَّذی یتَعلَّمُ فی صِغَرِهِ کالنَّقشِ فِی الحَجَرِ، ومَثَلُ الَّذی یتَعلَّمُ فی کِبَرِهِ کالَّذی یکتُبُ عَلَی الماءِ» (متقی هندی، ۱۴۰۹، ج۱۰، ص۲۴۹). حکایت کسی که در کودکی می‌آموزد، همانند نقش کندن بر سنگ است و حکایت کسی که در بزرگسالی می‌آموزد، همانند کسی است که بر آب می‌نویسد .در آموزه‌های اسلامی نه‌تنها توصیه و امر به تعلیم و تربیت و ادب آموزی شده بلکه آن را نیز یکی از حقوق والدین برشمرده‌اند. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «مُرّوا أولادَکم بِطَلَبِ العِلمِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج۱، ص۱۱۰). فرزندان خود را به آموختن دانش وا دارید. امام سجاد علیه‌السلام در مورد مسئولیت تعلیم و تعلم فرزند می‌فرماید: «و أمّا حَقُّ وَلَدِک فَأن تَعلَمَ أنَّهُ مِنک، و مُضافٌ إلَیک فی عاجِلِ الدُّنیا بِخَیرِهِ وَشَرِّهِ، وأَنَّک مَسؤولٌ عَمّا وَلیتَهُ مِن حُسنِ الأَدَبِ وَالدِّلالَةِ عَلی رَبِّهِ، عزوجل وَالمَعونَةِ عَلی طاعَتِهِ، فَاعمَل فی أمرِهِ عَمَلَ مَن یعلَمُ أنَّهُ مُثابٌ عَلَی الإحسانِ إلَیهِ، مُعاقَبٌ عَلَی الإساءَةِ إلَیهِ» (صدوق، ۱۴۱۳ ق، ج۲، ص۶۲۲) و امّا حقّ فرزندت این است که بدانی او از توست و با خوب و بدش در دنیا، منتسب به توست و بی‌گمان، تو درباره آنچه بر عهده‌ات است: خوب تربیت کردن او و او را به سوی خداوند عزوجل راهنمایی کردن و به فرمان‌برداری از او (خداوند) یاری کردن، مسئولی. پس در کار او، همانند کسی عمل کن که می‌داند برای نیکی کردن به او پاداش می‌گیرد و بر بدی کردن به او مجازات می‌شود . در تعالیم اسلامی در مورد مفاد آموزشی و تربیتی هم توصیه هایی بیان شده است. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «أدِّبوا أولادَکم عَلی ثَلاثِ خِصالٍ: حُبِّ نَبِیکم ﷺ، وحُبِّ أهلِ بَیتِهِ علیهم‌السلام، وعَلی قِراءَةِ القُرآنِ» (متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج۱۶، ص۴۵۶). فرزندان خود را با سه خصلت بار آورید: دوست داشتن پیامبرتان ﷺ، دوست داشتن اهل بیت علیهم‌السلام او و قرآن خواندن. و در حدیثی دیگر حضرت ﷺ می‌فرماید: «حَقُّ

الوَلَدِ علی والِدِهِ أن یعَلِّمَهُ الکتابَةَ، و السِّباحَةَ، و الرِّمایةَ، و أن لا یرزُقَهُ إلاّ طَیبا» (متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ۴۵۳۴۰). حقّ فرزند بر پدرش این است که او را سواد و شنا و تیراندازی بیاموزد و جز روزی حلال خوراک او نکند.

به‌طور کلی اسلام درباره تعلیم و تربیت برای فرزندان به‌ویژه دوران کودکی اهتمام ویژه داشته و آن را یکی از حقوق والدین برشمرده و درمورد محتوای تعلیم و تربیت فرزندان هم سفارشات و راهنمایی‌های لازم را بیان نموده است.

ولایت‌مداری و مدیریت: خانواده یک واحد کوچک اجتماعی است و اداره آن مانند اجتماعی بزرگ به مدیریت و رهبری واحد نیازمند است؛ زیرا مدیریت مشترک زن و مرد در اجتماع خانواده بی‌معناست. با توجه به ویژگی‌های مردان که از کارکرد اقتدار برخوردارند، سازمان‌دهنده بهتری هستند و در مدیریت عواطف موفق‌ترند مسئولیت به عهده مردان نهاده شده است (خطیب، ۱۳۹۵، ص۳۵). در آموزه‌های اسلامی مرد و پدر به‌عنوان مدیر اصلی خانواده معرفی شده است و در ارتباط با فرزندان نیز پدر حق ولایت دارد و بر فرزندان واجب است که مدیریت و ولایت پدر در خانواده را بپذیرند و تبعیت‌پذیری داشته باشند. امام علی علیه‌السلام این اطاعت‌پذیری را از حقوق پدر برشمرده و می‌فرماید: «فَحَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَلَدِ أَنْ يطِيعَهُ فِي كلِّ شَيء، إِلاَّ فِي مَعْصِيةِ اللهِ سُبْحَانَهُ» (سیدرضی، ۱۳۷۹ش، ح ۳۹۹). حقّ پدر بر فرزند، این است که از او در هر کاری جز معصیت خدا، فرمان‌برداری کند .در روایتی دیگر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله مرد را سرپرست و مسئول زندگی می‌داند و به‌تبع لازمه این سرپرستی تبعیت اهل‌خانه و خانواده خواهد بود: «اَلرَّجُلُ راعٍ عَلى اَهْلِ بَيتِهِ وَ هُوَ مَسؤُولٌ عَنْهُمْ» (دیلمی، ۱۳۸۷، ج۱، ص۸۴). مرد، سرپرست خانواده خویش است و درباره آنها باید پاسخگو باشد. روایات معصومین علیهم‌السلام نه‌تنها مرد را سرپرست و مدیر خانواده معرفی می‌کند بلکه توفیق سرپرستی بر اهل و عیال را نشانه سعادت و خوشبختی مرد می‌داند. امام صادق علیه‌السلام در این‌باره می‌فرماید: «مِنْ سَعَادَةِ اَلرَّجُلِ أَنْ يكونَ اَلْقَيمَ عَلَى عِيالِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج۴، ص۱۳). از سعادت و نیک‌بختی مرد است که سرپرست خانواده خود باشد.

تعالیم اسلامی با سرپرست و مدیر قراردادن مرد در خانه و خانواده ضمن اینکه او را مسئول مدیریت خانواده و مراقبت از آنها قرار داده در مقابل از اهل و فرزندان خواسته تا تحت ولایت و سرپرستی پدر عمل کرده و اطاعات‌پذیری داشته باشند.

مؤلفه‌های بعد کارکرد: سومین بعد از ابعاد مورد بررسی مؤلفه‌های فرزندآوری/پروری بعد کارکردها می‌باشد که شامل سه مؤلفه مراقبت‌کنندگی، امنیت و حمایتگری و برکت می‌باشد.

مراقبت‌کنندگی: فرزندان از زمان تولد نیاز به مراقبت و حمایت ویژه دارند، چراکه آسیب‌پذیری آنها به‌سبب ضعف جسمی و روانی‌شان بیشتر است. تعالیم اسلامی در ضمن آداب تولد فرزند دستوراتی را جهت حفظ آنها از آسیب‌های جسمی و روانی بیان نموده‌اند. از منظر اسلامی، فرایند تربیت و تأمین سلامت روحی و جسمی فرزند پس از تولد با مراسم تحنیک و کام برداری و گفتن اذان اقامه در گوش کودک شروع شده، با تراشیدن موی سر و تصدق، ختنه، ولیمه، عقیقه و... ادامه می‌یابد (آقاتهرانی و حیدری کاشانی، ۱۳۸۹، ص۲۸۹). رعایت هر یک از این آداب و دستورات تأثیر تکوینی ویژه‌ای در رشد و تربیت معنوی فرزندان داشته و او را در مقابل بسیاری از آسیب‌های فردی و اجتماعی که خیلی از آنها خارج از مدیریت والدین و تربیت انها بوده حفظ می‌کند. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «مَن وُلِدَ لَهُ مَولودٌ فَليؤَذِّن فی اُذُنِهِ اليمنی بِأَذانِ الصَّلاةِ وَليقِم فِي اليسری؛ فَإِنَّها عِصمَةٌ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ» (کلینی، ۱۴۰۸، ج۶، ص۲۴) هر کس دارای فرزند می‌شود باید در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه بگوید؛ چراکه اذان و اقامه گفتن در گوش نوزاد، دورکننده شیطان از نوزاد و و مصون‌کننده او از شر وسوسه‌های شیطانی است. یکی دیگر از سنت‌های تأکید شده تحنیک یا کام‌برداری نوزاد با تربت سیدالشهداء و آب فرات یا آب باران است. تحنیک یعنی اندکی از آمیزه این دو را به کام نوزاد مالیدن یا در دهان او چکاندن. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «حَنِّكوا أولادَكم بِتُربَةِ الحُسَينِ عليه‌السلام؛ فَإِنَّها أمانٌ» (شیخ حر عاملی، ۱۳۸۶، ج۱۰، ص۴۱۰). فرزندان خود را با تربت حسین علیه‌السلام کام برگیرید؛ چراکه مایه امن و امان و ایمنی (جسم و جان کودک) است.

همان‌گونه که پزشکان و متخصصان کودک، برای ایجاد مصونیت در مقابل بیماری‌های جسمی، واکسن‌های متعددی را برای نوزاد از همان آغاز ولادتش لازم و ضروری می‌دانند، پیشوایان دین ما نیز با الهام از وحی الهی، ایجاد برخی مصونیت‌ها در روح و روان و حتی جسم نوزاد را به‌وسیله دعا و ذکر و تلقین و یکسری دستورات از همان ابتدای ولادت لازم و ضروری شمرده‌اند (آقاتهرانی و حیدری کاشانی، ۱۳۸۹، ص۲۹۲).

امنیت و حمایتگری فرزندان: یکی از کارکردهای مهم فرزندان حمایتگری و امنیت بخشی آنها برای پدر و مادر می‌باشد. فرزند خوب و صالح می‌تواند کمک کار و پشتگرمی خوبی برای والدین بوده و در طول زندگی و به‌ویژه در ایام پیری والدین عصای دست آنها و یاریگر آنها باشد و این حمایتگری و امنیت بخشی در همه ابعاد اجتماعی، اقتصادی، عاطفی و ... قابل تطبیق است. در روایات معصومین علیهم‌السلام به این امر توجه شده و داشتن

فرزندی که کمک کار انسان باشد از نشانه‌های خوشبختی و سعادت شمرده شده است. امام سجاد علیه‌السلام می‌فرماید: «مِن سَعادَه الرّجُل أن یکونَ لَه ولد یستَعین بِهم»(کلینی، ۱۴۰۷، ج۶، ص۲). از سعادت مرد، داشتن فرزندانی است که از آنها کمک می‌گیرد . امام حسن عسکری علیه‌السلام فرزند را بازو و یاور خوبی برای پدر و مادر می‌داند و برای یکی از اصحاب خود به‌نام عیسی بن صبیح این‌گونه دعا می‌کنند: «اللَّهُمَّ ارْزُقْهُ وَلَداً یَکُونُ لَهُ عَضُداً فَنِعْمَ الْعَضُدُ الْوَلَدُ. ثم قال: مَنْ کَانَ ذَا وَلَدٍ یُدْرِکْ ظُلَامَتَهُ إِنَّ الذِّلِیلَ الَّذِی لَیْسَ لَهُ وَلَدُ» (شیخ حر عاملی، ۱۳۸۷، ج۲۱، ص۳۶۰). خدایا! به او فرزندی روزی کن که بازوی او باشد و چه خوب بازویی است فرزند! سپس فرمود: هرکس که دارای بازویی است حق پایمال شده‌اش را درخواهد یافت، خوار کسی است که بازویی ندارد.

برکت: در فرهنگ اسلامی فرزندآوری نه تنها موجب محدودیت و فقر و گرفتاری نمی‌شود، بلکه زمینه جلب رحمت و برکت الهی را در زمینه‌های مختلف فراهم می‌کند. فرزندآوری برکات و آثار مثبت فراوانی دارد که به برخی از آنها می‌پردازیم:

برکات روحی روانی: الف. یکی از مهم‌ترین عوامل ازدیاد شور و نشاط در زندگی مشترک تولد فرزند در خانواده است. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: «الوَلَدُ الصّالِح رَیحانَه مِن رَیحانِ الجَنّهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۶، ص۳). فرزند صالح گلی از گل‌های بهشت است. همان‌گونه که گل‌های بهشتی باعث وجد و سرور اهل بهشت می‌شوند، فرزندصالح نیز موجب شادمانی و سرور والدین می‌گردد (پناهی، ۱۳۹۶، ص۲۵۰).

ب. امیدبخشی به آینده: با ورود اولین فرزند به کانون خانواده دایره امیدها و آرمان‌های والدین افزایش می‌یابد. همچنان‌که فرزند در مقابل چشمان والدین می‌بالد و شکوفا می‌شود، بذرهای امید نیز در دل پدر و مادر جوانه می‌زند و آرزوهای نوین منشأ حرکت و تلاش آنها برای تداوم حیات می‌گردد. چنین فرزندانی در سال‌های پیری والدین از آنان دستگیری می‌نمایند و آنها را تنها نمی‌گذارند؛ حال آنکه افراد بی‌فرزند معمولاً در دوران کهولت از احساس تنهایی رنج می‌برند. امام سجاد علیه‌السلام در صحیفه سجادیه می‌فرماید: «اللَّهُمَّ اشْدُدْ بِهِمْ عَضُدِی، وَ أَقِمْ بِهِمْ أَوَدِی، وَ کَثِّرْ بِهِمْ عَدَدِی، وَ زَیِّنْ بِهِمْ مَحْضَرِی، وَ أَحْیِ بِهِمْ ذِکْرِی، وَ اکْفِنِی بِهِمْ فِی غَیْبَتِی، وَ أَعِنِّی بِهِمْ عَلَی حَاجَتِی» (صحیفه سجادیه، دعای ۲۵). خدایا! وجودم را به آنان نیرومند و کجی‌ام را به‌وسیله آنان راست کن، تبارم را به آنان افزونی ده و مجلسم را به آنان زینت بخش و یادم را به آنان زنده دار و در نبود من کارهایم را به‌وسیله ایشان کفایت کن و مرا به‌سبب آنان بر روا شدن نیازم یاری ده.

برکات اقتصادی: یکی دیگر از آثار مثبت و برکات داشتن فرزند افزایش روزی و کسب درآمد است. امام صادق علیه‌السلام ضمن بیان سیره پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرزند را عامل جلب روزی می‌داند: «عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام الْحَدِيثُ الَّذِي يَرْوِيهِ النَّاسُ حَقٌّ أَنَّ رَجُلًا أَتَى النَّبِيَّ صلی‌الله‌علیه‌وآله فَشَكَا إِلَيْهِ الْحَاجَةَ فَأَمَرَهُ بِالتَّزْوِيجِ فَفَعَلَ ثُمَّ أَتَاهُ فَشَكَا إِلَيْهِ الْحَاجَةَ فَأَمَرَهُ بِالتَّزْوِيجِ حَتَّى أَمَرَهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام [نَعَمْ] هُوَ حَقٌّ ثُمَّ قَالَ الرِّزْقُ مَعَ النِّسَاءِ وَ الْعِيالِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج۵، ص۳۳۰). اسحاق بن عمار می‌گوید: به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم: مردم می‌گویند مردی نزد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله آمد و از فقر به او گلایه کرد و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به او فرمود ازدواج کن و آن مرد بار دیگر نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله آمد و از فقر شکایت کرد و دوباره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله او را به ازدواج توصیه کرد تا بار سوم. آیا این روایت درست است؟ امام صادق علیه‌السلام فرمود: بله؛ درست است. سپس فرمود: رزق و روزی به همراه همسر و فرزند است.

برکات خانوادگی: والدین به‌لحاظ ایجاد شبکه ارتباطی جدید پس از تولد فرزند، جاذبه‌ها، دل‌مشغولی‌ها و سرگرمی‌های تازه‌ای می‌یابند که مرکز ثقل آن فرزند است. مشاهده ناتوانی‌های نوزاد، حس مسئولیت و شفقت را در والدین برمی‌انگیزد؛ در آموزه‌های دینی از فرزند به «جگرگوشه والدین» یادشده است. پیامبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: «اَلْوَلَدُ كَبِدُ اَلْمُؤْمِنِ...» (نوری، ۱۴۰۸، ج۱۵، ص۱۱۲). ازاین‌رو آنها با کمک یکدیگر همه توان خویش را برای حمایت از او به‌کار می‌گیرند و حاضر نیستند به‌راحتی فرزند خود را با اختلاف یا طلاق آزرده خاطر کنند و این در استحکام و تداوم حیات خانواده نقش مثبتی دارد. از سویی دیگر تولد فرزند فرصتی برای تنوع بخشیدن به زندگی و رهایی از ملال و یکنواختی و دل‌تنگی می‌شود که این خود پویایی خانواده را به همراه خواهد داشت (آیت‌اللهی و دیگران، ۱۳۹۶، ص۱۸۴).

بعد از به‌دست آوردن مؤلفه‌های نگرش به فرزندآوری و فرزندپروری بر اساس منابع اسلامی به‌منظور اطمینان بیشتر مؤلفه‌های به‌دست آمده به همراه مستندات در قالب یک فرم ارزیابی و سنجش در اختیار ۸ تن از کارشناسان حوزوی و روان‌شناسی قرار گرفت تا آنها را از لحاظ روایی محتوایی ارزیابی کنند. از آنها خواسته شد تا میزان تطابق مؤلفه‌ها با مستنداتشان را با یکی از چهارگزینه بسیار زیاد، زیاد، کم و بسیار کم مشخص کنند. نظرات کارشناسان به همراه نتایج آن در جهت تأیید یا رد هر مؤلفه در جدول زیر ارائه گردیده است.

جدول۲. نتایج ارزیابی و سنجش مؤلفه‌های نگرش به فرزندآوری و فرزندپروری بر اساس منابع اسلامی

ردیف	مؤلفه	نظرات کار شناسان								نمره CVI	تأیید یا رد
۱	فضیلت	۴	۴	۳	۴	۴	۴	۴	۴	۱	تأیید
۲	سعادت	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۱	تأیید
۳	مهرورزی	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۱	تأیید
۴	وظیفه‌مداری	۴	۴	۳	۴	۴	۴	۴	۴	۱	تأیید
۵	تکریم و مدارا	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۱	تأیید
۶	تعلیم و تربیت	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۱	تأیید
۷	ولایت‌مداری و مدیریت	۴	۴	۳	۴	۴	۴	۴	۴	۱	تأیید
۸	مراقبت‌کنندگی	۴	۴	۴	۳	۴	۴	۴	۴	۱	تأیید
۹	امنیت و پشت‌گرمی	۴	۴	۴	۴	۲	۴	۴	۴	۰/۸۷	تأیید
۱۰	برکت	۴	۴	۲	۴	۳	۴	۴	۴	۰/۸۷	تأیید

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از نظرات کارشناسان، همه مؤلفه‌های استخراج شده از منابع اسلامی مورد تأیید کارشناسان قرار گرفت. زیرا در صورتی که «CVI» به‌دست‌آمده از ۷۹ درصد بالاتر باشد میزان روایی محتوا مورد تأیید خواهد بود و همه مؤلفه‌ها نمره بالای ۷۹ درصد را کسب کردند.

بحث و نتیجه‌گیری

در حیطه فرزندآوری و فرزندپروری، اسلام علاوه بر سفارش به فرزندآوری که رویکردی توحیدی دارد، آن را علاوه بر تداوم نسل، موجب نشر توحید و خداپرستی در جهان می‌داند و موضوع تربیت فرزند را از قبل از انتخاب همسر مورد توجه قرار داده است و توصیه‌ها و آداب متعددی را برای تربیت و تعلیم فرزندان بیان نموده، ولی در روان‌شناسی، تربیت از بدو تولد آغاز می‌شود.

هدف اصلی از انجام این پژوهش استخراج مؤلفه‌های نگرشی به خانواده در حیطه فرزندآوری/پروری از آیات و روایات و سنجش روایی مؤلفه‌های شناسایی شده است. مؤلفه‌های

استخراج شده از منابع اسلامی در ابعاد سه‌گانه جایگاه، بایسته‌ها و کارکردها تبیین شدند که در مجموع ۱۰ مؤلفه شناسایی و مورد تأیید کارشناسان حوزه دین و روان‌شناسی قرار گرفت.

در بعد جایگاه، مؤلفه فضیلت و سعادت مورد بررسی قرار گرفت. در آیات و روایات تعابیری که در مورد فرزند به کار رفته نشان از جایگاه بالای فرزندان در دیدگاه اسلام است. در روایات فرزند به‌عنوان روشنی چشم و شادی قلب معرفی شده است (طبرسی، ۱۴۰۹ق، ج۱، ص۴۸۰). در منابع دینی فرزند علاوه بر اینکه خود موجب سعادت و خوشبختی والدینش می‌شود بلکه نشانه خوشبختی آنها نیز می‌باشد. امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: «مِنْ سَعَادَةِ اَلرَّجُلِ أَنْ یکونَ اَلْوَلَدُ یعْرَفُ بِشِبْهِهِ وَ خَلْقِهِ وَ خُلُقِهِ وَ شَمَائِلِهِ» (کلینی ۱۴۰۷ق، ج۶، ص۴). در بعد بایسته‌ها، از انسان و به‌ویژه والدین فرزند خواسته شده که نیازهای عاطفی او را تأمین و به او محبت کرده و حقوقی را که برای او خداوند متعال مقرر نموده رعایت گردد که این حقوق هم شامل حقوق مادی و هم حقوق معنوی است. مؤلفه تکریم و مدارا بیان می‌دارد که فرزندان در هر سنی که باشند باید کرامت آنها حفظ شود و با توجه به ضعف روحی و جسمی باید مورد مدارا و مراعات ویژه قرار بگیرند. فرزندان در هر سنی که باشند برای خود شخصیت و احترام قائلند و دوست دارند به شخصیت آنها توجه شود و مورد تکریم قرار بگیرند (مروجی طبرسی، ۱۳۹۰، ص۸۰). در اسلام، آموزش، پایهٔ پرورش و دانشِ همراه با خودسازی و سازندگی است و بر اساس آموزه‌های دینی، بهترین فصل آموزش و پرورش یا همان تعلیم و تربیت دوران کودکی است (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۵، ص۱۳۱) پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: «مَثَلُ الَّذی یتَعلَّمُ فی صِغَرِهِ کالنَّقشِ فِی الحَجَرِ، ومَثَلُ الَّذی یتَعلَّمُ فی کبَرِهِ کالَّذی یکتُبُ عَلَی الماءِ» (متقی هندی، ۱۴۰۹، ج۱۰، ص۲۴۹). تعالیم اسلامی با سرپرست و مدیر قراردادن مرد در خانه و خانواده ضمن اینکه او را مسئول مدیریت خانواده و مراقبت از آنها قرار داده در مقابل از اهل و فرزندان خواسته تا تحت ولایت و سرپرستی پدر عمل کرده و اطاعات‌پذیری داشته باشند. در بعد کارکردها سه مؤلفه مراقبت کنندگی، امنیت و برکت معرفی و تبیین شد. فرزندان از زمان تولد نیاز به مراقبت و حمایت ویژه دارند چرا که آسیب‌پذیری آنها به سبب ضعف جسمی و روانی‌شان بیشتر است. تعالیم اسلامی در ضمن آداب تولد فرزند دستوراتی را جهت حفظ آنها از آسیب‌های جسمی و روانی بیان نموده‌اند. از منظر اسلامی، فرایند تربیت و تأمین سلامت روحی و جسمی فرزند پس از تولد با مراسم تحنیک و کام برداری و گفتن اذان اقامه در گوش کودک شروع شده، با تراشیدن موی سر و تصدق، ختنه، ولیمه، عقیقه و... ادامه می‌یابد (آقاتهرانی و حیدری کاشانی، ۱۳۸۹، ص۲۸۹). اسلام با این نگرش، بستر تربیت صحیح را

برای فرزندان فراهم می‌کند تا به اقتضای ضعفشان مورد مراقبت و حمایت قرار بگیرند. اسلام علاوه بر این، به فرزند به‌عنوان یک کمک‌کار و پشتوانه می‌نگرد که می‌تواند در بسیاری از موقعیت‌های زندگی پشتوانه خوبی برای والدین باشد. در فرهنگ اسلامی فرزندآوری نه‌تنها موجب محدودیت و فقر و گرفتاری نمی‌شود بلکه زمینه جلب رحمت و برکت الهی را در زمینه‌های مختلف فراهم می‌کند که این برکت شامل برکت اقتصادی، جسمانی، روحی و خانوادگی می‌شود.

در این پژوهش بر اساس منابع اسلامی-آیات و روایات- به شناسایی و بررسی مؤلفه‌های نگرشی فرزندآوری و فرزندپروری پرداخته شده درحالی‌که در پژوهش‌های دیگر با توجه به مبانی روان‌شناسی مدرن ویژگی‌های نگرشی فرزندآوری را مورد پژوهش قرارداده‌اند؛ ضمن اینکه در این پژوهش سعی شده علاوه بر بررسی نگرش به فرزندآوری، مؤلفه‌های نگرشی به فرزندپروری نیز در منابع اسلامی شناسایی و تبیین شود تا دیدگاه جامع و کاملی را نسبت به فرزند ارائه دهد.

به‌طور کلی اسلام و آموزه‌های اسلامی طبق مؤلفه‌های بیان شده نگاه خاصی به فرزندآوری و تربیت فرزند داشته و با توجه به جایگاه و کارکردها انگیزه زیادی برای فرزندآوری ایجاد کرده و روش‌های فرزندپروری را نیز آموزش می‌دهد.

پیشنهاد می‌شود، در پژوهش‌های بعدی، راه‌های ارتقاء و تغییر نگرش با استفاده از فنون شناختی و رفتاری و تکنیک‌های عملی در افراد جامعه مورد تحقیق قرار گیرد.

منابع

- ***قرآن کریم***
- ***صحیفه سجادیه***
- آقاتهرانی، مرتضی و حیدری کاشانی، محمدباقر (۱۳۸۹)، ***خانواده و تربیت مهدوی***، تهران: نشر اتود.
- آقاسی، محمد و فلاح مین باشی، فاطمه (۱۳۹۴)، نگرش جوانان ایرانی به انتخاب همسر، ازدواج و تشکیل خانواده. ***ویژه نامه پژوهش‌نامه زنان***، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره اول، ص۱-۲۱.
- آمدی، عبدالواحد (۱۴۱۰)، ***غررالحکم و درر الکلم***، قم : دارالکتاب الاسلامی.
- آیت اللهی، زهرا (۱۳۹۹)، ***مهارت‌های زندگی خانوادگی در آیینه آیات و روایات***، قم: نشر معارف.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۳)، ***من لایحضره الفقیه***، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- ----------(۱۳۷۸)، ***عیون اخبا الرضا*** علیه‌السلام ، تهران: نشر جهان.
- ابن شعبه حرانی (۱۳۷۶)، ***تحف العقول***، قم: رهاورد خرد.
- اسعدی، سیدحسن (۱۳۸۷)، ***خانواده و حقوق آن***، مشهد: به نشر.
- ایمان، محمدتقی و نوشادی، محمودرضا (۱۳۹۰)، «تحلیل محتوای کیفی»، ***پژوهش***، سال سوم، شماره دوم.
- باعزت، فرشته و همکاران (۱۳۹۵)، «بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی مقیاس نگرش به باروری و فرزندآوری»، ***مجله دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه***، دوره پانزدهم، ش ۱، ص۳۷-۴۷.
- بستان، حسین (۱۳۹۲)، ***جامعه شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی***، قم: نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۶۲)، ***نهج الفصاحه***، تهران : نشر جاویدان.
- پرچم، اعظم و بوجاری، سهیلا (۱۳۹۱)، «جایگاه و حقوق فرزندان در اسلام»، ***پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی***، سال بیستم، دوره جدید، شماره ۱۶، ص ۱۳۷- ۱۶۷.
- پورشهسواری، فاطمه و علوی، سیدمحمدرضا (۱۳۸۶)، «نگرش جوانان نسبت به خانواده»، ***مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی***، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال چهارم.
- حاجی زاده، ابراهیم و اصغری، محمد (۱۳۹۰)، ***روش ها و تحلیل‌های آماری با نگاه به روش تحقیق در علوم زیستی و بهداشتی***، تهران: جهاد دانشگاهی.
- حافظی، مجتبی و همکاران (۱۳۹۹)، «مدل مفهومی فرایندی مرکزیت بخشی نابهنجار به خود در منابع اسلامی»، ***فصلنامه فرهنگ مشاوره و وران درمانی***، سال یازدهم، شماره ۴۲.
- حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴)، ***تحف العقول***، قم: جامعه مدرسین.
- حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۱۴)، ***تفصیل وسائل الشیعة إلی تحصیل مسائل الشَّریعة***، قم: مؤسسه آل بیت لاحیاء التراث.
- حسن زاده، رمضان (۱۳۹۲)، ***روان‌شناسی خانواده، عشق و ازدواج(مدیریت خانواده)***، تهران: نشر ساوالان.
- حلی، ورام بن ابی فراس (۱۳۰۳)، ***تنبیه الخواطر و نزهة النواظر***، تهران.
- خرم آبادی، یداله و عرفانی، نصراله (۱۳۸۹)، ***روش پژوهش***، تهران : نشر چنار.
- دلاور، علی (۱۳۸۶)، ***روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی***، تهران: نشر ویرایش.
- --------(۱۳۹۱)، ***مقیاس‌های سنجش نگرش***، تهران: روان.
- دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲)، ***ارشاد القلوب***، قم : الشریف الرضی.
- رضویه، اصغر (۱۳۹۰)، ***روش‌های پژوهش در علوم رفتاری و تربیتی***، شیراز: دانشگاه شیراز.

• رفیعی هنر، حمید (۱۳۹۷)، ***الگوی درمانی خودنظم جویی برای افسردگی بر اساس منابع اسلامی: تدوین مدل مفهومی و طرح‌نمای درمان و امکان‌سنجی و نتایج اولیه آن***، پایان‌نامه دکتری، مؤسسه امام خمینی ﷺ.

• ساطوریان، سیدعباس (۱۳۹۹)، ***چند دانه یاقوت: فرزندخواهی و فرزندآوری***، قم : نشر مؤسسه امام خمینی ﷺ.

• سالاری فر، محمدرضا (۱۳۸۵)، ***خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی***، قم :نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

• سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه (۱۳۹۶)، ***روش‌های تحقیق در علوم رفتاری***، تهران: نشر آگه.

• سمرقندی، نصر بن محمد (بی تا)، ***تنبیه الغافلین فی الموعظة بأحادیث سید الأنبیاء و المرسلین***، لبنان: مؤسسه الکتب الثقافیه.

• شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴)، ***نهج البلاغه***، قم : نشر هجرت.

• شکوهی یکتا، محسن؛ شهائیان، آمنه و پرند، اکرم (۱۳۹۱)، ***روان‌شناسی خانواده***، تهران: نشر تیمور زاده- طبیب.

• صفورایی، محمدمهدی (۱۳۸۸)، «ساخت و اعتباریابی پرسش نامه سنجش کارآمدی خانواده از دیدگاه اسلام»، ***روان‌شناسی و دین***، سال دوم، شماره پنجم.

• طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷)، ***المیزان فی تفسیر القرآن***، قم : انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

• طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۷)، ***مکارم الاخلاق***، قم : نشر شریف رضی.

• علوی، سیداسماعیل و همکاران (۱۳۹۸)، «ساخت و اعتباریابی پرسشنامه اولیه نگرش به فرزندآوری بر اساس منابع اسلامی»، ***روان‌شناسی و دین***، شماره سوم، پیاپی۵۵، ص ۷-۲۴.

• قمی، عباس (۱۴۰۱)، ***سفینه البحار***، قم : نشر اسوه.

• کریمی، یوسف (۱۳۸۶)، ***روان‌شناسی اجتماعی: نظریه ها، مفاهیم و کاربردها***، تهران: نشر ارسباران.

• کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، ***الکافی***، قم : نشر دارالحدیث.

• متقی هندی، علی بن حسام الدین (۱۴۱۳)، ***کنز العمال***، بیروت: مؤسسه الرساله.

• مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، ***بحارالانوار***، بیروت: داراحیا التراث العربیه.

• مروجی طبرسی، محمدجواد (۱۳۹۰)، ***حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت*** علیهم‌السلام، قم : نشر بوستان کتاب.

• محمدی ری شهری، محمد: باهمکاری عباس پسندیده، ترجمه: حمیدرضا شیخی (۱۳۹۱)، ***حکمت نامه کودک***، قم : سازمان چاپ و نشر دارالحدیث.

• محمدپور، احمد (۱۳۹۸)، ***ضد روش: زمینه‌های فلسفی و رویه‌های عملی در روش شناسی کیفی***، قم: لوگوس.

• مطهری، مرتضی (۱۳۹۴)، ***تعلیم و تربیت در اسلام***، تهران: نشر صدرا.

• مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۰) ، ***المقنعه***، قم : نشر اسلامی.

• مکارم شیرازی، ناصر وجمعی از نویسندگان (۱۳۸۷)، ***تفسیر نمونه***، تهران:دارالکتب الاسلامیه.

• مهرابی، امیرحمزه و همکاران (۱۳۹۰)، ***معرفی روش شناسی نظریه داده بنیاد برای تحقیقات اسلامی***، تهران: مدیریت فرهنگ اسلامی.

• موسوی، سیده فاطمه و مهدیه سادات قافله باشی (۱۳۹۲)، «بررسی جایگاه و نگرش به فرزندآوری در خانواده‌های شهر قزوین»، ***مطالعات زن و خانواده***، دوره اول، ش۲، ص۱۱۱-۱۳۴.

• مینتز، استیون و کلوگ، سوزان (۱۳۸۶)، «جایگاه خانواده در غرب، ترجمه مرتضی مداحی»، ***معرفت***، شماره ۱۱۶.

• نادری، عزت اله و سیف نراقی، مریم (۱۳۸۸)، ***روش‌های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی***، تهران: ارسباران.

• نوری، حسین (۱۴۰۸)، ***مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل***، قم : مؤسسه آل بیت لاحیاء التراث .

• نیلفروشان، پریسا، نویدیان، علی و عابدی، احمد (۱۳۹۲)، «بررسی ویژگی‌های روان سنجی مقیاس نگرش به خانواده»، ***روان پرستاری***، دوره۱، شماره یک.

• هاشمی نیا، فاطمه و همکاران (۱۳۹۵)، «بررسی نگرش زنان به ارزش فرزندان(مورد مطالعه : زنان ۴۹-۱۵ ساله شهر شیراز)»، ***جامعه شناسی کاربردی***، سال ۲۸، شماره ۶۷، شماره سوم، ص ۷۸-۶۱.

• سایت رسمی سازمان ***ثبت احوال کشور*** (www.sabteahval.ir).

• Amoto PR, Rogers SJ. Do attitudes toward divorce affect marital quality? ***Journal of Family Issues***. 1999; 20: 69-86.

• David J. Kavanagha,U, Paul O'Halloranb , Vijaya Manicavasagar c , Dianne Clarkd , Olga Piatkowskae , Chris Tennant f , Alan Rosen. (1997). The family attitude scale: reliability and validity of a new scale for measuring the emotional climate of families. ***Psychiatry Research*** 70. 185 -195

• Julie. L and Lee A. Rosén. (2018). Marital Attitude Scale/The Marital Scales. ***www.researchgate.net***.

• Longman Advanced American Dictionary ,(2007), ***Director DellaSummers, pearson Longman***.

• ***Oxford English Dictionary*** (2009)

• Pagliaro, S. and Kent K. (2001). Youth Development, Strengthening Prevention strategies. ***www.Advocates For Youth.org***

• Teseng, Vivian. (2005). Family interdependence and academic adiustment. ***Journal of child development***, 15(3), 966-983

• Trent K, South SJ(1992). Sociodemographic status, parental background childhood family structure, and attitudes towards family formation. ***Journal of Marriage and the Family***. 54: 427-439

• Shakeel, ahmad (2003). ***Muslim Attitude Towards Family Planning***.

اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی
سال هشتم، شماره اول، پیاپی۱۷، بهار و تابستان ۱۴۰۱(ص۵۱-۷۱)

کاربرد نظریه حوزه‌های معنایی در بررسی مفهوم خودمراقبتی بر پایه منابع اسلامی

Applying the Theory of Semantic Domains in Investigating the Concept of Self-care Based on Islamic Sources

✍ **مهدی قاسمی مروج**/ دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی اسلامی، مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت. قم، ایران.
محمد صادق شجاعی/ استادیار گروه روان‌شناسی جامعة‌المصطفی ﷺ العالمیة. قم، ایران.

Mahdi Ghasemi Moravvej / Institute of Higher Education, Ethics and Education. Qom, Iran.
mgh106936588@gmail.com
Muhammad Sadeq Shujaie / Assistant Professor of Psychology, Mustafa International University, Qom, Iran.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی مفهوم خودمراقبتی و مراقبه بر اساس منابع اسلامی انجام شد. روش این پژوهش کیفی، به شیوه توصیفی- تحلیلی بود. در بخش توصیفی مفاهیم مرتبط با خودمراقبتی بر اساس منابع اسلامی توصیف و در بخش تحلیلی مفاهیم به‌دست‌آمده تحلیل گردید. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر مراقبه از مفاهیم دینی است، که تأکید فراوانی نسبت به آن وجود دارد. در منابع دینی مراقبه همراه مفاهیم نفس و الله به‌کار رفته است که البته همراه واژه الله استعمال بیشتری دارد. در منابع دینی با دو مفهوم مراقبت از نفس که بیشتر از مفاهیم رصد، حراست و نظارت استفاده می‌شود، و مراقبت نسبت به حضور خداوند مواجه هستیم. مراقبه با مفاهیم متعددی به صورت ترادف و تضاد معنایی در ارتباط است. تنظیم رفتار نیازمند مراقبت بیرونی و درونی است. مراقبت

Abstract

The present study aims at investigating the concepts of self-care and murāqiba (literary "vigilance" and "watching out") based on Islamic sources. The research was of qualitative type and the research method was descriptive-analytical. In the descriptive section, the concepts related to self-care based on Islamic sources were described, and in the analytical section, the concepts obtained were analyzed. According to the findings of the study, murāqiba is a religious concept, which is much emphasized in religious texts. In religious sources, murāqiba is used along with concepts such as soul and Allah. It is used along with Allah much more. In religious sources, we find the two concepts of murāqiba al-nafs or watching out the soul-which is used more than concepts such as raṣad (monitoring), ḥirāsat (guarding), and niẓārat (self -observing) – and murāqiba Allah or attention to presence of Allah. Murāqiba is related with numerous concepts in the form of semantic synonymity and opposition. To adjust our

به‌وسیله عوامل بیرونی به تنهایی کافی نیست و خودمراقبتی ضروری است. خودمراقبتی در منابع دینی شامل مراقبت از نفس، بدن و مراقبت معنوی است. مراقبت معنوی از اهمیت بیشتری برخوردار است. هدف از خودمراقبتی در منابع دینی در کنار آرامش روانی و جسمی، رسیدن به کمالات وجودی است.

کلیدواژه‌ها: مراقبة‌النفس، خودمراقبتی، مراقبة الله، نظریه حوزه‌های معنایی، منابع اسلامی.

behavior, we need external and internal adjustments. Murāqiba with the external factors is not sufficient and self-care is necessary. Self-care in religious sources includes watching the soul, watching the body, and spiritual watching. And the last one is of the most importance. Self-caring in religious sources aims at mental and physical tranquility and achieving existential perfections.

Keyword: murāqiba al-nafs, self-care, murāqiba Allah, the theory of semantic domains, Islamic sources.

مقدمه

هر انسانی در خود، کشش‌ها و امیال متعددی می‌یابد که جهت‌گیری برخی از آنها به سوی تعالی و کمال انسانی و اقتضای برخی دیگر، سقوط و انحطاط وی به سوی فجور و زشتی‌هاست. آدمی برای آن که راه خود، یعنی شکوفایی، سعادت و کمال را در پیش گیرد و در جهت هدف آفرینش خویش گام بردارد، باید گرایش‌های متنوّع و متضاد در وجود خویش را به‌خوبی بشناسد و خود را از گرفتار آمدن به چنگ هوای نفس و رفتارهایی که زندگی وی را به سقوط و تباهی می‌کشانند، برهاند. بنابراین، انسان برای رشد و تکامل معنوی و پیشگیری از ناهنجاری اخلاقی- رفتاری، نیاز شدیدی به ابزار و روشی برای تنظیم و مراقبت از خواست‌ها و رفتارهای خود دارد (شجاعی، ۱۳۸۸).

بشر همواره درصدد آزمودن راه‌هایی بوده که بتواند اعمال و رفتار خود را مطابق با اهداف، نیازها، هنجارها و انتظارات خود و دیگران تنظیم کند. علمای اخلاق نیز تأکید کرده‌اند که آدمی همواره برای نیل به کمال و پیشگیری از انحراف اخلاقی، نیازمند دستیابی به یک‌سری روش‌های بنیادی است. برای تنظیم رفتار نیاز به مراقبت و تنظیم بیرونی و درونی وجود دارد. مراقبت بیرونی که به‌وسیله محیط و عوامل بیرون از خود فرد اعمال می‌شود به‌تنهایی کافی نیست و مراقبت درونی و خودمراقبتی ضروری است. نکته مهم در اینجا، پیوند اخلاق با مفهوم مراقبة النفس و خودمراقبتی است. خودمراقبتی یا کنترل نفس جایگاه ویژه‌ای در اخلاق دارد. به‌طوری که تمام فعالیت‌های اختیاری انسان را که در اخلاق به‌منظور رسیدن به کمال مطرح می‌شود، تحت اشراف خود قرار می‌دهد (مطیعی و شیرازی،

۱۳۹۶). دین مبین اسلام برای زندگی همه انسان‌ها در طول تاریخ برنامه اخلاقی ارائه کرده است و مراقبه، نمونه‌ای از جهان‌بینی اسلام است. (استشاره، ۱۳۹۵).

امروزه در حوزه روان‌شناسی و پزشکی، در راستای سلامت جسمانی و روانی تأکید زیادی بر خودمراقبتی می‌شود؛ و خودمراقبتی را عملی می‌دانند که در آن هر فردی از دانش، مهارت و توان خود به‌عنوان یک منبع استفاده می‌کند تا به‌طور مستقل از سلامت خود مراقبت کند (مسرور و همکاران، ۲۰۱۷). خودمراقبتی به جستجو و توجه فرد به خود اشاره دارد (کاستر و شوبل[1]، ۱۹۹۷). طراحی یک برنامه خودمراقبتی، نیازمند توجه به عناصر زندگی است. این عناصر در چهار دسته طبقه‌بندی می‌شوند که شامل خودمراقبتی جسمی، روانی و عاطفی، اجتماعی و معنوی می‌باشد (امیدوار، ۱۳۹۷). در حوزه سلامت جسمی و برای مراقبت از بیماران مختلف راهکارهای خودمراقبتی ارائه شده و تأثیر خوبی نشان داده است (مسرور و همکاران، ۲۰۱۷). پژوهشگران معتقدند که بین سلامت روانی و خودمراقبتی رابطه مثبت وجود دارد (ریچارد[2] و همکاران، ۲۰۱۰). همچنین بین خودمراقبتی و بهزیستی رابطه مثبت وجود دارد (کاستر و شوبل، ۱۹۹۸)، در این میان پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مراقبت معنوی، در کیفیت زندگی نقش دارد (بوئر و همکاران، ۲۰۰۵)، و سلامت روان با معنویت که از نتایج خودمراقبتی است، در ارتباط است (وونگ واسلائیکو[3]، ۲۰۰۶).

خودمراقبتی برای اصلاح و بهبود رفتارها و صفات نفسانی نیاز به حضور دو عامل اساسی دارد: ۱. عامل شناختی، یعنی دریافت اطلاعات لازم از طریق آموزش و تفکر؛ ۲. تمرین به‌کارگیری مهارت، خصوصاً در شرایط اختیاری و ارادی که از روی میل و خواست فرد انجام گیرد (استشاره، ۱۳۹۵، ۱۰). همان‌طور که در منابع دینی و اخلاقی برای خودمراقبتی، برنامه و راهکار وجود دارد، در پژوهش‌های روان‌شناختی و پزشکی نیز تئوری‌های خودمراقبتی ارائه شده است (خداویسی و همکاران، ۱۳۹۴).

در زمینه حوزه معنایی و معناشناسی تحقیقاتی انجام شده است. شریعتی و کاظمی (۱۳۹۵) میدان معنایی «اطاعت»؛ قائمی‌نیا، قهرمانی و علیمرادی (۱۳۹۵) شبکه معنایی واژه «انسان و نسبت او به خدا»؛ حسن‌زاده و مرتضوی (۱۳۹۵) معناشناسی واژه «فؤاد»، آزادی و همکاران (۱۳۹۸)حوزه معنایی «کرامت»؛ قائمی‌نیا، نصرتی و خسروی برنا (۱۳۹۴)

1. Kaster & Shobel.

2. Rechard.

3. Wong & Slaiko.

میدان معنایی «نور»؛ قائمی‌نیا، نصرتی و شیرافکن (۱۳۹۴) میدان معنایی کلمه « تقوی»؛ لطفی و میرسعیدی (۱۳۹۴) معناشناسی واژه «کتاب»؛ و صفورائی و هوشیاری (۱۳۹۹) میدان معنایی «رشد» را مورد بررسی قرار داده‌اند.

پژوهش‌هایی که در زمینه حوزه معنایی بررسی مفاهیم روان‌شناختی انجام شده است، مانند میدان معنایی رشد (صفورائی و هوشیاری، ۱۳۹۹)، نشان می‌دهد که نظریه‌های حوزه معنایی در بررسی واژگان روان‌شناختی بر اساس منابع اسلامی کاربرد دارد، و برای شکل‌گیری روان‌شناسی اسلامی استفاده از روش‌های مختلف برای بررسی مفاهیم بر اساس منابع دینی ضرورت می‌یابد.

هدف از این پژوهش بررسی مفهوم خودمراقبتی در منابع اسلامی است تا برای ارتقای انگیزه خودمراقبتی در راستای پیشگیری از مشکلات، مشاوره و روان‌درمانی مورد استفاده قرارگیرد؛ و همچنین در مسیر شکل‌گیری روان‌شناسی اسلامی بررسی مفاهیم روان‌شناختی بر اساس منابع اسلامی ضروری است.

روش تحقیق

روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی است. ابتدا مفاهیم مرتبط با خودمراقبتی در منابع دینی به‌دست‌آمده و حوزه‌های معنایی مشخص شد. همچنین از معناشناسی برای تحلیل مفهوم خودمراقبتی استفاده شده است. از لحاظ زبان‌شناسی، مفاهیم متضاد، مترادف، و مؤلفه‌های خودمراقبتی مشخص شد. در ادامه با استفاده از روش تحلیل محتوای متون دینی به تحلیل مفاهیم پرداخته شد.

یافته‌های تحقیق

در ادامه به بررسی مفهوم مراقبه در لغت و اصطلاح، مؤلفه‌های مراقبه، هم‌نشینی واژگانی مراقبه، و مفاهیم مترادف و متقابل، پرداخته شده است.

۱. مراقبه در لغت و اصطلاح

مراقبه در لغت از ریشه «رقیب» به معنای انتظار و حراست و محافظت است. «رَقَبَ: رَقَبْتُ الشَّيْءَ أَرْقُبُهُ رَقَبَةً وَ رَقبَانا اي اِنْتَظَرْتُ وَ قَولُهُ تَعَالَيْ لَم تَرْقُبُ قَولِي أي لَم تَنتَظِرْ وَالتَّرَقُّبُ تَنظُرُ الشَّيءَ وَ تُوقِعُهُ وَ الرَّقِيبُ الْحَارِسُ يُشْرِفُ عَلَيَّ رِقَّةً يَحْرُسُ الْقَوْم» (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج۵، ص۱۵۴). ابن فارس درباره این واژه می‌نویسد که ماده «ر ق ب» یک اصل بیشتر ندارد و آن مراعات و

محافظت از چیزی است و «رقیب» به معنای حافظ و «مرقب» به مکان بلندی که ناظر برای نظارت بر آن قرار می‌گیرد تا خوب مراقبت کند (ابن فارس، ۱۴۰۱، ج۳، ۴۲۷). این ماده از رقبه به معنای گردن است و کاربرد آن در نگهبانی یا بدین جهت است که رقیب حافظ رقبه است برای اینکه باید گردن بکشد تا به خوبی از حوزه کار خود آگاه باشد. عنوان «سرکشی کردن» نیز به همین معناست (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۳۶۱). دیگر لغت‌شناسان نیز در معنای رقب به «رصدکردن» (جوهری، ۱۴۰۴، ج۱، ص۱۳۷)، «حراست» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج۱، ص۴۲۵)، و «حفظ کردن» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۶۲) اشاره کرده‌اند. اما برخی از لغت‌پژوهان (مصطفوی، ۱۴۰۲، ج۴، ص۱۹۰) بعد از مقایسه مفاهیم مراقبه، رصد، حفظ، حرس، حسب، رعایة، مواظبة، و انتظار به این نتیجه رسیده‌اند که مراقبه را باید به معنای مواظبت و حراست دائم از یک چیز به همراه تحقیق و تفتیش به قصد اشراف یافتن به آن تلقی کرده، و معانی چون انتظار، انتصاب، و موارد دیگر از لوازم این معنا به‌شمار آورد، به اعتقاد آنان (مصطفوی، ۱۴۰۲، ج۴، ص۱۴۴)، حالت مواظبت مستمر در مراقبه مخصوص افراد عاقل می‌باشد. نتیجه آنکه واژه «رقب» در باب افتعال و تفعل بیشتر به معنای انتظار به‌کار رفته است و واژه رقیب و مراقبه در معنای محافظت و نظارت بر کارها یا اشخاص است و می‌توان گفت مراقبه در لغت همان‌طور که راغب اصفهانی می‌گوید نوعی گردن کشیدن و کشیک نفس را داشتن است (استشاره، ۱۳۹۵، ص۹). مراقبه در اصطلاح به معنای کلی که در همه ادیان و مذاهب آمده است عبارت است از یک روش، طریق، سلوک خاص و مجموعه دستورالعمل‌های ظاهری و باطنی که نهایتاً انسان را آماده دریافت حقیقت غایی می‌گرداند و به عبارت بهتر او را یاری می‌کند تا به آخرین نقطه تعالی برسد. (همان).

۲.مشتقات واژه مراقبة

بر اساس یافته‌های این پژوهش، یکی از مشتقات واژه مراقبه، رقیب است. رقیب به معنای حافظ، شاهد و منتظر آمده است (فخر رازی، ۱۳۶۴، ص ۲۷۵). در روایتی که از امام صادق علیه‌السلام نقل شده از آیه ۲۰ سوره یونس[۱] استفاده کرده‌اند و رقیب را به معنای منتظر معنا کرده‌اند.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: صبر و شکیبایی و انتظار فرج چه نیک است! آیا این فرمودهٔ پروردگار متعال را نشنیده‌ای: «وَ ارْتَقِبُواْ إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ» و «فَانتَظِرُواْ إِنِّي مَعَكُم مِّنَ الْمُنتَظِرِينَ»؛

۱. وَ يَقُولُونَ لَوْلَآ أُنزِلَ عَلَيْهِ ءَايَةٌ مِّن رَّبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانتَظِرُواْ إِنِّي مَعَكُم مِّنَ الْمُنتَظِرِينَ.

انتظار بکشید من نیز با شما منتظر می‌مانم بنابراین بر شما باد! بر صبر و شکیبایی؛ زیرا که فرج و گشایش تنها به‌دنبال یأس و ناامیدی می‌آید، و بدانید مردمی که قبل از شما بوده‌اند، از شما شکیباتر و صبورتر بوده‌اند.[۱]

هم‌چنین، حافظ و مراقب اعمال، از اسماء حسنی است. حافظی که چیزی از او پوشیده نیست. در دعای کمیل می‌خوانیم: «وَ کُنْتَ اَنْتَ الرَّقیبَ عَلَیَّ مِنْ وَرائِهِمْ وَالشّاهِدَ لِما خَفِیَ عَنْهُمْ وَ بِرَحْمَتِكَ اَخْفَیْتَهُ وَ بِفَضْلِكَ سَتَرْتَهُ»؛ خدایا تو مراقب و گواه اعمال من بودی از ورای دیده فرشتگان ثبت‌کننده اعمال و آنچه از ایشان پنهان می‌ماند به‌واسطه رحمتت پوشاندی و از روی فضلت آنها را پنهان داشتی (قمی، ۱۳۸۸، ص۱۵۰). «رقیب» در قرآن پنج بار آمده و در سه مورد وصف خدا قرار گرفته است، چنان‌که می فرماید: آن‌گاه که مرا اخذ کردی، تو خود مراقب آنان (بنی‌اسرائیل) بودی[۲]» (مائده/۱۱۷). و باز می‌فرماید: «خدا مراقب شما است[۳]» (نساء، ۱) و در آیه دیگر خدا را مراقب همه‌چیز معرفی کرده، می‌فرماید: «خداوند مراقب همه‌چیز است[۴]» (احزاب/۵۲).

ابن فارس در تعیین معنای ریشه‌ای این لفظ می‌گوید: این واژه یک معنا بیش ندارد و تمام معانی صورت‌های مختلف این معنا هستند، هرگاه موجودی مشرف بر چیزی باشد و آن را تحت‌نظر بگیرد، از این جهت به آن نگهبان و «رقیب» و به نقطه بلند «مرقب» می گویند؛ درحالی‌که راغب ریشه آن را «رقبه» به معنی گردن می گیرد و می گوید: «رقبه» نام عضو معروف (گردن) است و اگر به نگهبان «رقیب» می‌گویند حفظ گردن کنایه از حفظ خود انسان است (ابن فارس، ۱۴۰۱، ج۳، ص ۴۲۷).

در بررسی منابع اسلامی با مفاهیم مراقبت، نظارت، محافظت، مواظبت، حراست، و رصد در ارتباط با نفس، مواجه می‌شویم. اما مفهوم مراقبت عموماً در مفهوم «مراقبة الله» به‌کار رفته[۵] (کلینی، ۱۴۰۷، ج۸، ص ۲۵۶)، و مفهوم نظارت اکثراً درمورد نفس استعمال شده[۶] (کلینی،

---

۱. «مَا حْسَنَ الصَّبْرَ وَ انْتِظَارَ الْفَرَجِ أَ مَا سَمِعْتَ قَوْلَ الْعَبْدِ الصَّالِحِ وَ ارْتَقِبُوا إِنِّی مَعَكُمْ رَقِیبٌ وَ فَانْتَظِرُوا إِنِّی مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِینَ فَعَلَیْكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّهُ إِنَّمَا یَجِیءُ الْفَرَجُ عَلَی الْیَأْسِ وَ قَدْ كَانَ الَّذِینَ مِنْ قَبْلِكُمْ أَصْبَرَ مِنْكُم» (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۱۰، ج۵۲، ص۱۱۰).

۲. فَلَمّا تَوفَّیتَنی کنت أَنتَ الرَّقیبَ علَیهم.

۳. إِنَّ اللهَ کانَ عَلَیکمْ رَقِیباً.

۴.کانَ اللهُ عَلی کلّ شَیء رَقِیباً.

۵. قال رسول الله ﷺ وَ أمّا عَلامَةُ الخاشِعِ فأربَعةٌ : مُراقَبَةُ اللهِ فِي السِّرِّ و العَلانِیَةِ ، و رُکوبُ الجَمیل و... .

۶. قال امیرالمؤمنین ؑ فَاتَّقُوا اَللّٰهَ وَ اُنْظُرُوا لِأَنْفُسِكُمْ. قال علی ؑ فَتَدارَکْ نَفْسَکَ وَ انْظُرْ لَهَا.

۱۴۰۷، ج۲، ص۳۷۶)، و مفاهیم محافظت[۱] (کلینی، ۱۴۰۷، ج۸، ص۲۵۶)، مواظبت[۲](طبرسی، ۱۳۸۵، ص۲۲)، حراست[۳] (طوسی، ۱۴۱۱، ج۱، ص۳۴۹)، و رصد [۴] (شریف رضی، ۱۳۷۹ش، خ۱۵۷، ص۲۲۲) نیز هم‌راستای مفهوم نظارت به‌کار رفته‌اند. و مراقبت نفس به‌طور محدود به‌کار رفته است[۵] (آمدی، ۱۴۰۸، ص ۲۳۵، ح۴۷۱۶ و ۴۷۳۲).

۲. مؤلفه‌های مراقبه

بر اساس اصل تحلیل مؤلفه‌ای می‌توان مؤلفه‌های مراقبه را نشان داد. تحلیل مؤلفه‌ای در زبان‌شناسی به بررسی ارتباط بین واژه‌ها از طریق مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن می‌پردازد (صفوی، ۱۳۸۴: ۲۹). هدف تحلیل مؤلفه‌ای، تشریح صفات و دست‌یابی به عناصر تشکیل دهنده آن است. استفاده از این روش در فهم معانی صفات می‌تواند کاربرد داشته باشد (شجاعی و همکاران، ۱۳۹۳). در ادامه، مؤلفه‌های مراقبت بیان و بررسی می‌شوند.

۱. خویشتن‌داری

یافته‌ها نشان داد یکی از مؤلفه‌های خودمراقبی، خویشتن‌داری است، این مؤلفه با رعایت تقوای الهی و مراقبت اعضا و جوارح در همه‌حال مورد توجه است. در روایتی که بیان می‌کند کسی که مراقب است و خدا را حاضر و ناظر اعمال خود می‌بیند، تقوای الهی را رعایت کرده و نسبت به گناهان خویشتن‌داری می‌کند [۶](طبری، ۱۴۰۸، ص ۲۵۶). همچنین در روایتی دیگر می‌فرماید که کسی که هواها و مشتهیات نفسانی را بدون مراقبت اطاعت می‌کند باعث فساد خواهد شد[۷] (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج۱ ص۲۵۲)که نشان می‌دهد کسی که خودمراقبتی دارد باید از انجام گناه بپرهیزد که نشان دهنده ارتباط خویشتن‌داری

۱. وَ بِاللَّهِ إِنَّهُ مَا عَاشَ قَوْمٌ قَطُّ فِي غَضَارَةٍ مِنْ كَرَامَةِ نِعَمِ اللَّهِ فِي مَعَاشِ دُنْيا وَ لَا دَائِمٍ تَقْوَى فِي طَاعَةِ اللَّهِ وَ الشُّكرِ لِنِعَمِهِ فَأَزَالَ ذَلِک عَنْهُمْ إِلَّا مِنْ بَعْدِ تَغْيِيرٍ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ تَحْوِيلٍ عَنْ طَاعَةِ اللَّهِ وَ الْحَادِثِ مِنْ ذُنُوبِهِمْ وَ قِلَّةِ مُحَافَظَةٍ وَ تَرْک مُرَاقَبَةِ اللَّهِ.

۲. عَنِ اَلْبَاقِرِ أَوِ اَلصَّادِقِ ﷺ قَالَ: إِنَّ مِمَّا يُزَيِّنُ اَلْإِسْلاَمَ اَلْأَخْلاَقُ اَلْحَسَنَةُ فِيمَا بَيْنَ اَلنَّاسِ فَتَوَاظَبُوا عَلَى مَحَاسِنِ اَلْأَخْلاَقِ وَ حُسْنِ اَلْهَدْيِ وَ اَلسَّمْتِ.

۳.اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّد وَآلِ مُحَمَّد وَعَظِّم النُورَ فى قَلبى، وَصَغِّر الدُّنيا فى عَينى، وَاحبِس لِسانى بِذِكرِک عَن النُّطقِ بِما لا يَرضيکَ، وَاحرُس نَفسى مِن الشَّهَواتِ.

۴. قال علی ﷺ اعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّ عَلَيْكُمْ رَصَداً مِنْ أَنْفُسِكُمْ وَ عُيُوناً مِنْ جَوَارِحِكُمْ.

۵. اِجْعَلْ مِنْ نَفْسِكَ لِنَفْسِكَ رَقِيباً .

۶. امام صادق ﷺ : إِذَا هُوَ خَافَ اللَّهَ، وَ رَاقَبَ اللَّهَ، وَ تَوَقَّى الذُّنُوبَ، فَإِذَا فَعَلَ ذَلِک كانَ لَهُ دَرَجَتُنَا.

۷. امام صادق ﷺ : أَنَّ مَنْ لَمْ يقِرَّ بِاللَّهِ لَمْ يتَجَنَّبْ مَعَاصِيهِ وَ لَمْ ينْتَهِ عَنِ ارْتِكابِ الْكَبَائِرِ وَ لَمْ يرَاقِبْ أَحَداً فِيمَا يشْتَهِی وَ يسْتَلِذُّ مِنَ الْفَسَادِ وَ الظُّلْمِ إِذَا فَعَلَ النَّاسُ هَذِهِ الْأَشْياءَ وَ ارْتَكبَ كُلُّ إِنْسانٍ مَا يشْتَهِی وَ يهْوَاهُ مِنْ غَيرِ مُرَاقَبَةٍ لِأَحَدٍ كانَ فِی ذَلِک فَسَادُ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ.

و خودمراقبتی است و پرهیز از گناه در روایات با عنوان رعایت تقوا و خویشتن‌داری معنا شده است.

۲. مسئولیت‌پذیری

یکی دیگر از مؤلفه‌هایی که برای مراقبه با کنار هم قرار دادن روایات می‌توان اشاره کرد مسئولیت‌پذیری است. در روایتی امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید: «اِجْعَلْ مِنْ نَفْسِكَ عَلَى نَفْسِكَ رَقِيبا» (آمدی، ۱۳۴۹، ح۲۴۲۹)، که بیانگر خودمراقبتی است. در روایت دیگری امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: «اِحمِلْ نفسَكَ لنفسِكَ، فإن لَم تَفعَلْ لَم يَحمِلْكَ غَيرُكَ» (کلینی، ۱۳۸۵، ج۲، ص۴۵۴)، که این‌طور معنا شده است، که خودت بار خودت را به دوش بکش که اگر این کار را نکنی هیچ‌کس این کار را برای تو نخواهد کرد. این بیان نشان‌دهنده این است که فردی که بار خودش را به دوش می‌کشد، مسئولیت کارهای خودش را به عهده دارد و مسئولیت‌پذیر است و کسی می‌خواهد مسئولیت‌پذیر باشد باید مراقب نفس خودش باشد که هرکاری را انجام ندهد و در صورت انجام باید مسئولیت کارهای خودش را به عهده بگیرد. در اینجا می‌توان به رابطه بین خویشتن‌داری و مسئولیت‌پذیری نیز اشاره کرد که در آیات و روایات به آن اشاره شده است. بنابر آیات قرآن، کسی می‌تواند مسئولیت خویش را در زمینه امور دینی به انجام برساند که تقوای قلبی داشته باشد[۱] (حج/۳۲). در روایتی از امیرالمؤمنین علیه‌السلام نشانه‌های اهل تقوا پایبندی به عهد و پیمان نام برده شده است (بحرانی، ۱۴۰۱، ج۳، ص۲۵۶) که بیانگر مسئولیت‌پذیری اهل تقوا در مسائل دینی و فردی و اجتماعی است.

۳. هم‌نشینی واژگانی مراقبه، حیاء و عفت

یکی از اصول معناشناسی زبانی، باهم‌نشینی واژگانی است. با ملاحظه روایات صفت حیاء با مراقبه همراه شده است. در روایتی پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: که از باحیاء بودن صفاتی به‌دست می‌آید که یکی از این صفات مراقبه است: و أمّا الحیاء: اما دستاوردهای حیاء: نرم‌خویی، مهربانی، خدا را ناظر دیدن در نهان و عیان، سلامت روحی و جسمی، دوری کردن از بدی، خوش‌رویی، بخشندگی، پیروزی و خوش‌نامی در میان مردم. اینها فوایدی است که خردمند از حیاء می‌برد[۲] (حرّانی، ۱۳۸۲، ص۱۵۰). حیاء از ریشه «ح ی و» یا « ح ی ی»، به

۱. ذَلِکَ وَمَن يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِن تَقْوَى الْقُلُوبِ.

۲. و أمّا الحیاء: فیتشعب منه اللّین و الرأفة و المراقبة للّه فی السرّ، و العلانیة، و السّلامة، و اجتناب الشّر، و البشاشة، و السّماحة، و الظفر و حسن الثّناء علی المرء فی النّاس. فهذا ما أصاب العاقل بالحیاء فطوبی لمن قبل نصیحة اللّه و خاف فضیحته.

معنای شرم داشتن از ارتکاب زشتی که در مقابل آن وقاحت و بی‌شرمی قرار دارد. این واژه در اصطلاح، نوعی حالت روانی یا انفعال و انقباض نفسانی است که موجب متانت و وقار در رفتار، حرکات و سکنات شده و همچنین موجب خودداری از انجام امور ناپسند در انسان می‌گردد. در قرآن کریم واژه حیاء یا مشتقات آن چند بار به‌کار رفته است، در آیه ۵۳ سوره احزاب در رابطه با پیغمبر ﷺ می‌فرماید: بدون اجازه داخل نشوید و در صورت اجازه و تناول غذا متفرق شوید، و برای سرگرمی و انس آنجا به گفتگو نپردازید که این کار او را اذیت می‌کند و شرم می‌کند که به شما اظهار دارد.[۱] در آیه ۲۵ سوره قصص هم واژه استحیاء در رابطه با دختران حضرت شعیب به‌کار رفته است که می‌فرماید یکی از آن دو دختر با حیاء راه می‌رفت.[۲]

رسول اکرم ﷺ فرمود: «از سخنانی که در میان مردم است، تنها یک جمله از انبیای گذشته باقی مانده است که می‌گویند: اگر حیا نداری، هرچه می‌خواهی انجام بده»[۳]. به‌دلیل این‌که دین، بلکه تمام قوانین موضوعه بشری برای کنترل جامعه است و ضامن اجرایی آن حیا است، شخص بی‌حیا در منابع روایی شریعت اسلام، «بی‌ایمان» معرفی شده است، در روایتی امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا حَيَاءَ لَهُ» (کلینی، ج۲، ص۱۰۶). که نشان‌دهنده اهمیت حیاء می‌باشد. و کسی که نسبت به اعمال خودش در مقابل خداوند متعال حیاء دارد نشان می‌دهد که خودمراقبتی دارد و کسی مراقب اعمال خود است و خدا را ناظر اعمال خود می‌بیند که ایمان به خداوند متعال داشته باشد. در روایت دیگر می‌فرمایند که حیاء انسان را از کار قبیح باز می‌دارد.[۴] با توجه به روایات مشخص می‌شود که فرد برای جلوگیری از ارتکاب گناه باید حیاء داشته باشد که حیاء باعث می‌شود که فرد مراقب اعمال خود در برابر حضور خداوند باشد و همین باعث ترک گناه و کارهای ناشایست می‌شود.

از روایات اسلامی برمی‌آید که افراد انگیزه‌های متنوع در خودمهارگری دارند و هرکس با توجه به انگیزشی که هم‌اکنون در روانش فعال شده است، خویشتن را در مقابل کشش‌های نفسانی مهار می‌کند (رفیعی هنر، ۱۳۹۵، ص۲۴۳). از جمله این انگیزه‌ها «حیا» است. واژه «حیا» در لغت یعنی بازداشتن خویش از عمل زشت به‌سبب ترس از سرزنش دیگران

۱. يَآ أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ لَا تَدْخُلُواْ بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَن يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرَ نَاظِرِينَ ... .

۲. فَجَآءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَآءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ... .

۳. قال النبی ﷺ : «إن مما أدرک الناس من کلام النبوة الأولی: إذا لم تستح فاصنع ما شئت» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷، ح۱۳۵۸).

۴. امیر المومنین علیه‌السلام. الْحَياءُ يصُدُّ عَنْ فِعْلِ الْقَبِيحِ (آمدی، ۱۳۴۹ق، غررالحکم، ص ۲۵۷).

(طریحی، ۱۳۷۵، ج۱، ص۱۱۳). حیا دارای عناصر تشکیل‌دهنده است که یکی از این عناصر حضور و نظارت یک ناظر محترم است، و آنچه مفهوم حیا را با مفاهیم مشابه آن متمایز می‌کند، این است که فرد باحیا به‌سبب باور به حضور یک ناظر محترم به بازداری خود از فعل قبیح اقدام می‌کند (پسندیده، ۱۳۸۵، ص۲۷).

در منابع اسلامی، بر نقش انگیزشی حیا در اصل مهار خویشتن تأکید فراوان شده است و در آیات قرآن کریم، همواره به افراد یادآوری شده است خداوند متعال و گماشتگان الهی از گناه آگاه و به آن بینا هستند[۱] (اسراء/۱۷، توبه/۱۰۵) و اعمالشان را ثبت می‌کنند[۲](ق/۱۸). این افراد، مدام متوجه این خطاب‌اند که: آیا او نمی‌داند که خداوند همه اعمالش را می‌بیند؟[۳] (علق/۱۴)؛ از این روی مهار هدفمند خویشتن با نظارت‌گری الهی پیوند خورده است[۴] (نساء/۱). وقتی افراد در مهیا شدن برای کارها، متوجه حضور و نظارت یک ناظر محترم یعنی خداوند متعال بر اعمالشان باشند، از انجام دادن امور قبیح یا ترک اعمالی که از آنها خواسته شده است، خود را بازمی‌دارند و این خود انگیزه‌ای قوی برای مهار خویشتن است. (رفیعی‌هنر، ۱۳۹۵، ص۲۵۴). عنصر باور به حضور خداوند در حیا و توجه به حضور خداوند در مراقبه نشان‌دهنده ارتباط بین حیا و مراقبه است و شخص مراقب هرچه توجه به حضور خداوند داشته باشد و خدا را ناظر اعمال خود ببیند، در برابر تمایلات منفی نفسانی و ارتکاب گناه حیا می‌کند، که نشان‌دهنده اهمیت مراقبه و توجه به حضور ناظر است که در پیش‌گیری و درمان می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

یکی دیگر از واژه‌هایی که با مراقبه همراه شده است واژه عفت است. در روایتی این‌چنین آمده است که از عفاف صفاتی منشعب و نتیجه عفت هستند که یکی از این صفات مراقبه می‌باشد، «يتَشَعَّبُ مِنَ الْعَفَافِ الْكَفَايةُ وَ الِاسْتِكَانَةُ وَ الْمُصَادَقَةُ وَ الْمُرَاقَبَةُ وَ الصَّبْرُ وَ النَّصْرُ وَ الْيقِينُ وَ الرِّضَا وَ الرَّاحَة» (ابن بابویه، ۱۳۸۵ق، ج۱ ص ۱۱۳). که نشان‌دهنده ارتباط عفت و خودمراقبتی است، یعنی کسی که دارای عفت است، مراقب اعمال و رفتار خود می‌باشد و در همه‌حال خود را در محضر الهی می‌بیند.

---

۱. وَ كَمْ أَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ مِن بَعْدِ نُوحٍ وَكَفَى بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيراً بَصِيراً (اسراء/۱۷). وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيرَى اللَّهُ عَمَلَكمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَى عَالِمِ الْغَيبِ وَالشَّهَادَةِ فَينَبِّئُكمْ بِمَا كنْتُمْ تَعْمَلُونَ .

۲. مَا يلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ .

۳. أَلَمْ يعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يرَى.

۴. وَاتَّقُواْ اللَّهَ الَّذِى تَسَآءَلُونَ بِهِ وَا لْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيباً.

«عفاف» با فتح حرف اول، از ریشه «عفت» است و لغت‌شناسان درباره آن گفته‌اند: «وَأَصْلُه الاقْتِصارُ علی تَناوُلِ الشَّیءِ القَلیلِ» یعنی عفاف اکتفا ورزیدن به بهره‌مندی کم و شایسته است. و همچنین عفت را چنین معنا می‌کند «العِفَّةُ حُصولُ حالَةٍ لِلنَّفْسِ تَمْتَنِعُ بِها عن غَلَبَةِ الشَّهْوَةِ» عفت پدید آمدن حالتی برای نفس است که به‌وسیله آن از افزون‌طلبی قوه شهوانیه جلوگیری می‌شود و همچنین در مجمع البحرین آمده است: «عَفَّ عَنْ الشَّیْءِ أی امْتَنَعَ عَنْهُ فَهُوَ عَفِیفٌ» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص۵۷۳) عفاف از چیزی ورزید، یعنی: از آن امتناع ورزید، پس او عفیف است. همچنین «العِفّه: الکَفُّ عما لا یَحِلّ وَلا یَجْمُلُ» عفت: خویشتن‌داری از آنچه که حلال و زیبا نیست. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۴۲۹/۳).

۴. واژه‌های متقابل مراقبه

بر اساس اصول معناشناسی زبان، مراقبه با برخی از واژه‌ها تقابل معنایی دارد. زبان متشکل از واژگانی است که از نظر معنایی در تقابل با یکدیگر قرار دارند. ارزش معنایی واژه‌ها معمولا با در نظر گرفتن ارزش مفهوم مقابل آنها تعیین می‌شود (صفوی، ۱۳۹۱، به‌نقل از آزادی و همکاران، ۱۳۹۸). در مطالعات اسلامی از تقابل معنایی، با عنوان تضاد بحث شده است (ابن انباری، ۱۹۶۰). منظور از تقابل و تضاد، نوعی رابطه مفهومی بین واژه‌هاست که مفهومشان در تناقض با یکدیگر است (صفوی، ۱۳۸۴، به‌نقل از آزادی و همکاران، ۱۳۹۸). بر اساس روایات واژه مراقب با فاسق تقابل معنایی دارد، و فاسق را این‌طور معرفی می‌کنند که مراقب حضور خداوند نیست «وَ الْفَاسِقُ لَا یرَاقِبُ اللَّه» (شیخ مفید، بی‌تا، ص۳۳۸). فسق و مشتقات آن در ۵۴ آیه قرآن به‌کار رفته است و در همه آیات، معنای لغوی و ظاهری خود را حفظ کرده است. این واژه در اصل به معنای بیرون رفتن یا جستن است (طالقانی، ۱۳۶۲، ج۱، ص۱۰۲) و از نظر لغوی به‌معنی خارج شدن هسته از درون خرما است (بابایی، ۱۳۸۲، ج۱، ص۵۷). و در اصطلاح شرع عبارت است از خروج از طاعت و بندگی خدای متعال (حلی، ۱۳۸۸، ج۲، ص۲۵۰)، و نیز خروج از حق است چنان‌که درباره ابلیس فرمود: او از جن بود و از دستور خدایش خارج شد و اطاعت نکرد[۱] (کهف/۵۰، قرشی، ۱۳۷۱، ج۵، ۱۷۶). در سوره بقره می‌فرماید: «فاسقان آنها هستند که پیمان خدا را پس از آن که محکم ساختند، می‌شکنند، و پیوندهایی را که خدا دستور داده برقرار سازند قطع می‌نمایند، و در جهان فساد می‌کنند، اینها زیانکارانند. درصورتی‌که ذکر شد، از نشانه‌های اهل تقوا و ایمان، عمل به عهد پیمان است»[۲] (بقره/۲۷).

---

۱. کَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ.

۲. «الَّذِینَ ینقُضونَ عَهْدَ اللَّهِ مِن بَعْدِ مِیثَقِهِ وَ یقْطعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَن یوصلَ وَ یفْسِدُونَ فی الأَرْضِ أُولَئک هُمُ الْخَسِرُونَ» (بقره/۲۷).

انسان فاسق، شاید از نظر اعتقادی فردی راست‌اندیش باشد، ولی در مقام عمل، انسانی راست‌کردار نیست. انسان مؤمن زمانی به فسق متهم می‌شود که در جامعه، رفتارهای ضد شریعت و هنجارهای شرعی را انجام دهد و نسبت به تذکرات و نهی از منکر دیگران واکنش منفی نشان داده و بدان ترتیب اثر ندهد. بنابراین، در تحقق معنای فسق عناصری چون مخالفت با موازین شرعی و هنجارهای آن، اظهار و تکرار، عدم پذیرش نهی از منکر و رفتار برخلاف باور و ایمان شرعی، پیمان‌شکنی، و عدم پذیرش مسئولیت، نقش اساسی دارد.

مؤلفه‌های فسق

بر اساس روایتی از امام صادق علیه‌السلام فاسق از ایمان خارج است، بی‌گمان بنده به سبب یکی از پنج کار که همگی مانند هم و شناخته شده هستند، از ایمان خارج می‌شود: کفر، شرک، گمراهی، فسق و ارتکاب کبائر[۱] (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۲، ص ۳۳۰). و طبق روایتی از پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله که علامات فاسق را بیان می‌کنند نشان می‌دهد که فردی که خودمراقبتی ندارد و بیهوده‌کار و بی‌بندوبار است فاسق است. نشانه فاسق چهار چیز است: سرگرمی و بیهوده‌کاری و تجاوز و بهتان زدن[۲] (همان، ص۲۲). از نشانه‌های فساق کفر ورزیدن به آیات الهی بیان شده است[۳] (بقره/۹۹)، و کفر از جمله مؤلفه‌هایی است که با فسق و فجور با هم مشترک هستند[۴](عبس/۴۲)، که نشان‌دهنده ارتباط معنایی فسق و فجور است، و آن تمایل و انحراف هر دو از حق است. به فاسق فاجر گفته می‌شود زیرا از حق روی‌گردان و منحرف است (ابن‌هائم، ۱۴۲۳ق، ص ۳۲۴).

از دیگر مؤلفه‌های فسق معصیت است. بر اساس روایت مشخص می‌شود که صفت فسق در مقابل صفت مراقبه قرار می‌گیرد و برخلاف فردی که مراقب حضور خداوند در همه افعال و حرکات و سکنات خود است و مرتکب معصیت نمی‌شود، فرد فاسق، مرتکب معاصی می‌شود و به دنبال شهوت و لذت است، امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: و معنای فسق: هر معصیتی از معاصی بزرگ خدا که کسی آن را انجام دهد، یا شخصی از روی لذّت‌جویی و شهوت و شوقِ غالب به آن درآید، این فسق است و انجام‌دهنده آن فاسق و به لحاظ فسق،

---

۱. «قَدْ یخْرُجُ مِنَ الْإِیمَانِ بِخَمْسِ جِهَاتٍ مِنَ الْفِعْلِ کلُّهَا مُتَشَابِهَاتٌ مَعْرُوفَاتٌ الْکفْرُ وَ الشِّرْک وَ الضَّلَالُ وَ الْفِسْقُ وَ رُکوبُ الْکبَائِرِ».

۲. «و امّا علامَةُ الفاسِقِ فأربَعةٌ: اللهوُ و اللغوُ و العُدوانُ و البُهتانُ».

۳. «وَلَقَدْ أَنزَلْنَآ إِلَیک ءَایَتٍ بَیِّنَتٍ وَمَا یَکْفُرُ بِهَا إِلَّآ الْفَسِقُونَ».

۴. «أُولَئِک هُمُ الْکفَرَةُ الْفَجَرة ».

از [حیطه] ایمان خارج است. اگر به این عمل ادامه دهد، تا جایی که به حدّ اهمیت ندادن و خفیف شمردن برسد، به‌سبب این بی‌اعتنایی و خفیف شماری، کفر بر او لازم آید[۱] (مجلسی، ۱۴۱۰، ج۳۱، ص۲۷۸).

۵. واژه‌های مترادف با واژه مراقبه

با بررسی معانی متقابل مراقبه، یعنی فسق و فجور، اکنون معانی مترادف آن را بررسی می‌کنیم.

۱. مُهَیمِن

«مُهَیمِن» به‌معنای حافظ، شاهد، مراقب، امین، نگهبان و ایمنی‌بخش، و یکی از اسامی و صفات قرآن است: «و این کتاب قرآن را به حق بر تو نازل کردیم؛ درحالی‌که کتب پیشین را تصدیق می‌کند و حاکم بر آنها است[۲] (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج۱۳، ص۴۳۹). و طبق روایتی از امیرالمؤمنین علیه‌السلام مهیمن به‌جای مراقب به‌کار رفته است: سزاوار است که آدمی نگهبان نفس خود و مراقب دل و نگه‌دار زبان خویش باشد[۳] (آمدی، ۱۳۴۹ق، ح۱۰۹۴۷). و نشان می‌دهد که مهیمن ازنظر معنایی مترادف با مراقب است. علامه طباطبائی رحمه‌الله در مورد این کلمه این‌گونه توضیح می‌دهد که: «کلمه مهیمن از ماده هیمنه گرفته شده و به‌طوری‌که از موارد استعمال آن بر می‌آید معنای هیمنهٔ چیزی بر چیز دیگر، این است که آن شیء مهیمن بر آن شیء دیگر تسلط داشته باشد، البته هر تسلطی را هیمنه نمی‌گویند، بلکه هیمنه تسلط در حفظ و مراقبت آن شیء و تسلط در انواع تصرف در آن است» (طباطبایی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۵۷).

۲. محافظت

یکی دیگر از واژه‌هایی که ترادف معنایی با مراقبه دارد محافظت و مشتقات آن است. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: «اِحْفَظِ اَللّهَ یَحْفَظْكَ اِحْفَظِ اَللّهَ تَجِدْهُ أَمَامَكَ» (مجلسی، ۱۴۱۰، ج۳، ص۸۷) مراعات خدا را بکن تا خدا تو را مراعات کند، و خدا را در نظر داشته باش تا همواره او را در برابر خود ببینی. حفظ که به مراعات معنا شده است، یعنی توجه به او و مراقب حضور

---

۱. و مَعنَی الفِسقِ : فَكلُّ مَعصیةٍ مِن المَعاصِی الكبارِ فَعَلَها فاعِلٌ، أو دَخَلَ فیها داخِلٌ بِجِهَةِ اللَّذَةِ و الشَّهوَةِ و الشَّوقِ الغالِبِ، فهُو فِسقٌ و فاعِلُهُ فاسِقٌ خارِجٌ مِن الإیمان بجِهَةِ الفِسقِ، فإن دامَ فی ذلک حتّی یدخُلَ فی حَدِّ التَّهاوُنِ و الاستِخفافِ، فقد وَجَبَ أن یكونَ بِتَهاوُنِهِ و استِخفافِهِ كافِرا.

۲. وَ أَنْزَلْنا إِلَیْکَ الْکِتابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقاً لِما بَیْنَ یَدَیْهِ مِنَ الْکِتابِ وَ مُهَیْمِناً عَلَیْهِ (مائده/۴۸).

۳. «ینبَغِی أن یكونَ الرجُلُ مُهَیمِنا عَلی نَفسِهِ، مُراقِبا قَلبَهُ حافِظا لِسانَهُ».

او و اعمال خود، که می‌تواند موارد زیادی مثل مراعات در کسب حلال و حرام، مراعات حقوق خداوند، رعایت آداب بندگی باشد.

قرآن کریم، فرشتگان را حافظان و شاهدان اعمال انسان معرفی کرده است. «و بی تردید بر شما نگهبانانی گماشته اند* بزرگوارانی نویسنده* که آنچه را [از خیر و شر] انجام می دهید، می‌دانند [و ضبط می کنند.]»[۱] (انفطار/۱۱). این حافظان، فرشتگان و قدرت‌های مافوق و محیط بر انسانند که اعمال و آثار را حفظ و ثبت می‌کنند و به‌صورت ثابت نگه می‌دارند.

و در روایت دیگری نیز با واژه حُفَّاظ اشاره شده است. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: بدانید ای بندگان خدا که دیده‌بانانی از وجود شما و جاسوسانی از اعضای بدن شما و نگهبانان صادقی بر شما گماشته شده‌اند که اعمال شما و شمار نَفَس‌هایتان را ثبت می‌کنند[۲] (شریف رضی، ۱۳۷۹ش، خ۱۵۷، ص۲۲۲). و همچنین روایتی که کم بودن محافظت نفس و مراقبة الله را بیان می‌کند[۳] (کلینی، ۱۴۰۷، ج۸، ص۲۵۶).

۳. نظارت

بررسی آیات و روایات نشان می‌دهد که بیشتر، مفهوم نظارت در مورد نفس به‌کار رفته است. قرآن کریم توصیه به تقوا و نظارت بر خود بر اعمال پیش فرستاده شده می‌کند[۴] (حشر/۱۸). همچنین به نظارت فرد به امور بدنی[۵] (عبس/۲۴) دستور داده شده است. امیرالمومنین علیه‌السلام می‌فرماید: تقوای الهی را رعایت کنید و بر نفس خود نظارت کنید[۶] (کلینی، ۱۴۰۷، ج۲، ص۳۷۶) و در جواب نامه معاویه می‌فرماید: خود را دریاب و به خود نظارت و چاره‌اندیشی کن[۷] (شریف رضی، ۱۳۷۹ش، ن۶۵، ص۴۵۶). بر اساس روایات نظارت بر نفس

---

۱. «وَ إِنَّ عَلَيكُمْ لَحافِظِينَ* كراماً كاتِبِينَ* يعْلَمُونَ ما تَفْعَلُونَ*».

۲. « اِعلَمُوا عِبادَ اللهِ ِأَنَّ عَلَيكم رَصَدا مِن أَنفُسِكم، و عُيونا من جَوارِحِكم، و حُفَّاظَ صِدْقٍ يحفَظُونَ أعمالَكم، و عَدَدَ أنفاسِكم، لا تَستُرُكم مِنهُم ظُلمَةُ لَيلٍ داجٍ، و لا يكُنُّكم مِنهُم بابٌ ذو رِتاجٍ ».

۳. وَ بِاللَّهِ إِنَّهُ مَا عَاشَ قَوْمٌ قَطُّ فِي غَضَارَةٍ مِنْ كَرَامَةِ نِعَمِ اللَّهِ فِي مَعَاشِ دُنْيا وَ لَا دَائِمٍ تَقْوَى فِي طَاعَةِ اللَّهِ وَ الشُّكرِ لِنِعَمِهِ فَأَزَالَ ذَلِک عَنْهُمْ إِلَّا مِنْ بَعْدِ تَغْيِيرٍ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ تَحْوِيلٍ عَنْ طَاعَةِ اللَّهِ وَ الْحَادِثِ مِنْ ذُنُوبِهِمْ وَ قِلَّةِ مُحَافَظَةٍ وَ تَرْک مُرَاقَبَةِ اللَّهِ.

۴. يا أَيهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ.

۵. فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسانُ إِلى طَعامِهِ.

۶. وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ انْظُرُوا لِأَنْفُسِكُمْ .

۷. فَهَنَ الْآنَ فَتَدَارَکْ نَفْسَکَ وَ انْظُرْ لَهَا.

به رابطه افراد به خاستگاه اهداف متعالی یعنی خداوند ارتباط داشته[۱] (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص۲۷۴)، و برخی افراد توانایی بیشتری در این زمینه دارند[۲] (برقی، ۱۳۷۱، ج۱، ص۱۵۸). البته افراد در امور دنیایی نیز با نظارت بر امور خود می‌تواند زمینه تصمیم‌های صحیح زندگی را فراهم سازند[۳] (کلینی، ۱۴۰۷، ج۵، ص۳۱۳)، همچنین افراد با نظارت بر خود قادر خواهند بود ناتوانی‌ها و رفتارهای غیرمطابق با معیار را تشخیص دهند[۴] (کلینی، ۱۴۰۷، ج۸، ص۱۹).

۴. تقوا

یکی دیگر از واژه‌های مترادف مراقبه تقوا است. تقوا، از مصدر وقایه و ریشه «و ق ی»، در لغت به معنای «حفظ کردن و نگاه داشتن از بدی و گزند» است. وقایه عبارت است از محافظت یک چیزی از هرچه به او زیان می‌رساند . و تقوا یعنی نفس را در وقایه قرار دادن از آنچه بیم می‌رود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص۸۸۵). گفته‌اند این کلمه در اصل «وقوی» بوده که واو آن به تاء تبدیل شده است. اسم فاعل آن، تَقی و مُتّقی به معنای «صاحب تقوا» است. ترجمه صحیح کلمه تقوا «خودنگهداری» است که همان ضبط نفس است و متقین یعنی «خودنگهداران» (مطهری، ۱۳۶۸، ص۱۷). و تقوای به‌معنای ترس از خدا مجازی است و همچنین معنای پرهیزکاری برای تقوا برخلاف کابرد عامیانه آن به‌کار برده نشده است (همان). قرآن کریم دستور به حفظ نفس از آتش می‌کند[۵] (تحریم/۶). و حفظ نفس نیاز به مراقبت نفس و توجه به حضور خداوند دارد، و فرد با تقوا در برابر گناه خودنگهدار است و صفت تقوا در فرد او را در برابر گناهان حفظ می‌کند. و برای رسیدن به تقوای الهی و خودنگهداری نیاز به مراقبت و توجه به حضور خداوند و مراقبت و نظارت بر نفس وجود دارد.

---

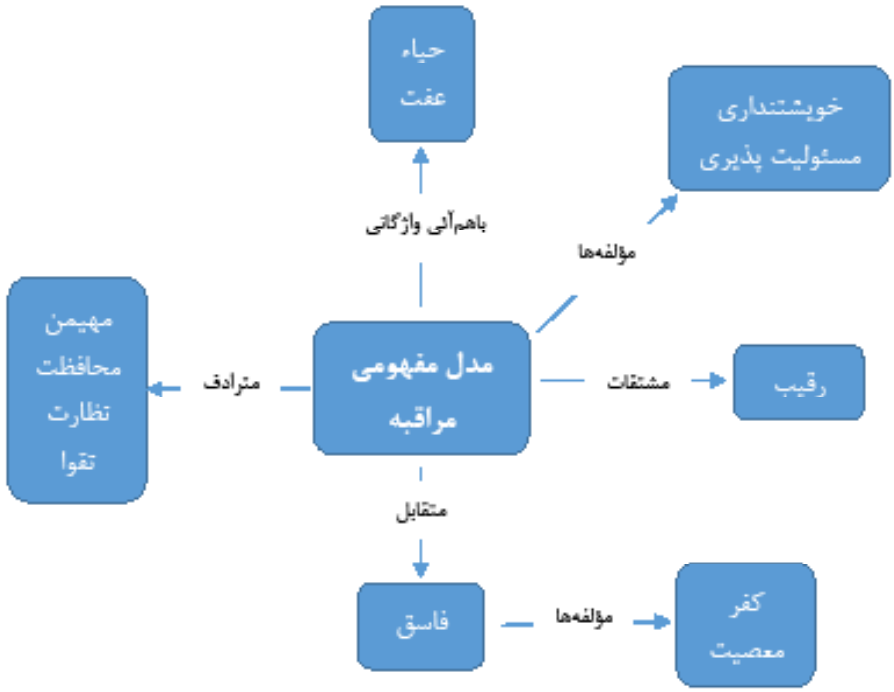
۱. قال عَلی بن الحُسَین ﷺ قال(الله) یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَ تَفَکَّرُوا وَ اعْمَلُوا لِمَا خُلِقْتُمْ . عن علی ﷺ فَلا تَنظُر إلی مَا تَجمَع مِنَ الأمَوَالِ وَ لکِن أنْظُر إلی مَا تَجمَعُ مِنَ الخَیراتِ وَ الحَسَناتِ.

۲. لا تَزالُ شیعَتُنا مَرعِیّینَ مَحفوظینَ مَستورینَ مَعصومینَ ما أحسَنُوا النَّظَرَ لِأَنفُسِهِم فیما بَینَهُم وبَینَ خالِقِهِم.

۳. إبرَاهِیمَ اَلْکَرْخِیِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اَللَّهِ ﷺ : إِنَّ صَاحِبَتِي هَلَکَتْ فَکَانَتْ لِي مُوَافِقَةً وَ قَدْ هَمَمْتُ أَنْ أَتَزَوَّجَ، فَقَالَ: اُنْظُرْ أَیْنَ تَضَعُ نَفْسَکَ وَ مَنْ تُشْرِکُهُ فِي مَالِکَ وَ تُطْلِعُهُ عَلَی دِینِکَ وَ سِرِّکَ .

۴. قال علی ﷺ: أیُّهاالنَّاس إنَّه مَنْ نَظَرَ فِي عَیْبِ نَفْسِهِ اشْتَغَلَ عَنْ عَیْبِ غَیْرِهِ.

۵. یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَکمْ وَ أَهْلِیکمْ ناراً.



شکل شماره۱. مدل مفهومی مراقبه

بحث و نتیجه‌گیری

در این نوشتار تلاش شد تا مفهوم خودمراقبتی بر اساس منابع دینی مورد بررسی قرار گیرد. و نتایج نشان می‌دهد که مفهوم مراقبةالنفس در موارد کمی در منابع دینی به‌کار رفته، و عموماً مراقبةالله مشاهده می‌شود، و واژه نفس، همراه مفاهیم نظارت، رصد، حراست، محافظت، تقوا، به‌کار رفته است، که مفهوم خودمراقبتی از این مفاهیم به‌دست می‌آید. اگرچه مفهوم مراقبه در کنار نفس، کاربرد کمتری دارد، اما بررسی مفاهیم متقابل و مترادف مراقبه نشان می‌دهد که مراقبةالله و توجه به حضور خداوند، مراقبت از نفس و خودنظارت‌گری در برابر تمایلات نفسانی را به دنبال خواهد داشت. مراقبه با مفهوم فسق تقابل معنایی دارد، و مراقب در برابر فاسق قرار می‌گیرد. خویشتن‌داری و مسئولیت‌پذیری عناصر و مؤلفه‌های مراقبه هستند.

در منابع دینی مفهوم مراقبه، شامل مراقبت از نفس، بدن، و مراقبت معنوی است، همان‌طور که در روان‌شناسی مفهوم خودمراقبتی دارای مؤلفه‌های جسمانی، روان‌شناختی، معنوی و مؤلفه حمایتی به‌عنوان مراقبت بیرونی می‌باشد (ریچارد و همکاران، ۲۰۱۰). هدف از خودمراقبتی در روان‌شناسی رسیدن به آرامش روان و دوری از بیماری‌های روانی و جسمانی است. اما آنچه که خودمراقبتی در منابع دینی را از روان‌شناسی متمایز می‌سازد، مراقبت معنوی و توجه به حضور خداوند متعال می‌باشد که لازمه آن توجه به دستورات و باورهای مذهبی و عمل به آنها و مهار خویشتن در برابر تمایلات نفسانی است. هدف از خودمراقبتی در منابع دینی رسیدن به کمالات وجودی است، که انسان را به آرامش و قرب خداوند متعال می‌رساند. بنابراین نکته مهم در مورد خودمراقبتی در منابع دینی ارتباط عمیق بین توجه به حضور خداوند به‌عنوان مراقبة‌الله و مراقبت از نفس است.

پژوهش‌ها (نورعلیزاده و همکاران، ۱۳۹۱) نیز نشان می‌دهد که بین خداآگاهی و خودآگاهی رابطه مثبت وجود دارد. همچنین، پژوهش‌هایی که نقش مثبت خودآگاهی در مدیریت تنیدگی و مقابله مؤثر (کریک و ریچارد، ۲۰۰۳) و نظم‌دهندگی رفتار (قربانی، ۲۰۰۵) را بررسی کرده است، نشان‌دهنده رابطه مثبت بین خداآگاهی و خودآگاهی و خودمراقبتی است. با افزایش میزان خداآگاهی، خودآگاهی افراد و به دنبال آن خودمراقبتی افراد افزایش پیدا خواهد کرد. و این نشان‌دهنده اهمیت مراقبة‌الله و توجه به حضور خداوند در منابع دینی است.

خودمراقبتی همانند حوزه خودمهارگری، خودنظارت‌گری، نیازمند شناخت و توجه نسبت به حضور ناظر، به‌عنوان عامل انگیزشی حیا، برای پیشگیری از ارتکاب معاصی و مهار خویشتن در برابر تمایلات نفسانی است. تنظیم رفتار درونی در کنار مراقبت بیرونی برای پیشگیری و درمان بیماری‌های روانی اهمیت دارد، و باید مورد توجه قرار گیرد.

منابع

• ***قرآن کریم***، ترجمه: مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۸، قم، امیرالمؤمنین علیه‌السلام.

• شریف رضی (۱۳۷۹ش)، محمدبن الحسین الطاهر، ***نهج البلاغه***، ترجمه محمد دشتی، چ۳، قم، دفتر نشر الهادی.

• آزادی، محمود، آذربایجانی، مسعود، شجاعی، محمد صادق و طباطبایی، سید کاظم (۱۳۹۸)، «کاربرد نظریه حوزه‌های معنایی در بررسی مفهوم کرامت بر پایه منابع اسلامی»، ***نشر فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۸۰***، سال بیست و سوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۸.

• آمدی، ابوالفتح (۱۳۴۹ق)، ***غررالحکم و دررالکلم***، تهران، انتشارات مطبعه العرفان صیدا.

• ابن انباری، محمد (۱۹۶۰ق)، ***الاضداد***، کویت: بیتا.

• ابن فارس، احمد (۱۴۰۱ق)، ***معجم مقاییس اللغه***، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

• ابـن بابویـه، محمدبـن علـی (۱۳۸۵ق)، ***علل الشـرایع***، نجـف منشـورات المکتبـة الحیدریـة ومطبعتها فی النجف.

• استشاره، فاطمـه (۱۳۹۵)، ***تبییـن جایگاه مراقبـه و محاسـبه نفـس در اخـلاق اسـلامی از منظـر رشـد اخلاقی***، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، جامعه المصطفی ﷺ العالمیه.

• ابـن هائـم، شـهاب‌الدین احمدبـن محمـد (۱۴۲۳ق)، ***التبیان فی تفسـیر غریـب القرآن***، بیـروت، دارالغرب الاسلامی، چ اول.

• ابن منظورر، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، ***لسان العرب***، بیروت، دارصادر، چ سوم.

• امیدوار، شـبنم (۱۳۹۵)، «دسـتورات خودمراقبتی از منظر قرآن و آموزه‌های اسـلامی و تطبیق آن با دستورات بهداشتی در دانش پژشکی نوین»، ***نشریه اسلام و سلامت***، دوره سوم، شماره اول، بهار ۱۳۹۵، ۳۸-۴۶.

• امیـدی، افسـر، خداویسـی، مسـعود (۱۳۹۴)، «تأثیـر آمـوزش رفتارهای مراقبـت از خود بر وضعیت پرفشـاری خون زنان یائسه»، ***مجله مراقبت و پرستاری ابن سینا***، دوره ۲۵ شماره ۴.

• بابایی، احمد علی (۱۳۸۲)، ***برگزیده تفسیر نمونه***، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ سیزدهم.

• بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۰۱)، ***البرهان فی تفسیر القرآن***، مؤسسه الرسالة بیروت.

• برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ق)، ***المحاسن***، قم، دارالکتب الاسلامیه، الطبع الثانی.

• پسندیده، عباس (۱۳۸۵)، ***پژوهشی در فرهنگ حیا***، قم، دارالحدیث.

• جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۴ق)، ***الصحاح اللغه***، بیروت، دارالعلم للملایین.

• حسـن زاده، سـید مهدی، مرتضوی، سـیدمحمد (۱۳۹۵) «معناشناسـی فـؤاد در قرآن کریـم»، ***پژوهش‌های زبان شناختی قرآن***، سال پنجم، پاییز و زمستان، ش۲پ۱۰.

• حرانی، حسن ابن شعبه (۱۳۸۲)، ***تحف العقول عن آل الرسول*** علیهم‌السلام، ترجمه صادق حسن زاده، قم:آل علی علیه‌السلام.

• الحلی، حسن (۱۳۸۸ش) ***ترجمه و شرح کشف المراد***، ترجمه علی شیروانی، قم، دارالعلم، چ سوم.

• خداویسی، مسـعود، رحمتی، مرضیه، فلاحی نیا، غلامحسین و کرمی، منوچهر (۱۳۹۴)، «بررسی تأثیر آموزش به‌کارکیـری الگـوی خودمراقبتـی اورم بـر ابعـاد روانـی کیفیت زندگـی بیماران مبتلا بـه مولتیپل اسـکلروزیس»، ***مجله علمی دانشکده پرستاری و مامایی همدان***، دوره۲۳، شماره۲، تابستان ۱۳۹۴، ص ۴۲.۵۱.

• راغـب اصفهانـی، حسـین بـن محمـد (۱۴۱۲ق)، ***مفردات الفـاظ القـرآن***، صفـوان عدنـان داوودی- بیروت دمشق: دارالقلم، الدر الشامیه.

• رفیعی هنر، حمید (۱۳۹۲)، «اسلام، اخلاق و خود مهارگری روان‌شناختی»، ***فصلنامه تخصصی اخلاق وحیانی***، سال اول، شماره سوم، بهار ۱۳۹۲.

• ---------- (۱۳۹۵)، ***روان‌شناسی مهار خویشتن با نگرش اسلامی***، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی ﷺ.

• زریاب خوئی، عباس؛ رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم؛ مشایخ فریدونی، محمدحسین و دیگران (۱۳۶۱)، ***دائرةالمعارف تشیع***، تهران، حکمت.

• شجاعی، محمدصادق (۱۳۹۷)، ***درآمدی بر روان‌شناسی تنظیم رفتار***، قم، نشر مؤسسه فرهنگی دارالحدیث.

• شریعتی، غلام‌محمد و کاظمی، معصومه (۱۳۹۵)، «بررسی میدان معنایی اطاعت در نظام توحیدی قرآن»، ***مجله قرآن شناخت***، سال نهم، بهار و تابستان، شماره۱(پیاپی۱۶).

• صفوی، کورش (۱۳۹۱)، ***نوشته‌های پراکنده (برگردان‌هایی در باب زبان‌شناسی)*** تهران: نشر علمی.

• ---------- (۱۳۸۴)، ***فرهنگ توصیفی معناشناسی***، تهران: فرهنگ معاصر.

• صفورایی‌پاریزی، محمدمهدی و هوشیاری، جعفر (۱۳۹۹)، کاربست روش میدان معنایی در معناشناسی واژگان روان‌شناختی قرآن: بررسی موردی میدان معنایی واژه رشد، شیراز، ***دومین کنفرانس ملی علوم انسانی و توسعه***.

• طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۲)، ***المیزان فی تفسیر القرآن***، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ پنجم.

• طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۹ق)، ***مجمع البیان فی تفسیر القرآن***، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

• طبری، محمدبن‌جریر (۱۴۰۸)، ***دلائل الامامه***، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات بیروت.

• طالقانی، سید محمود (۱۳۶۲)، ***پرتوی از قرآن***، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم.

• طوسی، محمد بن الحسن (بی‌تا)، ***التبیان فی تفسیر القرآن***، تحقیق احمد قیصر عاملی، بیروت، داراحیاء التراث العربی.

• طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵)، ***مجمع البحرین***، تحقیق سید احمد حسین، چ۳، تهران، کتابفروشی مرتضوی.

• فخررازی، محم بن عمر (۱۳۶۴)، ***شرح اسماءالله الحسنی للرازی، و هوالکتاب المسمی لوامع البینات شرح اسماءالله تعالی و الصفات***، تهران، چاپ افست.

• فراهیدی، الخلیل احمد (۱۴۰۹)، ***کتاب العین***، نشر اسوه، ۱۴۳.

• قائمی نیا، علیرضا؛ قهرمانی نژادشایق، بهاءالدین و علی‌مرادی، زهرا (۱۳۹۵)، معناشناسی واژه «انسان» در قرآن کریم با توجه به شبکه معنایی «افعال انسان نسبت به خداوند»، ***نخستین همایش ملی واژه پژوهی در علوم اسلامی***، یاسوج.

• قائمی نیا، علیرضا، نصرتی، شعبان و خسروی برنا، طاهره (۱۳۹۴)، ***تحلیل میدان معنایی نور در قرآن کریم***، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قرآن وحدیث.

• قائمی نیا، علیرضا، نصرتی، شعبان و شیرافکن، محمد حسین (۱۳۹۴)، ***تحلیل میدان معنایی تقوا در قرآن کریم***، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم حدیث.

• قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱)، ***قاموس قرآن***، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ ششم.

• قمی، شیخ عباس (۱۳۸۸)، ***مفاتیح الجنان***، ترجمه حسن انصاریان، قم، دارالعرفان.

• کلینی، محمد، (۱۳۸۵)، ***اصول کافی***، ترجمه حسن زاده، قم، قائم آل محمد.

• لطفی، مهدی، میرسعیدی، سمانه (۱۳۹۴)، «معناشناسی واژه کتاب در قرآن بر پایه روابط همنشینی»، ***دانشگاه تهران***، ش۲.

• مجلسی، محمد باقر (۱۴۱۰)، ***بحارالانوار***، بیروت، مؤسسه الطبع و النشر، چاپ اول.

• مفید، محمد بن محمد (۱۳۸۸)، ***الاختصاص***، ترجمه حسین صابری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

• محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۴)، ***میزان‌الحکمة***، قم، دارالحدیث.

• مصطفوی، حسن، (۱۴۰۲ق)، ***التحقیق فی کلمات القرآن الکریم***، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.

• مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۸)، ***اخلاق در قرآن*** ۱، تحقیق و نگارش محمد حسین اسکندری، چ۲، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی﵀.

• مطیعی، محمد حسین، شیرازی، حمیدرضا (۱۳۹۶)، «جایگاه مراقبه در اخلاق عقلی»، ***نشر پژوهش‌های اخلاقی***، سال هفتم تابستان ۱۳۹۶، شماره ۴.

• مطهری، مرتضی (۱۳۶۸)، ***ده گفتار***، قم، انتشارات صدرا.

• نورعلیزاده میانجی؛ بشیری، ابوالقاسم و جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۹۱)، «رابطه خداآگاهی با خودآگاهی»، ***روان‌شناسی و دین***، سال پنجم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۱، ص ۵-۲۴.

• Boer.M.E.& cavigling, M L, Monteverdi,R , Braido V, m. Zorzella, L. M (2005). Spirituality of health workers: A descriptive study. ***Internatinal Journal of Nursing studies***, 42,915 -92

• Coster, J. S., & Schwebel, M. (1997). Well-functioning in professional psychologists. ***Professional Psychology: Research and Practice***, 28, 3.

• Masror Roudsari, D., Badizadeh, S. & Janani, L., 2017. The Effect of Self-Care Education Program on Anthropometric Indicators in Postmenopausal Women With Metabolic Syndrome. ***Journal of Client-Centered Nursing Care***, 3(3), pp. 179-188

• Muraven, M. and E. Slessareva, Mechanism of self- control Failure: Motivation and Limited Reosources, ***personality and social psychology Bulletin***, v29,n.7(abstract), (2003).

• Richards. Kelly C. C. Estelle Campenni. Janet L. Muse-Burke. (2010). Self-care and Well-being in Mental Health. Professionals: The Mediating Effects of. Self-awareness and Mindfulness. ***Joumal ofMentat Heatth Counseling***. Volume 32/Number 3/July 2010/Pages 247-264

• Wong, Y. J., Rew, L., & Slaikeu, K. D. (2006). A systematic review of recent research on adolescent religiosity/spirituality and mental health. ***Issues in Mental Health Nursing***, 27, 161-183

• Kirk Warren Brown and Richard M. Ryan(2003), ***The Benefits of Being Present: Mindfulness and Its Role in Psychological***

• Well-Being, ***Journal of Personality and Social Psychology***, p: 822.

• Nima Ghorbani,(2005) & etal, Philosophy, self-knowledge, and personality in Iranian teachers & students of philosophy, ***The journal of psychology***, p: 81.

اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی
سال هشتم، شماره اول، پیاپی ۱۷، بهار و تابستان ۱۴۰۱ (ص ۷۳-۹۷)

مشکلات رفتاری همسران، سنجش رفتار و مراحل درمانگری

Behavioral Problems of Couples: Measurement of Behavior and Steps of Therapy

✍ **محمد دولت‌خواه** / استادیار گروه روان‌شناسی و عضو هیات علمی موسسه آموزشی وپژوهشی امام خمینی ﷺ، قم، ایران.

Mohamad Dolatkhah / Assistant Professor of the Department of Psychology and member of the academic staff of Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran. dolatkhah110@gmail.com

چکیده

یکی از ابعاد روابط همسران بعد رفتار می‌باشد. پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش عنصر رفتار در روابط همسران نگاهی آسیب‌شناسانه به این مقوله مهم در عرصه خانواده داشته و با روش توصیفی - تحلیلی منابع اسلامی و متون روان‌شناسی را مورد تحلیل روان‌شناختی قرار داده است. به‌منظور حل و درمان مشکل رفتاری همسران طی فرایندی سه مرحله‌ای، ابتدا به آسیب‌شناسی عنصر رفتار پرداخته، سپس از زاویه نگاه درمانگر و به هدف تهیه برنامه (پروتکل) درمان به سنجش رفتار اقدام نموده است. در مرحله پایانی، برنامه درمانی سه مرحله‌ای مورد نظر ارائه شده است. نتایج حاکی از آن است که رفتارهای منفی همسران چالش مهمی فرا روی آنها بوده و در پدیدآیی روابط آسیب زا بین همسران و به تبع، تضعیف ارکان خانواده و استحکام آن دخالت جدی دارد. یافته‌ها نشان داد که برای درمان مشکلات رفتاری زوج‌ها می‌توان برنامه درمانگری سه

Abstract

One of the aspects of couples' relationships is the behavioral one. In order to explain the role of behavior in couples' relationships, the present study has examined this important category pathologically, in the family and analyzed Islamic sources and psychological texts through a descriptive-analytical method. To solve the couples' behavioral problems through a three-step process, we firstly studied the pathology of the behavior, and then measured the behavior from the therapist's viewpoint in order to prepare the treatment program (protocol). In the final step, the required three-stage treatment program has been presented. The results showed that the couples' negative behavior was an important challenge for them and was seriously involved in developing traumatic relationships between couples and then in weakening family pillars and its strength. The findings showed that a three-step therapy program could be used to treat couples' behavioral

مرحله‌ای را به‌کار برد؛ ابتدا تهیه چک‌لیست آسیب‌های رفتاری زوجین، دوم تعیین اهداف درمانگری و سوم مداخله‌های درمانی.
کلیدواژه‌ها: آسیب‌شناسی، سنجش، روابط همسران، مداخلهٔ درمانی.

problems: (1) a checklist of the couples' behavioral problems, (2) the therapy goals, and (3) treatment interventions.
Keywords: pathology, measurement, couples' relationships, therapeutic intervention.

مقدمه

در گستره روابط اجتماعی، برخی پیوندهای اجتماعی از اهمیت بیشتری برخوردارند. یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین روابط اجتماعی، رابطه همسران است. این رابطه دارای ابعاد زیستی، رفتاری، شناختی، هیجانی، روانی، اقتصادی، اجتماعی و معنوی است.

تاریخچه رویکردها به مسئله روابط زوجین و سنجش خانواده نشان می‌دهد که این رویکردها از نگاه یک بعدی شروع و به نگرش‌های متنوع چند بعدی ادامه پیدا کرده است. در رویکرد چند بعدی به‌عنوان‌مثال می‌توان به نظریه دو بعدی فرایند بین‌فردی و بافتی (اجتماعی، فرهنگی) (برادبری و فینچام[1]، ۱۹۹۰) یا سه بعدی هم‌بستگی، انطباق‌پذیری و ارتباط (اولسون[2]، ۲۰۰۰)؛ شش بعدی حل مشکل، ارتباط، نقش‌ها، واکنش عاطفی، ابراز عاطفی و کنترل رفتار، معروف به الگوی کارکرد خانواده مک‌مستر[3] (میلر[4] و همکاران، ۲۰۰۰)؛ هفت بعدی فرایند خانواده[5]، انجام وظیفه، ایفای نقش، ارتباط، ابراز عاطفی، درگیر بودن، کنترل ارزش‌ها و هنجارها (اسکینر[6]، ۲۰۰۰) (به‌نقل پورمحسنی، ۱۳۸۹) و در نهایت به ده مؤلفه‌ای فنل[7] (۱۹۹۳) یعنی متعهد بودن به ازدواج، وفاداری به همسر، ارزش‌های اخلاقی، احترام به همسر، انجام وظیفه جنسی، والدین خوب بودن، اعتقاد به خدا و باورهای مذهبی، حمایت از همسر، همراهی با همسر و بخشش خطاهای همسر اشاره کرد.

1. Fincham, F. D.
2. Olson, D.
3. Mc Master model of family functiong.
4. Miller, I.
5. the family process model.
6. Skinner, H.
7. Fenel ,D.l.

دین اسلام برنامه‌ای جامع برای سبک زندگی انسان ارائه می‌دهد لذا در نگاه به موضوع خانواده و روابط زوجین نیز دیدگاهی چند بعدی داشته و به همه ابعاد روابط همسران توجهی دقیق نموده است. با بررسی تفصیلی منابع اسلامی به دست می‌آید که اسلام نه‌تنها به‌شکلی منسجم به وجوه و ابعاد روابط همسران نظر انداخته بلکه دیدگاهی متعالی و حیات‌بخش در این مورد دارد، لذا نه‌تنها به عناصر روزمره و دنیوی روابط همسران پرداخته بلکه با نگاهی توحیدی و الهی[۱] زندگی این دنیا را به زندگی آخرت پیوند زده است[۲]. در بررسی متون اسلامی به‌دست می‌آید که ابعاد زیادی قابل استخراج است مانند: رفتار، عاطفه، تصورات، شناخت‌ها، روابط بین‌فردی، حقوق، سلامت، معنویت و مدیریت زندگی. پژوهش پیش رو تنها به بُعد رفتار پرداخته است. همچنین از آنجا که جنبه منفی رفتارها و پیامدهای آسیب‌زای آن در روابط همسران بیشتر نمایان است، به آسیب‌شناسی رفتار پرداخته شده است. تحقیقات پیشین نشان می‌دهد که به موضوع رفتار در خانواده و آسیب‌شناسی آن و درمان مشکلات رفتاری به‌شکلی متمرکز و خاص توجه نشده است.

پژوهش حاضر به هدف کشف مشکلات همسران در بُعد رفتار و سنجش آن و فرایند درمان، پاسخگوی این سوالات است که: منابع اسلامی و متون روان‌شناسی به کدام‌یک از عوامل یا مؤلفه‌های مشکلات رفتاری همسران توجه نموده‌اند؟ و برای رفع مشکل چه راهکارها و فنون درمانگری پیشنهاد داده‌اند؟

روش پژوهش

با توجه به اینکه در پژوهش حاضر علاوه بر استفاده از مفاهیم روان‌شناسی به داده‌های منابع اسلامی در موضوع دانش خانواده نیز استناد شده است لذا در روش پژوهش باید گفت: در استفاده از منابع دینی و به‌منظور بررسی محتوایی و تجزیه و تحلیل مباحث خانواده در قرآن و روایات از روش توصیفی ـ تحلیلی استفاده شده است. بدین منظور در گام نخست به بررسی و استخراج مفاهیم و اصطلاحات مربوط به دانش خانواده در

---

۱. خَلِيفَةُ اَلرَّبِّ جَلَّ ذِكْرُهُ اَلرَّجُلُ عَلَى اَلْمَرْأَةِ فَإِنْ رَضِيَ عَنْهَا رَضِيَ اَللَّهُ عَنْهَا (مستدرک‌الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۳۸)، عن النبی ﷺ فإنَّ اللهَ إذا أرادَ بأهلِ بَيتٍ خَيرًا، أدخَلَ عليهم الرِّفْقَ (نهج الفصاحه ص۱۸۲) و عن النبی ﷺ جُلُوسُ المَرءِ عِندَ عِيالِهِ أحَبُّ إلَى اللهِ مِن اعْتِكافٍ في مَسجِدي هذا... (مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۱۹).

۲. نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَ قَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ... (بقره/۲۲۳)، ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَ أَزْواجُكُمْ تُحْبَرُونَ (زخرف/۷۰)، احْشُرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَ أَزْواجَهُمْ (صافات/۲۲).

حوزه‌های مختلف روان‌شناسی به خصوص روان‌شناسی اجتماعی، روان‌شناسی خانواده و خانواده درمانی پرداخته می‌شود. در گام دوم به‌منظور معادل‌یابی مفاهیم روان‌شناختی در آیات و روایات، کلیه تعابیر و مفاهیم متناظر با مفاهیم روان‌شناسی خانواده شناسایی و معرفی می‌شوند. در این پژوهش کلیه آیات قرآن کریم و منابع معتبر روایی جامعه مفهومی پژوهش به‌حساب می‌آیند. در گام سوم به‌منظور دست‌یابی به روایی معنادار محتوایی داده‌های دینی اولا از منابع روایی دارای اعتبار بالا همچون کتب اربعه مکتب شیعه و ثانیا از آثار نظریه‌پردازان و اسلام‌شناسانی که گفتار و برداشت‌های آنان از متون اصیل و دست‌اول دینی از ضریب اطمینان و اعتبار بالایی برخوردار است، استفاده می‌شود. اما در خصوص استفاده از منابع روان‌شناسی غالبا به منابع دست‌اول و نظریه‌های معتبر علمی استناد خواهد شد.

یافته‌های تحقیق

الف. آسیب‌شناسی رفتار

رفتار، اصطلاحی کلی و عنوانی برای کنش‌ها، فعالیت‌ها، بازتاب‌ها، حرکت‌ها، فرایندها، و به‌طور خلاصه هر واکنش قابل سنجش ارگانیزم است. رفتار معمولاً به عملکرد فرد به‌عنوان یک واحد اطلاق می‌گردد. (رحیمیان و همکاران، ۱۳۸۷).

رفتارها در محیط زندگی وروابط همسران دو قسم است؛ رفتارهای مثبت و دوم رفتارهای منفی. از شکایت‌های معمول زوجین می‌توان منفی بودن رفتارهای روزمره آنان را نام برد (هالفورد و مارکمن[1]، ۱۹۹۷)، به‌ویژه زوجین آشفته نسبت به زوجین خوشبخت بیشتر رفتارهای منفی همسرشان را نسبت به رفتارهای مثبت او مطرح می‌کنند (هالفورد و ساندرز[2]، ۱۹۸۸). مهم آن است که چنین رفتارهایی در چرخه زندگی، رفتارهای مقابله‌به‌مثلی را توسط همسر به‌دنبال خواهد داشت که معمولاً آن نیز رفتاری منفی است. ویس[3] (۱۹۸۴) مطرح کرد که مبادله رفتارها در درون یک رابطه، قابل مقایسه با حساب بانکی است. رفتارهای مثبت باعث افزایش اعتبار حساب می‌شوند، درحالی‌که رفتارهای منفی اعتبار حساب را کاهش می‌دهند. زوجین راضی حتی اگر به رفتارهای منفی دیگری برخورد کنند، مایلند حالت منفی

1. Markman, H. G.
2. Sanders, M. R.
3. Weiss, R. L.

بودن را نادیده گرفته یا به آن پاسخ ندهند. در مقابل در زوجین ناراضی و آشفته، رفتارهای منفیِ متقابل، به‌صورت تصاعدی و چرخشی تداوم می‌یابند.

نرخ بالای رفتارهای منفی، موجب استرس و پریشانی می‌شود. سهیم شدن در فعالیت‌های مثبت و لذت‌بخش متقابل نیز تجربه صمیمیت را افزایش می‌دهد. داشتن فعالیت‌های لذت‌بخش متقابل که تازگی داشته باشد احساس صمیمیت زوجین را افزایش می‌دهد (براتلاوسکی،[1] ۱۹۹۹ به‌نقل هالفورد، ۱۳۸۷). رفتارهای مثبت و پاداش‌دهنده موجب ارزیابی‌های مثبت فرد از زندگی می‌شود. درحالی‌که رفتارهای منفی و تنبیه کننده به آن آسیب می‌رساند (مارکمن[2]، ۱۹۸۱).

افزایش رفتارهای منفی یا میزان کم‌رفتارها و فعالیت‌های مثبت باعث فروپاشی رابطه می‌شود. رفتارهای متقابل و مشترک مثبت، عاطفه مثبت تولید می‌کند و باعث افزایش فعالیت‌های صمیمانه جدید بین همسران می‌شود. همچنین میزان کم فعالیت مثبت در افراد آسیب‌پذیر باعث احساس کسالت و افسردگی می‌شود (هالفورد، ۱۳۸۷).

منشأ آسیب‌های رفتاری

در مسئله آسیب‌شناسی رفتار توجه به سه محور اساسی برای همسران و همچنین زوج درمانگران لازم است، چرا که آسیب‌هایی که به نظام خانواده وارد می‌آید معمولاً از این سه ناحیه است (جاکوبسن و گورمن، ۱۹۹۵)؛ تفاوت‌های مردان و زنان و تفاوت‌های دو همسر فعلی، نقش‌های جنسیتی و وظایف و حقوق متقابل.

۱- تفاوت‌ها

دسته‌ای از تفاوت‌ها «تفاوتهای جنسی طبیعی» است. این تفاوت شامل تفاوت‌های ژنیتکی، تفاوت‌های هورمونی، تفاوت در ویژگی‌های جنسی (اولیه و ثانویه) و تفاوت در رشد جنسی می‌باشد. این دسته از محل بحث این نوشتار خارج است. دسته دوم تفاوت‌های روان‌شناختی می‌باشند که از آنها به تفاوت‌های شخصیتی طبیعی یاد می‌شود. این تفاوت‌ها حوزه وسیعی از شخصیت انسان را شامل می‌شود. تفاوت در توانایی‌های ادراکی احساسی و عاطفی و سطح بهره هوشی، تفاوت در مهارت‌های کلامی، تفاوت در علایق و تمایلات و ... از این قبیل می‌باشند (بستان، ۱۳۸۳). عواطف، افکار یا رفتار هر انسانی بیانگر ویژگی‌های

1. Bratlavsky.

2. Markman.H.j.

شخصیتی وی می‌باشند (کریستنسن[1]، و همکاران، ۱۹۹۵؛ جانسون[2] و گرینبرگ[3]، ۱۹۸۵).

برای نمونه توانایی و استعداد کلامی در زنان، قدرت تعقل و استعداد ریاضی بیشتر در مردان، درک بهتر مردان در استعدادهای بصری و فضایی، قدرت بیشتر زنان در احساسات و عواطف، پرخاشگری فیزیکی و کلامی بیشتر در مردان و برتری کیفی میل جنسی در زن، برتری کمّی میل جنسی در مرد، از اموری است که تقریبا مورد پذیرش همگان قرار گرفته است (بستان، ۱۳۸۸).

اما آنچه مدار بحث است و نمی‌توان آن را در آسیب‌شناسی روابط همسران نادیده گرفت آن است که تفاوت‌های شخصیتی[4] طبیعی زوجین الزاماً به تفاوت زیادی در رضامندی از رابطه منجر نمی‌شود (کارنی و برادبری، ۱۹۹۵ به‌نقل هالفورد، ۱۳۸۷)، آنچه که در قدم اول بر سازگاری و رضامندی اثر می‌گذارد شناخت یا عدم شناخت و درک این تفاوت‌ها و در قدم دوم ناتوانی در استفاده از آنها در متن زندگی و رابطه بین‌فردی است. به گفته استاب[5] (به‌نقل هاروی، ۱۳۸۸)، نه‌تنها تفاوت‌های شخصیتی مهم است بلکه چگونگی برخورد با این تفاوت‌ها نیز حائز اهمیت است. یافته‌های پورمحسنی (۱۳۸۹) نشان داد که عدم شناخت زوجین نسبت به تفاوت‌های جنسیتی می‌تواند موجب بروز ناسازگاری رفتاری میان زوجین گردد.

دسته سوم از تفاوت‌ها، تفاوت زن و شوهر در سلایق، ذوق‌ها، آداب و رسوم است که از آن به تفاوت‌های شخصی یاد می‌شود و بیشتر ناشی از عامل فرهنگ و محیط (تربیتی و زیستی) می‌باشد. بخش مهمی از این عوامل مربوط به پیشینه خانوادگی است که همسران با خود به زندگی جدید و رابطه جدید می‌آورند. تجارب فردی که زوجین از خانواده قبلی خود یاد گرفته‌اند به‌عنوان یک عامل، با مشکلات رفتاری و ارتباطی هم‌بستگی دارد (گلن و کرامر[6]، ۱۹۸۷، به‌نقل از هالفورد، ۱۳۸۷). مثلاً پرخاشگری بین والدین زوج منجر به افزایش روابط پرخاشگرانه فرد ـ به‌عنوان عضوی از خانواده جدید ـ می‌شود (ویزدام[7]، ۱۹۸۹). انتظارات منفی و مشکلات تعاملی معمولاً از طریق مشاهدهٔ تعامل والدین کسب می‌شوند.

1. Christensen.A.N.
2. Johnson,s.M.
3. Greenberg,L.s.
4. Personality differences
5. Stabb, S. D.
6. krammer.
7. Wisdom, C. S.

این دسته از تفاوت‌ها نیز می‌تواند نقش بسزایی در رفتار همسران ایفا نماید، در نتیجه شناخت این تفاوت‌ها و چاره‌جویی برای برون‌رفت از تقابل منفی رفتارها نیز می‌تواند به زن و شوهر در استحکام بنیان خانواده و پیشگیری از اختلاف و ناسازگاری کمک کند.

۲- نقش‌های جنسیتی[1]

یکی از خاستگاه‌های اثرگذار در روابط همسران، ساختار و جایگاه نقش هر یک از زوجین در رابطه درون‌خانوادگی است. جنسیت که عامل تعیین‌کنندهٔ ایفای نقش است، رابطهٔ مستقیمی نیز با نوع رفتار دارد. ایفای نقش[2]، به انجام وظایف اصلی و اختصاصی هرکدام از زوجین اشاره دارد که برای تداوم زندگی زناشویی لازم است.

در یک تقسیم‌بندی می‌توان نقش‌های جنسیتی را به دو دسته نقش‌های جنسیتی عام و کلان و نقش‌های جنسیتی خاص و خُرد تقسیم نمود. این دو دسته ناشی از این است که مرد و زن هرکدام در جایگاه خود و به‌عنوان تفاوت در جنس و خصوصیت جنسیتی به‌طور ذاتی و فطری، نقش یا نقش‌هایی برای آنها آفریده شده است[3]، به‌همین لحاظ گفته می‌شود که نقش‌ها مترتب بر تفاوت‌ها و مولود آنها هستند. مرد بر حسب توانایی‌ها و استعدادهای ویژه‌ای که به او اعطا شده است ذاتا نقشی متناسب با آنها ایفا می‌نماید مثلاً اینکه مرد در تعقل، ادراک و کل‌نگری بر زن برتری دارد و یا اینکه در توانایی جسمی از زن برتر است، لذا انتظار می‌رود نقش کلان مدیریت زندگی عملاً بر دوش او بیفتد، یعنی درواقع او مسئولیت استحکام‌بخشی و تنظیم روابط بین اجزا خانواده را عهده‌دار شود. این استحکام‌بخشی و تنظیم‌کنندگی روابط که در شکل مدیریت زندگی متجلی است نقش کلان و محوری جنس مرد است که به نوبه خود متفرع و مترتب بر تفاوت‌های به‌کار رفته در ساختار وجودی اوست.

زن نیز به‌خاطر وجود برخی برتری‌ها و امتیازات وجودی‌اش نسبت به مرد مثل برتری در عواطف و برتری در برخی از ویژگی‌های روانی مانند صبر، تحمل و آرامشی که در او به ودیعه نهاده شده است عملاً مسئولیت کلان آرامش‌بخشی به زندگی به او سپرده شده است[4]. نقش‌های جنسیتی می‌توانند در ارتباط زوجین، تعارض ایجاد کنند، و این انتظار بیهوده‌ای نیست (هالفورد، ۱۳۸۷).

---

1. sexual roles.

2. role playing.

۳. الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ (نساء/۳۴).

۴. وَ جَعَلَ مِنْها زَوْجَها لِيَسْكُنَ إِلَيْها (اعراف/۱۸۹).

۳- وظایف و حقوق

تکالیف و حقوق نیز در مرتبه خود برآمده از نقش‌ها می‌باشند چراکه نقش به‌طور ماهوی حامل وظایف و کارکردهایی متناسب با خود است. چنانچه از نقش، رفتارهایی بر خلاف ماهیت آن صادر شود موضوع تعارض نقش‌ها یا جابجایی نقش‌ها پیش می‌آید و به‌طور عملی نقش به‌جای کارکرد مثبتش، ماهیت آسیب‌زایی به خود می‌گیرد.

تفاوت در وظایف و کارهای مردان و زنان می‌تواند بازتابی از تمایل آنان به هویت و نقش مردانه یا زنانه باشد. مردان خواهان دست زدن به رفتارهایی هستند که از راه آنها نقش مردانه خود را به نمایش بگذارند. زنان نیز با نشان دادن فعالیت‌هایی خاص مانند نشان دادن عشق مادری و تمایل به فرزندپروری می‌خواهند نقش زنانه خود را به رخ بکشند. بنابراین مردان و زنان در همه جوامع با به‌دست گرفتن بعضی از فعالیت‌های اختصاصی خود و منع طرف دیگر از آن، گویا درصدد نشان دادن نقش ویژه خود و تثبیت آن هستند (کامی‌یر[1] و همکاران، ۱۹۸۹).

این نوع ایفای نقش عملاً منجر به رفتارهایی خاص از ناحیه مردان و زنان و در نهایت به تقسیم رفتارهای جنسیتی در فضای خانواده می‌شود، «تقسیم کاری که در ضمن آن زنان به مادری و پرورش فرزند و اداره خانه می‌پردازند و مردان بیشتر انرژی خود را صرف کار بیرون از خانه می‌کنند و حتی از پدری کردن فاصله می‌گیرند» (چودارو[2]، ۱۹۹۷، به‌نقل از بستان، ۱۳۸۸)

در مسئله آسیب‌شناسی خانواده انواع آسیب‌های رفتاری می‌توانند از یکی از این سه امر یا از هر سه مورد نشأت گیرند. یعنی برخی از ناسازگاری‌ها و رفتارهای مخرب و منفی می‌تواند از عدم شناخت تفاوت‌های مردان و زنان، برخی دیگر از عدم ایفای نقش (تعارض نقش‌ها و یا جابجایی نقش‌ها) و سوم از عدم اجرای وظایف یا اجرای ناقص و غیر صحیح آنها ناشی شود.

نگرش اسلام به بُعد رفتار:

اسلام با نگاه جامعی که به کانون خانواده دارد نخست آن را کانونی الهی و آسمانی تلقی کرده[3] و دوم آن را محبوب‌ترین بنیان‌ها نزد خداوند[4] معرفی نموده است. چنین نگاهی

1. Kammeyer, k.c.

2. Chodorow, N.

۳. وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا (روم/۲۱).

۴. ما بُنِيَ فِي الإسلامِ بِناءٌ أَحَبَّ إِلى اللهِ مِنَ التَّزويجِ (بحار الأنوار (ط - بيروت) ؛ ج۱۰۰ ؛ ص۲۲۲).

اقتضا می‌کند که برای حفظ و تداوم این کانون، در همه ابعاد توصیه‌ها و دستورالعمل‌هایی را ارائه کرده باشد. با نگاهی اجمالی به معارف اسلامی خانواده به این نکته پی خواهیم برد که اسلام حقیقتاً توجه کاملی به نظام خانواده دارد و حفظ آن و دوری از آسیب‌رسانی به آن را بسیار مطلوب بلکه ضروری دانسته است. نگاه ابعادی و همه‌جانبه اسلام به مسئله خانواده در تمام ابعاد و محورهای زندگی کاملاً مشهود است، که بعد از این روشن خواهد شد. اسلام در بعد رفتار زوجین توصیه‌های فراوان و کارسازی نسبت به رفتارهای (مثبت و منفی) زوجین ارائه کرده است. به‌طور مسلم عملی ساختن این توصیه‌ها و رعایت آنها هم در ارتقاء و استحکام بنیان خانواده نقش دارد و هم در پیشگیری از تضعیف آن و در نهایت چنانچه خانواده‌ای دچار تزلزل، و روابط زوجین دچار اختلال شده باشد در درمان آن سهم بسزایی دارد.

اسلام در ترسیم و پایه‌گذاری نظام خانواده مورد نظر خود، پاره‌ای از تمایزهای جنسیتی و به‌تبع آن تفاوت در نقش‌های زن و مرد را اغلب به‌عنوان اولویت و گاهی به‌عنوان الزام مقرر کرده است (بستان، ۱۳۸۸). در پایه‌ریزی این نظام عامل عدالت، مصلحت و سعادت موردنظر بنیان‌گذار آن بوده است. این عوامل سه‌گانه باعث می‌شود تشابه‌ها و تفاوت‌هایی برای زن و مرد در نظر گرفته شود. البته اسلام بر هر گونه تشابه یا تفاوت صحه نگذاشته است چرا که تشابه‌ها و تفاوت‌هایی وجود دارندکه موجب دافعه یا عامل پیوند واقعی و کارکردی زن و مرد می‌شوند، چه‌بسا تشابه‌هایی که دافعه ایجاد می‌کنند و چه زیاد تفاوت‌هایی که جاذبه ایجاد می‌کنند. بنابراین الگوی طراحی شده نظام اسلامی خانواده ضمن آن‌که تحت‌تأثیر تفاوت‌های جنسی طبیعی، شخصیتی وتفاوت‌های محیطی و اجتماعی قرار دارد به‌وسیله اهداف نهایی اسلام که مرتبط با سعادت دنیوی و اخروی اعضای خانواده است نیز جرح و تعدیل می‌شود. یعنی آنجا که مساوات و تشابه با مصالح عام مطلوب اسلام ناسازگار بوده، مورد تأیید قرار نگرفته است، برای مثال شبیه‌سازی زنان به مردان و بالعکس، که شبیه شدن در نوع پوشش و نمود ظاهری در انظار عمومی است، در روایات اسلامی به شدت مورد نکوهش قرار گرفته است.[۱] منشأ این امر تا حدودی می‌تواند ملاحظه این نکته باشد که این‌گونه مشابهت‌ها ضمن ناسازگاری با مقتضیات تفاوت‌های سه‌گانه، به بالندگی دینی و حیات معنوی جامعه آسیب جدی وارد می‌سازند (بستان، ۱۳۸۳).

---

۱. لعَنَ اَللَّهُ اَلْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ اَلرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ وَ اَلْمُتَشَبِّهَاتِ مِنَ اَلنِّسَاءِ بِالرِّجَالِ. (بحار، ج ۱۰۰، ص ۲۵۶).

اسلام در نگاه کلانش به مسئله رفتار دیدگاهی مخصوص به خود دارد و رفتار را به دو قسم پسندیده (عمل صالح) و ناپسند(غیر صالح) نام‌گذاری کرده است[۱]. عمل صالح به عملی اطلاق می‌گردد که اولاً مطابق دستورالعمل دین و شرع مقدس باشد و ثانیاً از انگیزه الهی (نیت) برخوردار باشد. خالص کردن نیت، تمرین حضور نیت در عمل و نیز حضور کامل ذهنی و روانی در عملی که انسان در حال انجام آن است رفتار خنثی را به عمل صالح تبدیل می‌کند. بنابراین، تمرین اینکه «یا کاری را انجام ندهیم یا اگر می‌خواهیم انجام دهیم دارای نیتی مشخص و با انگیزه کامل و بدون نقص انجام دهیم» در این زمینه مهم است.

رفتارهای ناپسند و منفی در فضای خانواده از دیدگاه اسلام می‌تواند شامل این امور شود : رفتارهای بهداشتی منفی (سر و وضع کثیف، به‌هم‌ریختگی در پوشش، ژولیدگی موها و ...)[۲]، افشای اسرار[۳]، خیانت در امانت[۴]، به‌هم‌ریختگی و بی‌نظمی[۵]، به‌موقع انجام ندادن کار[۶]، تعارض عمل با نقش جنسیتی[۷]، رفتارهای حاکی از تجمل و تفاخر و حرص‌گونه[۸]، بی‌وفایی[۹]

---

۱. مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ... (غافر/۴۰)، ... إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ (هود/۴۶).

۲. قال رسول الله ﷺ لأحد أزوَاجِه: مَالِي أراكِ شَعثَاء (ژولیده مو) مَرهَاء (چشم‌هاي بي‌سرمه) صَلتَاء (موي بدون رنگ) (بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج۶۷، ص: ۱۲۲)، عنه ﷺ: إني لأبغضُ مِن النِساء الصَلتَاء وَ المَرهَاء (فَالصَلتَاء التي لا تَختَضِب وَالمَرهَاء التي لا تَكتَحِل) (بحارالأنوار، ج۱۰۰، ص۲۶۲، ح۲۴).

۳. عن الصادق ؈: ... وَ قَدْ هَمَمْتُ أَنْ أَتَزَوَّجَ فَقَالَ لِيَ انْظُرْ إِلى ... مَنْ تُطْلِعُهُ عَلَى دِينِكَ وَ سِرِّكَ (كافي، ج۵، ص۳۲۳، ح۳).

۴. ...فَالصَّالِحاتُ ... حافِظاتٌ لِلْغَيْبِ بِما حَفِظَ اللَّهُ... (نساء/۳۴).

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِذَا أَرَدْتُ أَنْ أَجْمَعَ لِلْمُسْلِمِ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ جَعَلْتُ لَهُ ... زَوْجَةً مُؤْمِنَةً ... وَ تَحْفَظُهُ إِذَا غَابَ عَنْهَا فِي نفسها و مَالِهِ (كافي، ج۵، ص۳۲۷، ح۲).

۵. قال الصادق ؈: ... فإن الله عزوجل إذا أنعَمَ عَلى عَبدٍ نِعمَةً أحَبَّ أن يَرى عَليهِ أثَرها قيل وَ كَيفَ ذَلِكَ قالَ يَنظِفُ ثَوبَه وَ يَطيبُ ريحَهُ وَ يَحسِنُ دارَه وَ يَكنِسُ أفنيته ... (بحارالأنوار، ج۷۳، ص۱۴۱، ح۵). عن النبي ﷺ: ... أيُّما امرَأةٍ رَفَعَتْ مِن بَيتِ زَوجِها شيئا مِن مَوضِعٍ إلى مَوضِعٍ تُرِيدُ بِهِ صَلاحا إلاّ نَظَرَ الله ، إلَيها ، و مَن نَظَرَ الله ، إلَيهِ لَم يُعَذِّبْهُ ... (بحارالأنوار، ج۱۰۰، ص۲۵۱، ح۴۹).

۶. عن النبی ﷺ: لَعَنَ اللهُ المُسَوِّفَاتِ التي يَدْعُوها زَوجُها على فِراشِه فتَقُولُ سَوفَ حتى تَغْلِبَهُ عَيْناه. (نهج الفصاحه، ح ۲۲۳۷). عن النبي ﷺ: المرأه يدعوها زوجها لبعض الحاجه فلا تزال تسوفه حتى تنقضى حاجه زوجها المَرأَةُ يَدعوها زَوجُها لِبَعضِ الحاجَةِ فَلا تَزالُ تُسَوِّفُهُ حَتّى تَنقَضى حَاجَةَ زَوجُها (مكارم‌الاخلاق، ص ۲۴۹).

۷. عن أبي‌جعفر ؈: إِنَّ فَاطِمَةَ ؊ ضَمِنَتْ لِعَلِيٍّ ؈ عَمَلَ الْبَيْتِ وَ الْعَجِينَ وَ الْخُبْزَ وَ قَمَّ الْبَيْتِ... (بحارالانوار، ج ۱۴، ص۱۹۷).

۸. لا تَنكَح ... المُبَارِيَه (اي: المباهيه بغيرها)، المُفاخِرَةُ بِأَسبابِ الدُّنيا (محجة البيضاء، ج۳، ص۸۶).

۹. عَنِ النَّبِيِّ ﷺ: ...لا تَزَوَّجُوا اليهِم فَانَّ لَهُم عرقاً يَدعوهُم الى غَيرِ الوَفاء (علل‌الشرايع، ص۳۹۳).

، سهل‌انگاری در انجام عبادات[۱]، بدزبانی و بدرفتاری[۲]، رفتارهای تحقیرآمیز[۳] مانند ورود به خانه بدون سلام[۴] یا خروج بدون خداحافظی، عدم تشکر از خدمات همسر[۵]، عدم عذرخواهی از خطا[۶] یا عدم پذیرش عذر[۷]، کم صبری[۸]، کار امروز را به فردا انداختن[۹]. ، عدم رسیدگی به وضع ظاهری خود، [۱۰]. ، بر طبق نقش جنسیتی خود عمل نکردن[۱۱]. ، در سختی‌ها همسر را تنها گذاشتن[۱۲]، عدم مراقبت از پاکدامنی و عفت خود[۱۳]، فخر فروشی[۱۴]، عدم قناعت[۱۵]، مدارا و همراهی نکردن[۱۶]

---

۱. عَنِ النَّبِيِّ ﷺ: كُلُّ امْرَأَةٍ صَالِحَةٍ عَبَدَتْ رَبَّهَا وَ أَدَّتْ فَرْضَهَا.... دَخَلَتِ الْجَنَّةَ. (مستدرك الوسائل، ج۱۴، ص۲۳۸، ح۱۶۶۰۲).

۲. عن النبي ﷺ: أيّما أمرأة آذت زَوجَها بِلِسَانِها لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْهَا صَرْفا.. . (من لا يحضر، ج ۴،ص ۱۳).

عن النبي ﷺ: إنّي أتَعَجَّبُ مِمّن يَضرِبُ امرئته و هو بِالضَّربِ أولي مِنها لا تَضرَبوا نِسائَكُم ... (بحار، ج ۱۰۰، ص ۲۴۹).

۳. عن النبي ﷺ: يَا حَولاء لِلرَّجُلِ على المرأةِ... وَ أن لا تَهينه و لا تَشقيه... (مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۳۸).

۴. عن اميرالمؤمنين ؑ: إذا دَخَلَ أحَدُكُم مَنزِلَه فَليَسلِم عَلي أهلِه (بحار، ج ۱۰، ص ۸۹).

۵. عن النبي ﷺ: لا يَنظِرُ الله إلى امرأةٍ لاتشكُر لِزوجِها (كنز العمال/۳۹۶/۱۶).

۶. عن الصادق ؑ: خَيرُ نِسائِكُم التي إن غَضِبَت أو أغضَبَت قَالَت لِزَوجِهَا يَدَى فى يَدِک لا اكتَحَل بِغَمضٍ حَتى تَرضَى عَنّى (فقيه/۳/۲۴۶).

۷. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ : مِنْ شَرِّ نِسَائِكُمْ ..... وَ لَا تَقْبَلُ لَهُ عُذْراً وَ لَا تَغْفِرُ لَهُ ذَنْباً (من‌لايحضره‌الفقيه، ج۳، ص۳۹۱، ح۴۳۷۶).

۸. عن النبي ﷺ :خَيرُ نِسائِكُم التي..... وَإذا حَرُمَت صَبَرَت (الدر المنثور/۱۵۲/۱).

۹. عن اميرالمؤمنين ؑ في كتابه الي الحسن ؑ : ...أَحْكِمْ أَمْرَهُنَّ فَإِنْ رَأَيْتَ عَيْباً فَعَجِّلِ النَّكِيرَ عَلَى الصَّغِيرِ وَ الْكَبِيرِ (كافي، ج۵، ص۵۳۷، ح۹).

عن النبي ﷺ: لَعَنَ اللهُ المُسَوِّفَاتِ التي يَدْعُوها زَوجُها على فِراشِه فتَقُولُ سَوفَ حتى تَغْلِبَهُ عَيْناه (نهج الفصاحة ص۶۲۸).

۱۰. امام باقر ؑ : اَ يَجوزُ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تُعَطِّلَ نَفْسَهَا وَ لَوْ أَنْ تُعَلِّقَ فِي عُنُقِهَا خَيْطاً وَ لَا يَجُوزُ أَنْ تَرَى أَظَافِيرُهَا بَيْضَاءَ وَ لَوْ أَنْ تُمَسَحَهَا بِالْحِنَّاءِ مَسْحاً. (بحار، ۱۰۰، ص ۲۵۴، ح ۱)، عن الصادق ؑ : ... عَلَيْهَا أَنْ تَطَيَّبَ بِأَطْيَبِ طِيبِهَا وَ تَلْبَسَ أَحْسَنَ ثِيَابِهَا وَ تَزَيَّنَ بِأَحْسَنِ زِينَتِهَا... (كافي، ۵، ص ۵۰۷).

۱۱. عن أبي جعفر ؑ : قال إنّ فاطِمة ؑ ضَمِنَت لِعلي ؑ عَمَلُ البَيتِ ... وَ ضَمِنَ لَها عَلي ؑ مَا كَان خَلفَ البَابِ... (بحار، ج ۱۴، ص ۱۹۷).

۱۲. عن النبي ﷺ:... فَأَشْفِقُوا عَلَيْهِنَ وَ طَيِّبُوا قُلُوبُهنَّ حَتَّى يَقفْنَ مَعَكُم... (مستدرك الوسائل، ج۱۴، ص۲۵۳).

۱۳. عن الرِّضَا ؑ : قَالَ مَا أَفَادَ عَبْدٌ فَائِدَةً خَيْراً مِنْ زَوْجَةٍ صَالِحَةٍ ... إِذَا غَابَ عَنْهَا حَفِظَتْهُ فِي نَفْسِهَا (كافي، ج۵، ص۳۲۷، ح۳).

۱۴. لا تَنكَح ... المُباريه (اي: المباهيه بغيرها)، المُفاخِرَة بِاسبابِ الدُّنيا. (محجة البيضاء، ج۳، ص۸۶). عن رَسُولَ اللَّه ﷺ أَيُّمَا امْرَأَةٍ مَنَّتْ عَلَى زَوْجِهَا بِمَالِهَا فَتَقُولُ إِنَّمَا تَأْكُلُ أَنْتَ مِنْ مَالِي ... (مكارم الأخلاق، ص۲۰۲).

۱۵. امام صادق ؑ : أَيُّمَا امْرَأَةٍ قَالَتْ لِزَوْجِهَا مَا رَأَيْتُ مِنْكَ خَيْراً قَطُّ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهَا... (وسائل، ج۲۰، ص۱۶۲).

عن الصادق ؑ : ... وَ هُنّ ثَلاث ... وَ امرأة صخّابة ... تَستَقِل الكَثير وَ لا تَقبَل اليَسير (كافى ۳۲۳/۵).

۱۶. عن النبي ﷺ: ...الطف بِزَوجَتِک وَ ارفِق بِها... (بحار، ج۴۳، ص۱۳۲).

عن اميرالمؤمنين ؑ : ...فَدارِها عَلي كُلِّ حال... (من لا يحضر ج۳، ص۵۵۶).

ب. سنجش رفتار

بعد از آسیب‌شناسی رفتار لازم است به بستر و موقعیتی که در آن رفتار شکل می‌گیرد توجه کرد چرا که فضای عمومی رابطه در برانگیختن رفتار سهم دارد، همچنین پیامدهایی را به‌دنبال دارد که می‌تواند منفی باشد. در سنجش رفتار تأکید بر تعیین‌کننده‌های موقعیت رفتار است. به عبارت دیگر، سنجش رفتار به فهم کامل پیشایندهای مربوط و پیامدهای رفتار توجه دارد. سنجش رفتاری حتی از کوشش برای فهم خصایص ضمنی یا موقعیتی رفتار فراتر می‌رود و توجه خود را به‌روش‌های تغییر این رفتارها معطوف می‌سازد. بنابر این سنجش رفتار می‌تواند اندازه‌گیری‌های خاص رفتار آشکار و پنهان، پیشایندهای درونی و بیرونی، شرایط در برگیرنده رفتار و پیامدها را شامل شود (رحیمیان و همکاران، ۱۳۸۷).

در سنجش رفتار باید مشخص گردد که کدامیک از رفتارهای فردی همسران، با نشاط، شادمانی و تحقق اهدافشان مغایرت دارد، و باید مشخص شود که آنها نیاز به افزایش یا کاهش کدامیک از رفتارها دارند؟ یا چه رفتارهایی را بایستی متوقف یا آغاز کنند؟ (لازاروس، ۱۹۹۷).

برای سنجش رفتار روش‌هایی وجود دارد از جمله: مصاحبه رفتاری، راهبردهای مختلف مشاهده رفتار، اندازه‌گیری شناخت‌های مربوط، سنجش روانی. فیزیولوژیکی[1] و انواع گوناگون پرسشنامه‌های خودسنجی[2] (رحیمیان و همکاران، ۱۳۸۷).

اینکه لازاروس بر فهم کامل پیشایندهای درونی، خصوصیات درونی درمانجو، سنجش روانی. فیزیولوژیکی او و حتی پرسشنامه‌های خودسنجی تأکید می‌کند، حاوی این نکته مهم است که شخصیت مراجع و ویژگی‌های شخصیتی وی، در نوع رفتارهای او تأثیر دارد و در مصاحبه سنجش رفتار نمی‌توان آن را نادیده گرفت، چرا که فهم کامل رفتار فرد با درمان و روش انتخابی در درمان پیوند ناگسستنی دارد (رحیمیان و همکاران، ۱۳۸۶).

سنجش رفتار مبتنی بر تلاش زوج درمانگر می‌باشد که در طی دو مرحله زیر انجام می‌شود:

الف) سنجش و ارزیابی رفتار که خود شامل سه بخش است؛ مصاحبه تشخیصی توسط زوج درمانگر و استخراج پاسخ برای سؤالات مورد نظر خود از درون مصاحبه، دوم دریافت و ثبت پاسخ‌های زوجین و سوم اجرای پرسشنامه بُعد رفتار

ب) تهیه نیمرخ بعد رفتاری زوجین بر اساس مرحله الف و شناسایی مشکلات

1. psychophysiological.

2. self – report.

از آنجا که رفتارهای مستقل فردی زوجین در شبانه‌روز طیف وسیعی از فعالیت‌های اثرگذار را شامل می‌شود لازم است درمانگر با فعالیت‌هایی که در طول روز توسط زوجین انجام می‌شود و از چشم درمانگر دور است، آشنا شود چرا که رفتارها می‌تواند متصف به یکی از دو ویژگی مثبت یا منفی شود که در هر صورت تأثیرگذار بر روابط زوجین و باعث رضامندی یا عدم رضامندی از زندگی زناشویی است. دانستن و شناسایی رفتارهای منفی شخصی زوجین و اینکه آیا این رفتارها با مشکلات رابطه پیوند دارند امر مهمی است. درک و ارزیابی از رفتارهای نابهنجار فردی می‌تواند تشخیص‌های مهمی از مشکلات تعاملی زوجین را نصیب زوج درمانگر کند. از اجرای پرسشنامه و تحلیل پاسخ‌ها نیز به دست می‌آید که طیف وسیعی از رفتارها در طول شبانه‌روز از زوجین صادر می‌شود که ترسیم نیمرخ بعد رفتاری را امکان‌پذیر می‌سازد.

ج. درمان

زوج درمانگران امید دارند که بتوانند رفتارهایی را که با رابطه آشفته در ارتباط است شناسایی کرده، سپس به زوجین یاد بدهند که آن رفتارها را به‌منظور افزایش رضایت در زناشویی کاهش دهند (پترسون[1] و همکاران، ۱۹۷۳، به‌نقل هالفورد، ۱۳۸۷). با استفاده از پیش‌نویس‌های رفتاری که در آن افراد، رفتار روزانهٔ همسرشان را بررسی می‌کنند، می‌توان فهمید که رفتارهای روزانه با رضایتمندی از رابطه هم‌بستگی دارد (جانسون و الیری[2]، ۱۹۹۶ به‌نقل هالفورد، ۱۳۸۷). بعضی از زوج درمانگران مطرح می‌کنند که برخی از زوج‌ها، افزایش رفتار مثبت را در طول درمان نادیده می‌گیرند یا حتی کم می‌کنند (باکوم، اپستین[3]، ۱۹۹۰)، که این به نوبه خود می‌تواند سرعت و کیفیت درمان را کاهش دهد، لذا یا مدت زمان درمان را طولانی کرده و یا درمان را سطحی و متزلزل می‌کند.

درمانگر باید زوجین را آموزش دهد تا آنها نسبت به عواملی که اعتبار رفتار و رابطهٔ مثبت را افزایش می‌دهد به‌طور مثبت نگاه کنند، چراکه این کار باعث رضایت‌مندی بیشتر از رابطه می‌شود (هالفورد، ۱۳۸۷). امر مهم در زوج درمانی کمک به همسران در حفظ خلاقیت برای تولید رفتارهای لذت‌بخش و جدید می‌باشد.

متعادل کردن فعالیت‌های مثبت فردی، عنصری مهم در اکثر روابط زناشویی رضایت‌بخش است (هالفورد، ۱۹۹۹). بنابراین درمانگر می‌تواند در مسیر درمان با طرح

1. Patterson, J.

2. Jahnson, p.l. and O'leaty, D. K.

3. Baucom, D. H. & Epstein, N.

سؤالاتی فرایند درمان را به‌خوبی جهت دار نماید، طرح سؤالاتی از این قبیل که «آیا زوجین به فعالیت‌های مثبتی که به‌طور مستقل انجام می‌دهند می‌پردازند؟ یا آیا زوجین فعالیت‌هایی را با هم تنظیم می‌کنند که از آن لذت ببرند؟ این پرسش و پاسخ‌ها اطلاعات مفیدی را در اختیار درمانگر قرار می‌دهد که می‌تواند مسیر درمان را تسهیل نماید.

مراحل درمانگری:

الف) تهیه چک‌لیست محورهای اصلی مشکلات زوجین در بعد رفتار بر اساس دو مرحله قبل (آسیب‌شناسی و سنجش رفتار)

ب) تعیین اهداف درمانگری

هدف‌گزینی جهت طرح‌ریزی درمان یکی از ضروریات اثربخشی هر فعالیتی است. در فرایند مشاوره و درمان زوجین در بعد رفتار، مشاور و درمانگر ابتدا باید به هدف‌گزینی پرداخته و اهداف و انتظارات درمانی‌اش را مشخص کند (کلمنتس[1] و همکاران به‌نقل هاروی، ۱۳۸۸)، چون بدون تعیین هدف، طرح‌ریزی و ارزیابی درمانی امکان‌پذیر نخواهد بود. منبع تعیین اهداف اغلب همان مشکلات زوجین است که با اجرای مرحله اول و دوم توسط درمانگر خانوده استخراج می‌شود. اهداف تعیین شده باید واضح، روشن، واقع‌بینانه، مستند، قابل تجسم و قابل اندازه‌گیری باشند (همان).

اهداف مورد نظر درمانگر زوجین می‌تواند به دو صورت ۱- کلان و درازمدت ۲- خرد و کوتاه‌مدت، ترسیم شود. ملاک بلند یا کوتاه‌مدت بودن هدف‌ها آن است که اهداف بلند هدف‌های کلان و بزرگی هستند که با تحقق اهداف کوتاه‌مدت، آنها نیز عملاً تحقق می‌یابند. اما هدف‌های کوتاه‌مدت، آنهایی هستند که درمانگر با سیاست‌گذاری‌های درمانی خود (توصیه‌ها و فنون درمانگری) به آن اهداف خواهد رسید.

اهداف درمانگری در بعد رفتار:

اهداف بلندمدت (الیری، به‌نقل از کیمیایی، ۱۳۸۴):

آشنا ساختن زوجین نسبت به بنیان‌های سه‌گانه مشکلات رفتاری یعنی شناخت‌های دوگانه، نقش‌های جنسیتی و آشنایی با تکالیف مرتبط با نقش؛

رسیدن زوج‌ها به یک مصالحه یا سازش قابل‌قبول با یکدیگر؛

کمک به شناسایی رفتارهای مخرب و معیوب و فهم شرایط نگهداری آنها.

1. Clements, K.

اهداف کوتاه‌مدت(الیری، به‌نقل از کیمیایی، ۱۳۸۴):

درک زوجین از تفاوت سبک‌های شخصیت یکدیگر؛

متمایز کردن سبک‌های شخصیتی بلند مدت از الگوهای عادتی در رفتارهای روزمره؛

توصیف تفاوت‌های شخصیتی مکمل و غنی‌کننده رابطه و ایجادکننده جاذبه در زندگی؛

توصیف تفاوت‌های شخصیتی زمینه‌ساز تعارض؛

توافق در مورد ایجاد بعضی تغییرات در رفتارهای مستقل و عادی روزمره؛

توافق در افزایش تدریجی رفتارهای مثبت و کاهش رفتارهای منفی؛

توافق در مورد تلاش برای تغییر رفتاری که ناشی از یک سبک شخصیتی بادوام است؛

ترسیم نقش‌های زنانه یا مردانه که تولید رفتارهای مثبت یا منفی می‌نماید؛

آشنایی با تکالیف متناسب با نقش‌های جنسیتی؛

حرکت در چارچوب نقش‌های جنسیتی؛

تنظیم رفتار بر اساس وظایف و تکالیف تعیین شده.

ج) مداخله های درمانی

جلسات درمانگری می‌تواند مهم‌ترین پشتوانه و راهبرد جهت راهنمایی و مشاوره زوجین باشد. زوجین از آنجا که پیش از مراجعه به روان‌درمانگر، دوره‌ای (کوتاه یا طولانی‌مدت) از اختلاف و ناسازگاری را پشت سر گذاشته‌اند به‌طور مسلم نیاز به راهنمایی مشاوره با جلسات کم و بیش متعدد، منسجم و منظم را دارند. پس از کشف مشکلات زوجین در بعد رفتار، لازم است درمانگر ابتدا ذهن زوجین را درگیر نوع مشکل، فرایند پدیدآیی آن و کیفیت تأثیرگذاری آن در بروز مشکلات و اختلافات بین آنها کند. آگاهی بخشی از ماهیت مشکل خود کمک مهمی است به درمانجو تا به تدریج خود را در فضای درمان قرار دهد و کمکی است به او که تاریخچه روابط خود را با همسر یادآوری نماید و نقش خود را در ایجاد مشکل بهتر درک کند. با توجه به اهداف درمان، درمانگر می‌تواند دو نوع مداخله درمانی داشته باشد:

الف) توصیه‌ها : رهنمودها و توصیه‌ها در طی جلسات متعدد می‌تواند در فروکش کردن التهاب در روابط و کاهش مشکلات و به تدریج در آرامش زوجین و آماده کردن آنان برای اجرای فنون درمانگری مؤثر واقع شود :

۱. درمانگر از هر زوج می‌خواهد فهرستی از ویژگی‌های شخصیتی و فرهنگی خود را که با ویژگی‌های شخصیتی همسر مشابه یا متفاوت است، تهیه کند.

۲. درمانگر در جلسات درمانگری این ویژگی‌ها را در حد ضرورت برای زوج‌ها تبیین، تحلیل و تفسیر می‌نماید، به‌خصوص آنها را در تشخیص تفاوت بین عادت‌ها (رفتارهای قابل تغییر) و تفاوت‌های شخصیتی (و امکان هماهنگی و همراهی این تفاوت‌ها) کمک کند.

۳. از هر زوج می‌خواهد فهرستی از عادت‌های رفتاری مهم خود و همسرش را تهیه کند.

۴. درمانگر ارزش و تأثیر مثبت تفاوت‌های شخصیتی زن و مرد در روابط زناشویی را برای زوجین تبیین و تشریح می‌کند.

۵. درمانگر به زوجین نسبت به تغییر تدریجی رفتارهایی که نشانه الگوهای شخصیتی ثابت و بلندمدت و علت تعارض بین آنهاست، آگاهی‌بخشی می‌کند.

۶. زوج‌ها را در پذیرش تفاوت‌هایی که بین آنها وجود دارد و هیچ زیانی هم به آنها نمی‌رساند بلکه رابطه زناشویی را غنی‌تر می‌کند کمک می‌کند.

۷. از زوجین بخواهد در جلسه درمان به هم تعهد بدهند که برای تفاوت‌هایی که نقش مکملی دارند ارزش قائل شوند.

۸. زوجین را نسبت به پررنگ‌تر نمودن نقش‌های مردانه و زنانه، توجه به نقش‌های اختصاصی زن و شوهر مخصوصا نقش‌های کلان (استحکام بخشی مرد و آرامش بخشی زن) و تنظیم رفتار بر اساس نقش‌های جنسیتی و پرهیز از جابجایی و تداخل نقش‌ها، آگاه ساخته و آنها را آموزش می‌دهد.

۹. به زوجین نسبت به برنامه‌ریزی و توافق بر سر نقش‌های مشترک (تقسیم و سهم‌بندی کارهای مشترک) کمک می‌کند.

۱۰. آشنا ساختن زوجین نسبت به وظایفی که مقتضیات قانونی یا عرف اجتماع برای آنها در نظر گرفته است.

۱۱. توصیه به مهار محرک‌هایی[1] که برانگیزاننده رفتارهای منفی و مخرب در فضای زندگی هستند.

۱۲. توصیه به تغییر محیطی[2] را که می‌تواند رفتارهای منفی را تشدید کرده و آثار مثبت سایر مداخله‌های درمانی را خنثی کند.

---

1. stimulus control.

2. environmental change.

ب) فنون درمانگری

علاوه بر توصیه‌های درمانی و مداخلات نظری در درمان زوجین، فن‌هایی نیز در درمانگری قابل اجراست. «فنون رفتاری بر این فرض بنیادی مبتنی هستند که رفتارها عمدتاً حاصل یادگیری‌اند بنابراین می‌توان آنها را از یاد افراد برد و یا با رفتارهای مطلوب و مفید جایگزین کرد» (جان‌بزرگی، ۱۳۸۸).

برخی از فنون رفتاری که در سازش یافتگی زوجین و رضامندی از رفتار یکدیگر کمک می‌کند به قرار زیر است:

۱. تمرین رفتاری[1]

اگر زوجین یا یکی از آنها در زمان سردی روابط یا اختلاف و کشمکش نتوانند رفتاری که به‌نظر درمانگر کمک به احیاء رابطه بین آنها می‌کند انجام دهند، توسط درمانگر ترغیب به تمرین رفتار مورد نظر می‌شوند، به‌عنوان مثال، زن در هنگام اختلاف با همسر و سردی روابط، قدرت و انگیزه تماس تلفنی با همسر در سر کار را ندارد چرا که نگران نوع پاسخ وی می‌باشد. در اینجا درمانگر ضمن گفتگو با وی و تغییر افکاری که او را از تماس باز می‌دارد، او را وا می‌دارد. که این صحنه را با مشاور یا درمانگر تمرین کند. وقتی انجام این کار برای زن آسان شد و ترسش ریخته شد، ترغیب می‌شود آن را در صحنه واقعی اجرا کند.

در اسلام نیز به چنین فنی اشاره شده است. آنجا که یکی از زوجین را وا می‌دارد که از همسرش عذرخواهی کند، در اینجا اولین توصیه‌ای که به فرد در راستای اصلاح تفکرش می‌شود متضمن این مطلب است که فرد معتقد است چون من مقصر نیستم عذرخواهی برایم مشکل یا ضروری نیست. رهنمود اسلام این است که لازمه عذرخواهی زن، مقصر دانستن خود نیست، چه مقصر باشد و چه نباشد، زن خوب است بلکه لازم است عذرخواهی نماید[2] یا به مرد سفارش می‌کند که باید رفتاری نیکو با همسر داشته باشد، گرچه طبع و ذوق مرد اقتضا نکند[3] یا به مرد سفارش می‌کند که در هر حال (مشکل از ناحیه هر کدام می‌خواهد باشد) با زن با رفق و مدارا برخورد نماید[4].

---

1. behavioral rehearsal.

۲. عن النبی ﷺ: حَقّ الزَوجِ عَلي الزَوجَة... و لاَ تَبِيتَ لَيْلَةً وَ هُوَ عَلَيْهَا سَاخِطٌ وَ إِنْ كَانَ ظَالِماً (مستدرک الوسایل، ج ۱۴، ص۲۳۸).

۳. عن الصادق علیه‌السلام: إنّ المَرءَ يَحتاجُ في مَنزِلِهِ و عِيالِهِ إلى ثلاثِ خِلالٍ يَتَكَلَّفُها و إن لَم يَكُن في طَبعِهِ ذلكَ : (الاول) مُعاشَرَةٍ جَمِيلةٍ... (بحارالانوار، ۷۵، ص ۲۳۵).

۴. عن علی علیه‌السلام: ...قَدارها عَلي كُلّ حالٍ... (من لا یحضره الفقیه ج۳ ص۵۵۶).

اینها همه دستوراتی است برای تمرین دادن یا تمرین کردن همسر جهت سازگاری مجدد و حل مشکلات بین همسران.

۲-الگوگیری[۱]

اشاره به این فن دارد که درمانگر الگوهای عینی را به زوجین نشان می‌دهد یا خود رفتاری را به‌طور عملی نشان می‌دهد و یا با ایجاد فضای آزمایشگاهی از زوجِ الگو می‌خواهد در حضور زوجین آشفته روش گفتاری یا حل مسئله را به نمایش بگذارند، یا زوجین را به الگوهای مناسب موجود در خانواده در محیط طبیعی زندگی‌شان ارجاع می‌دهد.

در تعابیر و رهنمودهای دینی خانواده نیز برای توجه و تفسیر این فن مطالبی ذکر شده است. آنجا که پیامبر عظیم‌الشأن اسلام ﷺ فرمود: بهترین شما کسی است که برای خانواده خود بهترین باشد و من الگوی برتر شما هستم چرا که در میان شما، خود من بهترین[۲] و بامحبت‌ترین شما[۳] برای خانواده‌ام هستم.

از امام حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه نقل شده که حضرت فاطمه علیهاالسلام برای ما در تمام امور زندگی بهترین الگوست.[۴] یعنی ما در زندگی‌مان به او نگاه کرده و به شیوه او عمل می‌نماییم.

بنابراین پیروی از شیوه عملی انسان‌های برتر در هر زمانی می‌تواند به‌عنوان مصداقی از فن الگوبرداری تلقی شود. تنها نکته حساس قضیه آن است که درمانگر و زوجین در معرفی و انتخاب الگوی مناسب و برتر دچار اشتباه نشوند.

۳. فن صندلی خالی[۵]

در این فن هر کدام از زوجین به نوبت روی یک صندلی می‌نشینند و در مقابلشان صندلی خالی وجود دارد. زوج تصور می‌کند همسرش روی صندلی خالی نشسته و با او سخن می‌گوید. زوج ترغیب می‌شود که مجموعه احساسات، افکار و انتظاراتش را از همسر فرضی‌اش در صندلی خالی ارائه نماید و احیاناً بعضی از رفتارهای ناشی از نقش زوجی را که در طول روز مرتکب می‌شود، به نمایش بگذارد. سپس خود روی صندلی خالی می‌نشیند و نقش فرد مقابل را به خود می‌گیرد و از زبان آن فرد پاسخ می‌دهد. آن‌قدر این فرایند (و

---

1. modeling.

۲. عن النبی ﷺ: ... و أنا خَیرکُم لأهلي (وسائل‌الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۷۱).

۳. ... وَ أنا ألطَفَکم بِأهلی (بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۳۸۷).

۴. عن الحجه عجل‌الله‌تعالی‌فرجه: اِنَّ لی فی ابنة رسولِ الله ﷺ أُسوةٌ حَسَنَةٌ. (الغیبة (للطوسي)/کتاب الغیبة للحجة، ص۲۸۶).

5. empty chair technigue.

جابجایی در نشستن) و گفتگو ادامه می‌یابد تا فرد به بینش یا راه‌حل مناسب و مورد نظر در انتخاب رفتار و نوع تعامل با همسر در زندگی روزمره دست یابد.

شاید دستور و توصیه‌هایی در دین اسلام از قبیل «خود را جای دیگران قرار دهید» یا «آنچه که برای خود می‌پسندید برای دیگران هم بپسندید و آنچه برای خود نمی‌پسندید برای دیگران هم نپسندید» یا «برای دیگران انصاف به خرج دهید به همان اندازه که به خود انصاف می‌دهید» بتوان از آنها این فن را استخراج و تبیین نمود.

۴. ارزش (پاداش) یا جریمه پاسخ[1]

در این فن بین درمانگر و زوجین توافق صورت می‌گیرد که هر کدام از زوجین در مقابل حذف یا کاهش بعضی از رفتارها یا ایجاد و افزایش رفتارهای دیگر، جریمه یا پاداش دریافت نماید. در خلال جلسه درمانگری مراجع به این درک و توافق خواهد رسید که شکست در رسیدن به هدف موارد توافق به یک جریمه یا تاوان تعیین شده خواهد انجامید. مثلاً زوجی که مرتکب اشتباه یا بدرفتاری در مقابل همسرش می‌شود و مقرر شده که در قبال آن از همسر عذرخواهی کند ولی پس از اشتباه یا بدرفتاری حاضر به عذرخواهی نمی‌شود باید جریمه در نظر گرفته شده، در حقش اعمال شود. و این فرایند از کاهش تا حذف کامل این رفتار ناپسند ادامه می‌یابد. (درایدن و بیستون، ۱۹۹۹)

در متون دینی نیز شواهدی برای رهنمون به این فن وجود دارد، مثل دادن هدیه به همسر[2]، که می‌توان آنرا جهت‌دار کرد مثل هدیه به‌عنوان پاداش در مقابل انجام یک کار مثبت یا حذف یک کار منفی یا دستور قرآن کریم به جریمه کردن همسر ناشزه به‌روش دوری کردن از بستر وی و او را تنها گذاشتن.[3]

۵. مواجهه نظام‌دار[4] و تمرین خطر کردن[5]

در چهارچوب این فن، زوج مشکل‌داری که به دلایلی مثل ترس از پیامدهای ناگوار مانند خشونت همسر، قدرت عملی کردن بعضی از رفتارها را ندارد آموزش می‌بینند که گام به گام خود را با موقعیت ترس‌آور روبه‌رو و کاری را که فکر می‌کند خطرناک است انجام دهد.

---

1. response cost or penalty.

۲. عن النبی ﷺ: هِبَةُ اَلرَّجُلِ لِزَوْجَتِهِ تَزِيدُ فِي عِفَّتِهَا (وسائل الشیعه، ج ۱۹، ص ۲۴۱).

۳. وَ اهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضاجِعِ (نساء/۳۴).

4. systematic exposure.

5. risk – taking exercise.

درعین‌حال درمانگر نسبت به همسری که احتمال بروز خشونت در مقابل اقدام همسر از وی می‌رود، مداخله کرده و او را نسبت به پذیرش رفتار متقابلی که تاکنون تحمل دیدن آن را نداشته تمرین دهد و آماده مواجهه مثبت نماید، بنابراین درمانگر به یکی از همسران جرأت‌ورزی و خطر کردن را می‌آموزد و به دیگری آموزش تحمل مواجهه و مهار خود را.

در این زمینه هم، در متون دینی اشاراتی شده است که می‌توان این روش‌ها را از آنها استخراج نمود. آنجا که امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرموده: زمانی که از امری می‌ترسی خود را به انجام آن وادار کن[۱]. یا پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: هیچ همسری نیست که ـ در مواجهه با همسرش ـ گفتار نامناسبی را از وی تحمل نماید مگر اینکه خداوند ... اجر روزه‌دار و مجاهد در راه خدا را به وی اعطا کند[۲].

۶. فن تثبیت رفتارهای سازنده و حذف رفتارهای مخرب

یکی از تمرین‌های اصلی روانی - معنوی تمرینی است که در آن فرد در ابتدای روز با خود شرط و قراردادی را که قابل انجام باشد تنظیم می‌کند. در طول روز از رفتار خود مراقبت می‌کند که از مسیر تحقق رفتاهای سازنده خارج نشده و کار را با نیت درونی خوب به انجام رساند. سپس در پایان روز، فرد به محاسبه‌گری می‌پردازد تا میزان موفقیت خود را به‌طور عینی مورد بررسی قرار دهد

این فن می‌تواند همان روش و تمرین مشارطه، مراقبه و محاسبه‌گری باشد که متون اخلاقی – عرفانی دین اسلام دستور به اجرای آن داده‌اند: امام صادق علیه‌السلام به ابن‌جندب می‌فرمایند: «ای پسر جندب، هر مسلمانی که ما را می‌شناسد، لازم است که در هر روز و شب، اعمالش را بر خود عرضه بدارد و از نفس خود حساب بکشد؛ اگر کار خوبی در آنها یافت، بر آن بیفزاید و اگر کار زشتی یافت، طلب بخشایش نماید تا در قیامت دچار رسوایی نگردد»[۳].

امام علی علیه‌السلام نیز فرموده‌اند: با نفست مجاهده نما، و آن را محاسبه کن چنان‌که شریک، شریکش را محاسبه می‌کند، و از آن حقوق خدا را مطالبه کن مانند مطالبة دشمن، دشمن خود را، زیرا نیک‌بخت‌ترین مردم کسی است که ضامن یا متکفل نفس خود می‌شود[۴].

«بندگان خدا! خود را بسنجید قبل از اینکه شما را مورد سنجش و حسابرسی قرار

---

۱. عن علی علیه‌السلام: إِذَا هِبْتَ أَمْراً فَقَعْ فِيهِ فَإِنَّ شِدَّةَ تَوَقِّيهِ أَعْظَمُ مِمَّا تَخَافُ مِنْه (بحار الأنوار (ط بیروت) ؛ ج۷۲ ؛ ص۳۵۷).

۲. مستدرک الوسایل، ج ۱۴، ص۲۴۵.

۳. تحف العقول، ص ۳۰۱.

۴. غرر الحکم، ح ۷۸۸۷.

دهند[۱]». و در روایت دیگری آمده است: وقتی شب به رختخواب رفتی، بنگر (در روزی که گذشت) چه خورده‌ای و چه کسب کرده‌ای[۲]؟

۷- درمان رفتاری- شناختی- معنوی: در این شیوه، صرف رفتار و تمرین رفتاری کفایت نمی‌کند بلکه عامل شناخت و معنویت دینی را باید جزئی از درمان قرار داد. به عبارتی زوجین باید در یک شبکه ویژه درمانی قرار گیرند. شاخص اصلی این روش ارتباط آگاهانه، نظام‌مند، خالصانه و دردمندانه (با دو ویژگی امید و خوف) با مبدء و خالق انسان(الله) و اداره‌کننده امور وی (رب) می‌باشد. در این روش انسان به‌عنوان درمانجو باید ارتباطی ویژه با خالق و مربی خویش به‌عنوان درمانگر داشته باشد. تبیین این روش را با استناد به آیه شریفه (انبیاء/۸۹ و ۹۰)[۳] دنبال می‌کنیم:

این آیه، نخست رابطه اعضای خانواده را- به‌عنوان یک شبکه ارتباطی- با خداوند به شکلی زیبا و سرشار از شناخت، معنویت و عواطف نشان می‌دهد(إنّهُم کانُوا یُسارِعُونَ .... وَ یَدعُونَنا .... وَ کانُوا لَنا خاشِعین ....).

دوم؛ محور درمان، داشتن رفتاری است با ویژگی‌های سرعت در عمل(یسارعون) ، داشتن انگیزه بالا در عمل(امید و خشوع) و تواضع و اطاعت نسبت به درمانگر(کانوا لنا خاشعین).

سوم؛ طرح یک مشکل خانوادگی است، عقیم بودن همسر و نداشتن فرزند (رَبِّ لا تَذَرنی فَرداً).

چهارم؛ محور کار خداوند، اصلاح و درمانگری و رفع مشکل است (وَ وَهَبنا لَه یَحیَ أصلَحنا لَه زَوجَهُ).

پنجم؛ همه اعضای شبکه درمان (درمانجو و درمانگر) باید حضوری جدی و فعال در فرایند درمان داشته باشند (إنَّهُم کانوا .... - فَاستَجَبنا ... وَهَبنا ... وَ أصلَحنا ...)

ششم؛ نمایانگر دیدگاه سیستمی اسلام نسبت به مسئله درمان و درمانگری است، خداوند در قامت یک درمانگر، حضرت زکریا به‌عنوان درمانجو، و تشخیص بیماری (نازایی).

هفتم؛ ارائه راهکار (و مکانیزم) درمان با: ۱- سرعت در عمل (یسارعون) که حاکی از جدی بودن در رفتار و دوری از اهمال‌کاری از طرف مراجع است. ۲- تکرار رفتار اثربخش،

---

۱. نهج‌البلاغه، خطبة ۹.

۲. بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۱۹۰.

۳. وَ زَکَرِیَّا إِذْ نادی رَبَّهُ رَبِّ لا تَذَرْنِي فَرْداً وَ أَنْتَ خَیْرُ الْوارِثِینَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ یَحْیَی وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ کَانُواْ یُسَرِعُونَ فِی الْخَیْرَتِ وَیَدْعُونَنَا رَغَباً وَرَهَباً وَکَانُواْ لَنَا خَاشِعِینَ.

چون با یکبار، درمان صورت نمی‌گیرد (فی الخیرات). ۳- استمرار و تداوم ارتباط با درمانگر و طبیب (کانوا ... . یدعوننا).[۱] ۴- این سرعت و استمرار انگیزه بالا می‌خواهد، شور و شوق و نگرانی می‌خواهد (یدعوننا رغباً و رهبا) تواضع و اطاعت از درمانگر لازم دارد (کانوا لنا خاشعین).

هشتم؛ آیه شریفه الگوسازی می‌کند چرا که اولاً طی این مسیر و اجرای این طرح درمانی اختصاص به حضرت زکریا علیه‌السلام ندارد، زیرا خداوند با نزول این آیه، به نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله یادآوری کرده و به شکلی می‌خواهد به آن حضرت تعلیم دهد (و زکریا اذ نادی: یعنی به خاطر بسپار جریان زکریا را و به مشکل او و راه‌حل مشکل او توجه کن) و بعد از آن پیامبر مأموریت یافته آن‌را برای امتش بازگو نماید و ثانیاً مشکل عقیم بودن همسر و نداشتن فرزند، یک نمونه از مشکلات خانواده‌هاست و اختصاص به حضرت زکریا هم ندارد پس هر کس در هر مشکلی می‌تواند این مسیر را طی نماید (و کذلک ننجی المؤمنین)[۲].

نتیجه آن‌که: خداوند در قرآن خودش را شفادهنده[۳] معرفی کرده است، بنابراین پیوند دائمی اعضای خانواده با خداوند از روی اشتیاق، خوف و خضوع و مداومت بر کارهای نیک همراه با سرعت در آن، می‌تواند یکی از بهترین راه‌های درمان مشکلات خانواده در بعد رفتار باشد و می‌توان آن را الگوی درمان‌گری معنویِ «رفتار با کنش کامل» نام نهاد.

بحث و نتیجه‌گیری

ارتباط همسران ابعاد و عرصه‌های مختلفی از زندگی را پوشش می‌دهد، یکی از آنها بُعد رفتارهای فردی در محیط خانه و زندگی است. رفتارهای منفی و آسیب‌زا، زندگی را دچار مخاطرات، آسیب‌ها و بیماری می‌گرداند. رفتارهای منفی، موجب استرس و پریشانی، کاهش احساس صمیمیت و فعالیت‌های صمیمانه بین زوجین، احساس کسالت و افسردگی و در نهایت موجب فروپاشی رابطه می‌گردد.

تفاوت‌های شخصیتی طبیعی که مربوط به نوع خلقت زن و مرد است، همچنین تفاوت‌های شخصی که بیشتر ناشی از عامل فرهنگ و محیط (تربیتی و زیستی) می‌باشد همراه با نقش‌های جنسیتی و وظایف و رفتارهای برآمده از آن اگر درک نشوند و درست به‌کار گرفته نشوند به چرخه سالم زندگی آسیب وارد می‌آورند.

---

۱. در ادبیات عرب، همراهی فعل کان با فعل مضارع دلالت بر استمرار دارد.

۲. انبیا/۸۸.

۳. ... وَ إذا مَرِضتُ فَهُوَ یَشفین (شعراء/۸۰).

معارف اسلامی رفتارهایی را به‌عنوان رفتارهای منفی به همسران معرفی کرده و توصیه مؤکد نموده است که برای حفظ بنیان و استحکام خانواده از آنها پرهیز شود. یافته‌ها نشان داد که رفتارهای زیر، بخشی از رفتارهای منفی و آسیب‌زا تلقی شده‌اند. رفتارهای بهداشتی منفی (سر و وضع کثیف، به‌هم‌ریختگی در پوشش، ژولیدگی موها و ...)، افشای اسرار، خیانت در امانت، بی‌نظمی، به موقع انجام ندادن کار، رفتارهای حاکی از تجمل و تفاخر و حرص‌گونه، بی‌وفایی، بی‌حیایی، سهل‌انگاری در انجام عبادات چشم‌چرانی و عدم رعایت حریم محرم ـ نامحرم، بدزبانی، رفتارهای تحقیرآمیز مانند ورود بدون سلام، قدرناشناسی ـ عدم عذرخواهی از خطا، خروج بدون خداحافظی و ... بی‌صبری، عجول بودن، اهمال‌کاری و کار امروز را به فردا انداختن.

برای آسیب‌ها و بیماری‌های برآمده از رفتارهای منفی لازم است طرح درمانی نظام‌مند و مرحله‌ای را به قرار ذیل ایجاد کرد.

تهیه چک‌لیست محورهای اصلی مشکلات زوجین در بعد رفتار، تعیین اهداف درمانگری، توصیه‌های درمانی و فنون درمانگری.

تحقیق نشان داد که با استفاده از مفاهیم روان‌شناختی و متون دینی می‌توان فنونی را برای درمان مشکلات رفتاری زوجین ابداع کرد. فنونی از قبیل تمرین رفتاری، الگوگیری، فن صندلی خالی، ارزش (پاداش) یا جریمه پاسخ، مواجهه نظام‌دار، تمرین خطر کردن، فن تثبیت رفتارهای سازنده و حذف رفتارهای مخرب و در نهایت درمان معنوی رفتار با کنش کامل.

منابع

- ابن بابویه، محمد بن علی(۱۴۱۳ق)، ***من لا یحضره الفقیه***، قم، چاپ: دوم.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی(۱۴۰۴ق)، ***تحف العقول***، قم، چاپ: دوم.
- الیری، دانیل و همکاران(۱۳۸۴)، ***راهنمای گام به گام درمان مشکلات زناشویی***، ترجمه علی کیمیایی و همکاران، انتشارات رشد.
- بستان، حسین(۱۳۸۸)، ***اسلام و تفاوت‌های جنسیتی***، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و تهران، دفتر امور بانوان وزارت کشور.
- ----------(۱۳۸۳) ***اسلام و جامعه شناسی خانواده***، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- پاینده، ابو القاسم(۱۳۸۲)، ***نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)***

- تهران، چاپ: چهارم.
• پورمحسنی کلوری، فرشته(۱۳۸۹)، ***طراحی برنامه توانمند سازی زوجین بر مبنای الگوی رضایتمندی زناشویی و مقایسه آن با برنامه توانمند سازی انریچ***، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
• تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد(۱۴۱۰ق)، ***غرر الحکم و درر الکلم***، قم، چاپ: دوم.
• دشتی، محمد (۱۳۸۵) ***نهج البلاغه***، انتشارات غرفه الاسلام قم.
• رحیمیان و همکاران(۱۳۸۷)***لازاروس، روان‌درمانی چند وجهی***، تهران، دانژه.
• شیخ حر عاملی، محمد بن حسن(۱۴۰۹ق)، ***وسائل الشیعة***، قم، چاپ: اول.
• طوسی، محمد بن الحسن(۱۴۱۱ق)، ***الغیبة، کتاب الغیبة للحجة***، ایران؛ قم، چاپ: اول.
• کلینی، محمد بن یعقوب(۱۴۰۷ق)، ***الکافی*** (ط - الإسلامیة)، تهران، چاپ: چهارم.
• ----------(۱۴۲۹ق)، کافی (ط - دار الحدیث)، قم، چاپ: اول.
• مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی(۱۴۰۳ق)، ***بحار الأنوار*** (ط - بیروت)، بیروت، چاپ: دوم.
• محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۳)، ***منتخب میزان الحکمه***، قم، دارالحدیث.
• نوری، حسین بن محمد تقی(۱۴۰۸ق)، ***مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل***، قم، چاپ: اول.
• ورام بن أبی فراس، مسعود بن عیسی(۱۴۱۰ق)، ***مجموعة ورّام***، قم، چاپ: اول.
• هاروی، مایکل (۱۳۸۸)***کتاب جامع زوج درمانی***، ترجمه خدابخش احمدی و همکاران، تهران، دانژه.
• هالفورد، کیم(۱۳۸۷) ***زوج درمانی کوتاه مدت***، ترجمه مصطفی تبریزی و همکاران، تهران، فرا روان.
• Baucom, D. H. and Epstein, N. (1990) ***Cognitive –behavioral marital therapy***. New York, Brunner / Mazel.
• Bradbury, T. N. and fincham, F. D. (1990). Attributions in marriage: ***Review and critique psychological Bulletin***, 107, 3-33.
• Christensen, A. , Jacobson, N. S. , Bobcock, J. C. (1995). ***Integrative behavioral therapy***. In. N. S. Jacobson A. S. Gurman Eds, Clinical handbook of couple therapy pp. 31-64. New York Guliford.
• Fenel, D. L. (1993). Characteristics of long-term first marriage. ***Journal of Mental Health Coundeling***, 15, 446-460.
• Halford ,W. K. , Kelly ,A. ,& Markman ,H. J. (1997) ***The concept of a healthy mar-riage***. Clinical handbook of marriage and couples interventions(pp. 3-12). Chichester , England :Wily.

• Halford, W. K. , & Sanders, M. R. (1988). Dayadic behaviours and requests for change in Australian maritally distressed and non- distressed couples. ***Australian Journal of psychology***, 40, 45- 52.

• Halford , W. K. (1999). ***Australian couples in millennium Three ;A research development agenda for marriage and relationship education***. Canberra Australia: Department of family and community Services.

• Jacobson, N. and Gurman, A. (1995). ***Clinical Handbook of Couple Therapy***. New York: Guilford.

• Johnson, S. M. , & Greenberg, L. S. (1985). Differential effects of experiential and problem-solving interventions in resolving marital conflict. ***Journal of Consulting and Clinical Psychology***, 53, 175-184.

• Kammeyer , K. C. W. & Ritzer, G. & yetman , Norman, R. (1989) ***Sociology, Boston and London: Allyn & Bacon***.

• Markman, H. J. (1981). Prediction of marital distress: A 5-year followup. ***Journal of consulting and Chlinical Psychology***, 49, 760-762.

• Weiss, R. L. (1984), ***Cognitive and strategic interventions in behavioral marital therapy***. In K. Hahlweg and N. S. Jacobson (Eds), Marital interaction. Analysis and modification (pp. 337-355). New York: Guilford press.

• Wisdom, C. S. (1989). Does Violence beget Violence? A Critical examination ot the literature. ***Psychological Bulletin***. 106, 3-28.

اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی
سال هشتم، شماره اول، پیاپی۱۷، بهار و تابستان ۱۴۰۱(ص۹۹-۱۱۲)

بررسی مؤلفه‌های الگوی ارتباطی زوجین با خویشاوندان بر اساس منابع اسلامی

Examining the Components of the Model of Couple's Interaction with Relatives Based on the Islamic Sources

✍ **مهدی دریس** / دانشجوی دکتری روان‌شناسی دانشگاه آزاد، قم، ایران.
ابوالقاسم بشیری/ استادیار روان‌شناسی گروه روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ﷺ، قم، ایران.
حسین رضاییان بیلندی / دانشجوی دکتری روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ﷺ، قم، ایران.

Mahdi Deris / PhD student in psychology, Azad University, Qom, Iran. fares60@chmail.ir
Abolghasem Bashiri / Assistant Professor, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran.
Hossein Rezaeian Bilondi / PH.D Student of Psychology, Imam Khomeini educational and Research Institute, Qom, Iran.

چکیده

این پژوهش با هدف ارائه یک الگوی مناسب جهت ارتباط زوجین با خویشاوندان با روش «کیفی تحلیل محتوا» انجام گرفت. برای بررسی محتوایی و روایی به شکل کمی از دو ضریب نسبی روایی محتوایی (cvr) و شاخص روایی محتوا (cvi) استفاده گردید.این تحقیق در دو مرحله انجام گرفت: مرحله اول: نخست به کاوش مفاهیم مرتبط با تعامل و ارتباط با خویشاوندان در منابع اسلامی پرداخته شده سپس مولفه‌های و مفاهیم مرتبط با تعامل با خویشاوندان استخراج شد. مرحله دوم: روایی محتوایی مولفه‌ها با روش cvi-cvr توسط کارشناسان (ده نفر) مورد ارزیابی قرار گرفت بدین صورت که طبق مقیاس لیکریت به اندازه قرابت این مفاهیم به الگوی تعامل زوجین با خویشاوندان نمره داده شد. بررسی‌های فوق نشان داد

Abstract

Examining the components of the couples'relationship pattern with relatives based on Islamic sources

This research was conducted aiming to provide a suitable pattern of couples' relationship with their relatives through "qualitative content analysis" method. Two relative coefficients of content validity ratio (CVR) and content validity index (CVI) were used to check content and validity of the pattern quantitatively. This research was done in two stages: First, the concepts related to interaction and relationship with relatives were explored in Islamic sources, then the components and concepts related to interaction with relatives were extracted. second ,the content validity of the components was evaluated by the cvi-cvr method by experts (ten people) in such a way that according to the Likert scale, the similarity of these concepts to the interaction pattern of couples with relatives was scored. The studies

جهت ترسیم یک الگوی رفتاری مناسب برای زوجین جهت ارتباط با خویشاوندان به هفت مولفه: دید و باز دید (رفت و آمد)، تکریم و احترام خویشاوندان، انفاق به خویشاوندان (کارکرد اقتصادی)، خودداری از اذیت و آزار خویشاوندان، حمایت اجتماعی از خویشاوندان، رابطه ارشادی و هدایتی با خویشاوندان و ادای حقوق خویشاوندی نیاز است.

کلیدواژه‌ها: الگو، ارتباط، زوجین، خویشاوندان.

showed that in order to draw a suitable behavior pattern for couples to have proper relationship with relatives, there are seven components: visiting and re-visiting), honoring and respecting relatives, donating money to relatives (economic function), refraining from annoyance and hurting relatives, social support of relatives, advising and guidance relationship with relatives and discharging of kinship rights are needed.

Keywords: pattern, relationship, couples, relatives .

مقدمه

تعامل[1] و ارتباط، سراسر زندگی انسان را در بر گرفته است. انسان نیازهایش را از هر نوعی که باشند به کمک ارتباط با دیگران برطرف می‌کند. به کمک ارتباط زنده می‌ماند، رشد می‌کند و تکامل می‌یابد. مبحث ارتباط انسانی به قدری مهم و حیاتی است که سعادت و خوشبختی انسان تا حد زیادی به چگونگی تعامل و ارتباط او با دیگران بستگی دارد (سیاوشی و نوابی‌نژاد، ۱۳۸۴، ص۱۰). انسان در طول حیات خود با افراد زیادی در ارتباط خواهد بود. در ابتدا با مادر خویش در ارتباط است و پس از مدتی با دیگر اعضای خانواده در قالب بازی ارتباط برقرار می‌کند. هرچه افراد رشد بیشتری داشته باشند نوع و شدت رابطه بنا بر نیازها و علایق آنان تغییر می‌کند. یکی از ارتباط‌های طولانی و تأثیرگذار رابطه همسری است که به سبب عقد ازدواج بین زن و شوهر اتفاق می‌افتد و البته به این ارتباط محدود نگشته و باعث ارتباط با والدین و خانواده همسر می‌گردد. باید توجه داشت که ازدواج صرفاً پیوند دو فرد با یکدیگر نیست؛ بلکه پیوستگی دو خانواده با فرهنگ، شیوه‌های تربیتی و سبک متفاوت زندگی است. ازاین‌رو زوجین، برای بالندگی و موفقیت در ازدواج به دو بال برای پرواز در مسیر زندگی نیازمندند؛ یک بال مهارت زوجین برای ارتباط صمیمی و سازنده و بال دیگر «مدیریت ارتباط با خویشاوندان هر دو طرف» است (طباطبائی ندوشن، ۱۳۹۵، ص۹۷).

می‌توان گفت گرایش به خویشاوندی در نهاد هر انسانی به‌طور طبیعی وجود دارد. این

1. Interaction.

گرایش نخست به سمت خویشاوندان نسبی و سپس به سوی خویشاوندان سببی است؛ چرا که مشترکات خونی و طبیعی میان خویشاوندان سبب می‌شود به آسانی و راحتی یکدیگر را درک کرده و نیازهای عاطفی و روحی خود را پاسخی مناسب دهند (محبوبی، ۱۳۹۴، ص۱۲). همچنین تحقیقات نشان داده که ارتباط با خویشاوندان به‌عنوان نمودی از ارضای نیاز روان‌شناختی از طریق ایجاد آرامش روانی، کاهش اضطراب و دردهای جسمانی برکیفیت زندگی افراد تأثیر می‌گذارد. (قاسمی‌پور، ۱۳۸۶، ص۹۴).

با نگاه روان‌شناختی و بر اساس نظریه سیستمی مینوچین[1]، خانواده یک سیستم باز است که ملزم به برون‌سازی و انس‌گیری با دو خانواده اصلی زوجین و دیگر خویشاوندان است؛ با این ویژگی که موفقیت و آرامش خود را در گرو بهم وابستگی درونی متعادل می‌داند (سجادی، ۱۳۹۲، ص۲۰). برخی از محققان و نظریه‌پردازان حوزه خانواده از جمله مینوچین و بوئن[2] نگاه سیستمی به خانواده را در مشاوره پذیرفته و گسترش داده‌اند. یکی از مهمترین بخش‌های یک سیستم مدیریت ورودی آن سیستم و نیز حفاظت از ساختار خانواده است. اگر افراد یک خانواده در برابر افراد خارج از خانواده به‌طور غیر اصولی نفوذپذیر باشند، نظام یک خانواده را به خطر می‌اندازند. این پدیده به باز و بسته بودن یک نظام و نیز چگونکی تعامل بر اساس اطلاعات یا رفتارهای ورودی به سیستم دارد (پسندیده و همکاران، ۱۳۹۴، ص۲۶).

در متون روان‌شناسی نیز سازه‌های متعددی در مورد ارتباط خویشاوندی یافت می‌شود که ارتباط با دیگران[3]، روابط اجتماعی و نوع‌دوستی[4] از آن جمله است. در حقیقت پیوند با خویشاوندان در روان‌شناسی با تعریف ارتباط با دیگران هم‌پوشی دارد. به سخنی دیگر، ارتباط با بستگان همان ارتباط صمیمی داشتن با دیگران، دوست داشتن و حمایت کردن و همچنین دوست داشته شدن و حمایت شدن است که در ارتباط با افرادی که خویشاوند محسوب می‌شوند مصداق پیدا می‌کند (قاسمی‌پور، ۱۳۸۶، ص۸۷).

در مقابل برخی از پژوهشگران، مبحث خویشاوندی و پیوند با آنان را از مفهوم عام ارتباط با دیگران جدا کرده و به‌طور خاص به آن پرداخته‌اند. به‌طورمثال طباطبائی ندوشن(۱۳۹۵) ضمن بیان اهمیت ارتباط و تعامل با خویشاوندان به برخی از اصول رفتاری

1. Salvador Minuchin.

2. Bowen.

3. relatedness.

4. altruism.

زوجین با خویشاوندان مانند احترام، مدیریت وابستگی، مدیریت انتظاری و ... پرداخته است. برخی دیگر از پژوهشگران اهمیت نوع ارتباط مؤثر با خانواده‌های اصلی (باربار اصفهانی، ۱۳۹۳)، عوامل تحکیم و تضعیف رابطه خویشاوندی و حقوق خویشاوندی مانند ارث بردن (زهیری‌نسب، ۱۳۹۶)، بررسی سبک زندگی دینی اسلامی در حوزه ارتباطات انسانی با خویشاوندان و بستگان نسبی (شرف‌الدین، ۱۳۹۴) و مؤلفه‌های مؤثر در تحکیم روابط خانوادگی و ارتباطات خویشاوندی، مصادیق صلهٔ رحم و آثار و پیامدهای صلهٔ رحم در سیره و اندیشه‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام (خارستانی، ۱۳۹۳) پرداخته‌اند.

اما با مرور اجمالی تحقیق‌های صورت‌گرفته در خصوص ارتباط با خویشاوندان می‌توان دریافت که در پژوهش‌های پیشین به مؤلفه‌های تعامل زوجین با خویشاوندان در یک مدل الگویی به‌صورت مجزا پرداخته نشده است. اهمیت مسئله در ابتدا به‌دلیل فوائد و آثار مثبت فراوانی است که آموزه‌های اسلام برای تعامل و ارتباط با خویشاوندان بیان نموده و از سوی دیگر آثار مثبت روان‌شناختی آن در کاهش تعارض و سطح اختلافات زوجین تأثیر دارد بدان صورت که هرچه میزان ارتباط با شبکه خویشاوندان بیشتر و صمیمیانه‌تر شود از میزان اختلافات زوجین کاسته خواهد شد (دسترنج، ۱۳۹۰).

آنچه نگرانی‌های بسیاری را برانگیخته؛ زندگی ماشینی در عصر امروز است که خانواده‌های گسترده را به خانواده‌های هسته‌ای و کوچک تبدیل نموده و به‌مراتب ارتباطات محدود را جایگزین ارتباطات گسترده کرده است (طباطبائی ندوشن، ۱۳۹۵، ص۹۷). از سوی دیگر الگوی ارتباطی غلط زوجین با خویشاوندان و عدم رعایت ساختارها و مرزهای خانواده در برخورد با بستگان، باعث مداخلات آسیب‌زننده و زمینه‌ساز طلاق می‌باشد (صداقت و همکاران، ۱۳۹۳). نتایج پژوهش زرگر و نشاط (۱۳۸۶) نشان داد که سومین عامل تقاضای طلاق دخالت خانواده‌ها بوده است. عواملی مثل ازدواج با انگیزه رهایی از فضای ناخوشایند خانه پدری و تعارض با خانواده همسر نارضایتی زناشویی را رقم می‌زنند و تعارض شدید با خانواده همسر باعث اقدام اولیه متقاضیان طلاق برای پایان دادن به رابطه زناشویی می‌شود (محسن‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰). نتایج پژوهش‌های بنی‌جمال و همکاران (۱۳۸۳) و ریاحی و همکاران (۱۳۸۶) گویای تأثیر دخالت اطرافیان و وابستگی مالی زوجین در میزان گرایش به طلاق است.

حال با توجه به این که تحقیقات صورت گرفته درباره ارتباط زوجین با خویشاوندان، توجهی به ارائه الگوی تعامل خویشاوندان با استفاده از منابع اسلامی نداشته‌اند، در این پژوهش به‌دنبال بررسی این عوامل و ارائه الگو تعامل زوجین با خویشاوندان خواهیم

بود. بنابراین این پژوهش درصدد پاسخ به این سوال می‌باشد: الگوی تعامل زوجین با خویشاوندان دارای چه مؤلفه‌هایی می‌باشد؟

روش تحقیق

پژوهش حاضر، کیفی از نوع توصیفی- تحلیلی می‌باشد. در مرحله توصیفی به کاوش واژگان و مفاهیم مرتبط با تعامل و ارتباط با خویشاوندان در منابع اسلامی اعم از قرآن و کتب روایی همچنین کتب و مقالات مرتبط پرداخته شده است. در این پژوهش جامعه شامل تمام منابع دینی اعم از قرآن و منابع روایی است و نمونه شامل گزاره‌های مشتمل بر شبکه مفاهیم مرتبط با پیوند و تعامل با خویشاوندان می‌باشد همچنین اطلاعات و داده‌ها از طریق مطالعه و فیش‌برداری از کتب و مقالات و به تجزیه و تحلیل جمع‌آوری و طبقه‌بندی گردید. در مرحله دوم آیات و روایات به‌دست‌آمده که تعدادی بالغ بر ۳۰۰ آیه و روایت بود، مورد بررسی دوباره واقع شد و موارد تکراری از آن حذف گردید. در مرحله سوم آیات و روایات طبقه‌بندی شده و با روش تحلیل محتوای متون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در مرحله چهارم ۷ مقوله به‌عنوان مؤلفه‌های اصلی تشکیل‌دهنده الگو به دست آمد. در مرحله پایانی روایی محتوایی مؤلفه‌ها با روش CVI (Content Validity Index) و CVR (Content Validity ratio) با کمک ۱۰ نفر از کارشناسان روان‌شناسی اسلامی مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌های تحقیق

مؤلفه‌های به‌دست‌آمده در تحقیق شامل: ۱- زیارت خویشاوندان، ۲- تکریم خویشاوندان، ۳- انفاق به خویشاوندان، ۴- عدم آزار و اذیت خویشاوندان، ۵- حمایت اجتماعی از خویشاوندان، ۶- ارشاد خویشاوندان و ۷- پرداخت حقوق خویشاوندان می‌باشد که در جدول (۱) مستندات و نحوه دلالت آنها بررسی شده است.

جدول (۱) مؤلفه‌ها الگو تعامل زوجین با خویشاوندان

ردیف	مؤلفه ها	مستندات	نحوه دلالت
۱	زیارت خویشاوندان	۱- فَإِنَّ الزِّيَارَةَ تَزِيدُ فِي الْمَوَدَّةِ (نوری، ۱۴۰۸، ج۱۳، ص ۲۰۵) ۲- مُروا الأقارِبَ؛ أن يَتزاوُروا (احمدی‌میانجی، ۱۴۲۶، ج۲، ص۳۰۵). ۳- صِلُوا أَرْحَامَكُمْ وَ لَوْ بِالتَّسْلِيمِ (کلینی، ۱۴۰۷، ج۲، ص۱۵۵).	این روایات و امثال آنها صراحت در زیارت خویشاوندان دارد.

ردیف	مؤلفه ها	مستندات	نحوه دلالت
۲	تکریم خویشاوندان	۱- أَكْرِمْ عَشِيرَتَكَ فَإِنَّهُمْ جَنَاحُكَ الَّذِي بِهِ تَطِيرُ وَ أَصْلُكَ الَّذِي إِلَيْهِ تَصِيرُ وَ يَدُكَ الَّتِي بِهَا تَصُولُ وَ هُمُ الْعُدَّةُ عِنْدَ الشِّدَّةِ فَأَكْرِمْ كَرِيمَهُمْ وَ عُدْ سَقِيمَهُمْ (مجلسی، ۱۳، ج۷۱، ص۱۰۵). ۲- إِنَّ صِلَةَ الْأَرْحَامِ لَمِنْ مُوجِبَاتِ الْإِسْلَامِ وَ إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى أَمَرَ بِإِكْرَامِهَا وَ إِنَّهُ تَعَالَى يَصِلُ مَنْ وَصَلَهَا وَ يَقْطَعُ مَنْ قَطَعَهَا وَ يُكْرِمُ مَنْ أَكْرَمَهَا (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص۱۵۶).	در روایت اول و دوم به صراحت از لفظ «اکرام» در حق خویشاوندان استفاده شده است.
۳	انفاق به خویشاوندان	۱- يَسْئَلُونَكَ ماذا يُنْفِقُونَ قُلْ ما أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوالِدَيْنِ وَ الْأَقْرَبِينَ (بقره، ۲۱۵) ۲- وَ لا يَأْتَلِ أُولُوا الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَ السَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولِي الْقُرْبى (نور، ۲۲) ۳- فَمَنْ آتَاهُ اللَّهُ مَالًا فَلْيَصِلْ بِهِ الْقَرَابَةَ (سید رضی، ۱۴۱۴، ص۱۹۸) ۴- لمّا سُئلَ عنِ الصَّدَقةِ على مَن يَسألُ على الأبوابِ، أو يُمسِكُ ذلكَ عَنهُم و يُعطِيهِ ذَوِي قَرابَتِهِ ؟ لا، بل يَبعَثُ بها إلى مَن بينَهُ و بينَهُ قَرابَةٌ، فهذا أعظَمُ لِلأجرِ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج۹۳، ص۱۷۹)	در روایات ذکر شده امام توصیه به انفاق به خویشاوندان داشته و آن را در اولیت قرار داده‌اند.
۴	عدم آزار و اذیت خویشاوندان	۱-فَضْلُ ما تُوصَلُ بِهِ الرَّحِمُ كَفُّ الأذى عَنْها (کلینی، ۱۴۰۷، ج۲، ص۱۵۱). ۲- امام صادق علیه‌السلام : «لَيْسَ تَصِلُونَهُمْ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ كَفِّ الْأَذَى عَنْهُمْ ». (کلینی، ۱۴۰۷، ج۲، ص۱۶۵).	در این دو روایت برترین شیوه صله رحم و پیوند با خویشاوندان اجتناب از اذیت و آزار بستگان معرفی شده است.
۵	حمایت اجتماعی از خویشاوندان	۱- امیرالمؤمنین علیه‌السلام : أيُّها الناسُ، إنّهُ لا يَستَغنِي الرَّجُلُ ـ و إن كانَ ذا مالٍ ـ عَن عِترَتِهِ (عَشِيرَتِهِ)، و دِفاعِهِم عَنهُ بأيدِيهِم و ألسِنَتِهِم، و هُم أعظَمُ الناسِ حِيطَةً مِن وَرائِهِ و ألَمُّهُم لِشَعثِهِ و أعطَفُهُم علَيهِ عندَ نازِلَةٍ إذا نَزَلَتْ بِهِ (سید رضی، ۱۴۱۴، ص۶۵). ۲- امیرالمؤمنین علیه‌السلام : أَلَا لَايعْدِلَنَّ أَحَدُكمْ عَنِ الْقَرَابَةِ يرَى بِهَا الْخَصَاصَةَ أَنْ يسُدَّهَا بِالَّذِي لَا يزِيدُهُ إِنْ أَمْسَكهُ وَ لَا ينْقُصُهُ إِنْ أَهْلَكه (سید رضی۱۴۱۴ ص۶) ۳- أَكْرِمْ عَشِيرَتَكَ فَإِنَّهُمْ جَنَاحُكَ الَّذِي بِهِ تَطِيرُ وَ أَصْلُكَ الَّذِي إِلَيهِ تَصِيرُ وَ يَدُكَ الَّتِي بِهَا تَصُولُ وَ هُمُ الْعُدَّةُ عِنْدَ الشِّدَّةِ (مجلسی، ۱۳، ج۷۱، ص۱۰۵).	در روایات مذکور حمایت اجتماعی در هنگام مشکلات، سختی‌ها و بلاها مورد تأکید واقع شده است.

ردیف	مؤلفه ها		مستندات	نحوه دلالت
۶	ارشاد خویشاوندان		۱-و أَنْذِرْ عَشیرَتَکَ الْأَقْرَبین (شعرا/۲۱۴). ۲- امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «اگر خویشانت را بر خیر و درستی دیدی، یاریشان کن و اگر زندگی نادرستی داشتند بی‌تفاوت مباش و آنان را به حال خود وامگذار، بلکه سعی کن بر اساس اطاعت خدا، با خویشانت همدم باشی زیرا شما تا زمانی که بر پایه اطاعت از فرمان‌های الهی با یکدیگر همکاری و همیاری می‌کنید و از نافرمانی خدا جلوگیری می‌نمایید در زندگی خود، خوشبخت خواهید بود» (طوسی۱۴۰۷، ج۱، ص۳۵۷). ۳- إِذْ قالَ لِأَبیهِ یا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ ما لا یَسْمَعُ وَ لا یُبْصِرُ وَ لا یُغْنی عَنْکَ شَیْئا (مریم/۲۴).	۱- آیه اول به‌خوبی نقش ارشادی و هدایتی در میان خویشاوندان و نزدیکان را بیان می‌کند. این نقش آن‌قدر مهم و تأثیرگذار است که رسالت الهی باید از این مرحله و از میان بستگان و فامیل آغاز شود. ۳- حضرت ابراهیم علیه‌السلام نخست عمو یا جد مادری خویش را از بت پرستی نهی می‌کند و او را به راه حق دعوت می‌کند.
۷	ادای حقوق خویشاوندی	وصیت	کُتِبَ عَلَیْکُمْ إِذا حَضَرَ أَحَدَکُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَکَ خَیْراً الْوَصِیَّةُ لِلْوالِدَیْنِ وَ الْأَقْرَبینَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَی الْمُتَّقین (بقره/۱۸۰).	۱- برخی از فقهاء از کلمه «کتب» حکم وجوب را برداشت کرده‌اند. ۲-منظور از خیر مالی است که از راه مشروع به‌دست‌آمده باشد و در مسیر سود و منفعت اجتماع باشد. (مکارم و همکاران، ۱۳۷۷ج۱ص۶۶۵).
		ارث	لِلرِّجالِ نَصیبٌ مِمَّا تَرَکَ الْوالِدانِ وَ الْأَقْرَبُونَ وَ لِلنِّساءِ نَصیبٌ مِمَّا تَرَکَ الْوالِدانِ وَ الْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ کَثُرَ نَصیباً مَفْرُوضاً (نساء/۷).	
		احسان	وَ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ لا تُشْرِکُوا بِهِ شَیْئاً وَ بِالْوالِدَیْنِ إِحْساناً وَ بِذِی الْقُرْبی وَ الْیَتامی وَ الْمَساکینِ وَ الْجارِ ذِی الْقُرْبی (نساء/۳۶)	خداوند بعد از امر کردن به عبادت خود و دوری از شرک، امر به احسان می‌کند نسبت به والدین و خویشان و ... .

برای ارزیابی مفاهیم به‌دست‌آمده نحوه دلالت و مستندات آنها در قالب دو پرسشنامه در اختیار ده نفر از کارشناسان علوم دینی و روان‌شناسی -دارای تحصیلات حورزوی در مقطع درس خارج و تحصیلات آکادامیک (دکتری)- قرار گرفت تا آنها را از لحاظ نسبت و شاخص روایی ارزیابی کنند و از این طریق هفت مؤلفه مورد تأیید قرار گرفت که در جدول (۲) آمده است:

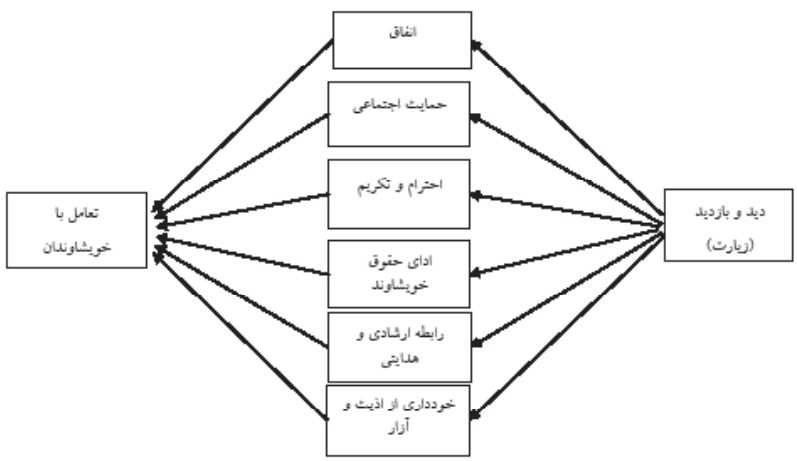
جدول (۲) میزان CVR و CVI به‌دست‌آمده برای مؤلفه‌ها

ردیف	مؤلفه	CVI	CVR	نتیجه (رد / تأیید)
۱	زیارت خویشاوندان	۱	۱	تأیید
۲	تکریم خویشاوندان	۱	۱	تأیید
۳	انفاق به خویشاوندان	۱	۱	تأیید
۴	عدم آزار و اذیت خویشاوندان	۱	۱	تأیید
۵	حمایت اجتماعی از خویشاوندان	۱	۱	تأیید
۶	ارشاد خویشاوندان	۰/۸۱	۱	تأیید
۷	ادای حقوق خویشاوندی	۰/۸۱	۱	تأیید

با توجه به داده‌های به‌دست‌آمده از نمرات تخصیص‌یافته از جانب کارشناسان، مؤلفه‌های استخراج‌شده مورد تأیید قرار گرفت.

پس از به دست آمدن مؤلفه‌های مدل ارتباطی زوجین با خویشاوندان با توجه به آیات و روایات و نحوه ارتباط این مؤلفه‌ها با هم به مدل ارتباط با خویشاوندان از طریق دید و بازدید و برطرف کردن نیازهای دیگر رسیدیم که در شکل (۱) مدل آن ارائه شده است.

شکل (۱): الگوی ارتباطی زوجین با خویشاوندان



در این مدل ابتدا زوجین با خویشاوندان خود ارتباط حضوری یا غیرحضوری مؤثر پیدا می‌کنند و پس از ارتباط و متوجه شدن مشکلات و خواسته‌های یکدیگر به دیگر مؤلفه‌های ارتباط نیز می‌توانند دست پیدا می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق، ذیل سوال پژوهش یعنی «الگوی تعامل زوجین با خویشاوندان دارای چه مؤلفه‌هایی می‌باشد؟» مورد بررسی قرار گرفت. براساس یافته‌های جدول (۱) مؤلفه‌های هفت‌گانه به‌دست‌آمده الگوی تعامل زوجین با خویشاوندان شامل: ۱- زیارت خویشاوندان، ۲- تکریم خویشاوندان، ۳- انفاق به خویشاوندان، ۴- عدم آزار و اذیت خویشاوندان، ۵- حمایت اجتماعی از خویشاوندان، ۶- ارشاد خویشاوندان و ۷- پرداخت حقوق خویشاوندان می‌باشد که بنا بر یافته‌های جدول (۲) همه مؤلفه‌ها پس از ارزیابی محتوایی مورد تأیید کارشناسان قرار گرفت. پس از به دست آمدن مؤلفه‌های مدل ارتباطی زوجین با خویشاوندان با توجه به آیات و روایات و نحوه ارتباط این مؤلفه‌ها با هم به مدل ارتباط با خویشاوندان از طریق دید و بازدید و برطرف کردن نیازهای دیگر رسیدیم که در شکل (۱) مدل آن ارائه شده است.

تا کنون تحقیقی که بتواند یک الگوی رفتاری برای زوجین جهت ارتباط و تعامل با خویشاوندان ترسیم کند صورت نگرفته است. یافته‌های این پژوهش با نتایج به‌دست‌آمده از تحقیقات طباطبائی ندوشن (۱۳۹۵)، بارباز اصفهانی (۱۳۹۳)، زهیری‌نسب (۱۳۹۶) و انصاری (۱۴۰۰) هم‌سو بوده است و تحقیقاتی که با نتایج این پژوهش ناهم‌سو باشد رؤیت نگردید. در ادامه مؤلفه‌های به‌دست‌آمده در این پژوهش به‌صورت اختصار توضیح داده شده و برخی از مستندات آنها بیان خواهد شد.

ارتباط و تعامل با خویشاوندان دارای جنبه‌های فراوان و گوناگونی است که در قرآن و روایات از آن بیشتر با عنوان «صله رحم» یاد می‌شود. البته در نگاه نخست «صله رحم» ظهور و بروز در دید و بازدیدها و رفت‌وآمدها دارد ولی با کنکاش دقیق و بررسی عمیق در آیات و روایات می‌توان دریافت که معنایی فراتر و گسترده‌تر از یک دید و بازدید ساده از «صله رحم» منظور است. ازاین‌رو تحت این عنوان تکالیفی بر عهده انسان بیان شده همچنین مزایا و آثار دنیوی و اخروی، فردی و اجتماعی بسیاری برای آن برشمرده است. مؤلفه‌هایی که برای زوجین ارائه شد در واقع یک نوع مهارت ارتباطی با خویشاوندان است که زوجین با به کار

بستن این مهارت و ممارست بر آن می‌توانند به یک الگوی رفتاری و کرداری در تعامل با خویشاوندان دست پیدا کنند. با توجه به جامعیت اسلام علاوه بر جنبه معنوی و اجر و ثواب اخروی جنبه مادی نیز لحاظ شده است همچنین مسائل روان‌شناختی نیز مورد توجه بوده است. هر کدام از این مؤلفه‌ها و شرایط دارای آثار دینی و روان‌شناختی متفاوتی هستند که هر کدام به نوبه خود برای هر انسانی ضروری به‌نظر می‌رسد.

۱- زیارت خویشاوندان: زوجین بعد از ازدواج به‌صورت ظاهری و فیزیکی از خانواده‌های اصلی خود و بستگان فاصله می‌گیرند و دور می‌شوند چنانچه این دید و بازدیدها و رفت‌وآمد زوجین با خویشاوندان صورت نگیرد به سبب تعلق فطری و طبیعی انسان به خانواده اصلی و خویشان، ممکن است زوجین به‌خصوص زن، نشاط و طراوت و شادابی خود در زندگی زناشویی را از دست بدهند. از حیث روان‌شناختی اساساً وقتی افراد قوم و خویش همدیگر را دیده و با یکدیگر معاشرت و مراوده می‌کنند، ناخودآگاه، خُلق آنها گشوده شده و اگر احیاناً در تعاملات فامیلی سوابق تجربه‌های هیجانیِ منفی داشته‌اند در این مراودات بخش زیادی از آن موج‌های منفی به فراموشی سپرده شده و یا از اثرات زیان‌بار آنها کاسته می‌گردد. وقتی زوجین اهل رفت‌وآمد باشند، توانمندی و احساس کارآمدی و قدرت حل مشکل در وجود آنها به طرز بسیار قابل توجهی بالا می‌رود و وقتی چنین امر مهمی حاصل گردد، طبعاً روی ارتقای سلامت فکری و روانی زوجین نیز اثرگذار خواهد بود و در نهایت سرریز این برکات متوجه خانواده می‌شود که افرادی سالم از حیث فکری و روانی در درون خود دارد و به تداوم و افزایش آرامش منجر خواهد شد. تحقق این مؤلفه به‌صورت‌های گوناگون مثل یک سلام کردن ساده[۱]، مهمانی و اطعام[۲] و یا عیادت به هنگامی بیماری[۳] می‌تواند صورت گیرد.

۲- انفاق به خویشاوندان: این مؤلفه در واقع همان بعد اقتصادی و مادی می‌باشد. دین اسلام نه‌تنها بعد معنوی و اخروی تأکید دارد بلکه می‌خواهد این ارتباط و تعامل با خویشاوندان باعث ارتقاء مالی و اقتصادی خویشاوندان و زوجین نیز بشود. در دین اسلام بر انفاق و دستگیری به نیازمندان بسیار تأکید شده و دراین‌باره آیات[۴] و روایات[۵] فراوانی وارد

۱. امیرالمؤمنین علیه‌السلام: «صِلُوا أَرْحَامَكُمْ وَ لَوْ بِالتَّسْلِيمِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج۲، ص۱۵۵).
۲. امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمودند: «فَمَنْ آتَاهُ اللَّهُ مَالًا فَلْيَصِلْ بِهِ الْقَرَابَةَ وَ لْيُحْسِنْ مِنْهُ الضِّيَافَةَ» (سید رضی، ۱۴۱۴، ص۱۹۸).
۳. امام صادق علیه‌السلام: «عُدْ سَقِيمَهُمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج۷۴، ص۲۱۶).
۴. مَثَلُ الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِّائَةُ حَبَّةٍ وَ اللهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَ اللهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (بقره/۲۶۱).
۵. امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمودند: «طُوبَى لِمَنْ أَنْفَقَ الْفَضْلَ مِنْ مَالِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج۴۸، ص۲۸۳).

شده است اما بر اولویت قرار دادن بستگان و فامیل به‌خصوص پدر و مادر تأکید کرده است. تا آن‌جایی که قرآن کمک به بستگان را جزء حقوق مالی محسوب می‌کند و آنجا که سخن از کمک اقوام به میان آمده، آن را به‌عنوان یک حق واجب ذکر کرده، می‌فرماید: «وآتِ ذَالقربی حقَّهُ و المِسکین» (اسراء/۲۶).

۳-احترام و اکرام خویشاوندان: احترام و اکرام یک هنجار عاطفی و اخلاقی است که باعث افزایش صمیمیت، مهربانی و محبت می‌شود و همچنین دارای آثار مثبت فردی برای خود شخص نیز می‌باشد و آن کسب عزت‌نفس از طریق احترام و اکرام دیگران نسبت به او است.

۴- اجتناب از اذیت و آزار خویشاوندان: این یکی از مؤلفه‌های بسیار ارزنده‌ای است که دید متعالی اسلام نسبت به بحث خویشاوندان را می‌رساند چرا که در مؤلفه‌های دیگر خداوند از انسان می‌خواهد که یک رفتار یا گفتار را نسبت به خویشاوندان انجام دهد و در واقع یک چیزی از خود بروز و ظهور دهند اما در این مؤلفه خداوند از انسان می‌خواهد که یک عمل یا رفتار خاص که از نظر اسلام ناپسند و مذموم است را نسبت به خویشاوندان خویش ترک نماید و اتفاقاً آن را مصداق بهترین پیوند با خویشاوندان می‌داند[۱]. و این حداقل چیزی است که باید نسبت به خویشاوندان رعایت کرد.

۵- حمایت اجتماعی از خویشاوندان: این مؤلفه رشد و بالندگی خانواده‌ها و زندگی زوجین و در نهایت جامعه را در پی خواهد داشت. در پرتو پیوند با خویشان حمایت اجتماعی افراد از یکدیگر به خصوص در مقاطع بحرانی و چالش‌برانگیز، افزایش و رشد پیدا می‌کند. یکی از مهم‌ترین مهارت‌های افراد، مهارت مواجهه درست و به‌اندازه با مشکلات و چالش‌های زندگی است که در پرتوی تعامل و پیوند با خویشان و تقویت بعد اجتماعی، این مهارت در حد بالایی برای فرد امکان‌پذیر می‌شود. امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرمایند: «روزگار دو گونه برای انسان رقم می‌خورد: روزی به کام تو و روزی به زیان تو»[۲]. در روزهای سختی زندگی این حمایت اجتماعی، همراهی و همدلی خویشاوندان است که می‌تواند باعث دلگرمی انسان شود و تاب و تحمل و طاقت انسان را در مقابل سختی‌ها بالا ببرد.

۶- رابطه ارشادی و هدایتی با خویشاوندان: این مؤلفه به نقش گروه و اجتماع به‌خصوص در حوزه خویشاوندان در جهت‌دهی و هدایت فکری و اعتقادی اشاره دارد و

۱. امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «... اَفْضَلُ ما تُوصَلُ بِهِ الرَّحِمُ کَفُّ الأذی عَنْها» (کلینی، ۱۴۰۷، ج۲، ص۱۵۱).
۲. الدهرُ یَومانِ : فیَوْمٌ لَکَ و یَومٌ علَیکَ (تحف العقول، ص۲۰۷).

از آن‌جایی که اسلام روی اندیشه و مسائل فکری و اعتقادی تأکید و حساسیت زیادی دارد به این بخش از الگوی رفتاری خویشاوندان تأکید دارد. چنانچه این مطلب را به وضوح در سیره خود پیامبر ﷺ دیده می‌شود آن زمانی که برای اولین‌بار می‌خواستند رسالت خویش را آشکار نمایند از خویشان و بستگان خود آغاز کردند. همچنین سیره ائمه علیهم‌السلام و علماء و بزرگان دین نیز چنین بوده است. در قرآن نیز در چندجا وقتی بحث از تعلیم و تربیت دینی مطرح می‌شود اول بستگان، پدر و مادر و فرزندان اشاره دارد.

۷- ادای حقوق خویشاوندی: آنچه از مؤلفه‌های قبل بیان شد به‌نوعی حقوق خویشاوندی محسوب می‌شوند اما در اینجا منظور دو مورد خاص است:

الف)وصیت برای خویشاوندان: در این بخش خویشاوندان فقیر و مستمند مورد نظر اسلام است که سفارش شده هر کسی که دارای مالی از دنیاست بخشی از این مال را بعد از وفات خویش برای آنها قرار دهد که بنا بر اختلافی بین فقهاء وجود دارد برخی قائل به وجوب این نوع وصیت شده‌اند.

ب)ارث: یک نوع حقوق مالی برای خویشاوندان است و خداوند برای آنها مقرر کرده است و کسی نمی‌تواند آنها را از این حق شرعی محروم کند. قابل توجه است که خیلی از احکامی که در اسلام مطرح شده است به‌صورت کلی در قرآن بیان شده و جزئیات و تفصیل آن در روایات از زبان اهل‌بیت علیهم‌السلام بیان شده است. درباره ارث به‌خاطر اهمیت آن، چهارچوب اصلی و کامل و به‌صورت روشن در قرآن بیان شده است.

ج) احسان: در مورد احسان دو نکته قابل ذکر است: اول: در آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسانِ وَإِيتاءِ ذِي الْقُرْبى وَيَنْهى عَنِ الْفَحْشاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُون»[۱](نحل/۹۰) احسان کنار عدل[۲] قرار گرفته است و این نشان از اهمیت آن است. دوم اینکه: با توجه به مقدم شدن خویشاوندان بر یتیمان و مساکین و همسایه‌ها در دو آیه زیر: «وَ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ لا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئاً وَ بِالْوالِدَيْنِ إِحْساناً وَ بِذِي الْقُرْبى وَ الْيَتامى وَ الْمَساكِينِ وَ الْجارِ ذِي الْقُرْبى ...»[۳].

---

۱. به راستی خدا به عدالت و احسان و بخشش به خویشاوندان فرمان می‌دهد، و از فحشا و منکر و ستمگری نهی می‌کند. شما را اندرز می‌دهد تا متذکّر [این حقیقت] شوید [که فرمان‌ها الهی، ضامن سعادت دنیا و آخرت شماست».

۲. عدل همان قانونی است که تمام نظام هستی بر محور آن می‌گردد، آسمان‌ها و زمین و همه موجودات با عدالت بر پا هستند؛ (بالعدل قامت السماوات و الارض) (نمونه، ج۱۱، ص۳۶۶).

۳. خدا را بپرستید، و چیزی را شریك او قرار ندهید، و به پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و همسایه نزدیك و همسایه دور و همنشینان».

(نساء/۳۶) و «وَ إِذْ أَخَذْنا میثاقَ بَنی إِسْرائیلَ لا تَعْبُدُونَ إِلاَّ اللَّهَ وَ بِالْوالِدَیْنِ إِحْساناً وَ ذِی الْقُرْبی وَ الْیَتامی وَ الْمَساکینِ وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْناً»[۱] (بقره/۸۳). این نشان از ارزشمندتر بودن احسان به خویشاوندان نسبت به احسان بر دیگران است.

منابع

- ***قرآن مجید***.
- احمدی، محمدرضا (۱۳۸۰)، «نقش صله رحم در بهداشت روانی»، ***ماهنامه تخصصی معرفت***، شماره ۴۶، سال دهم.
- افقری، فاطمه (۱۳۹۱)، ***تدوین و استانداردسازی بسته آموزشی بومی مهارت‌های ارتباط زوجین با خانواده اصلی بر مبنای آسیب‌شناسی تعاملی در خانواده‌های شهر اصفهان***، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه اصفهان.
- انصاری، علیرضا (۱۴۰۰)، «رفتارشناسی زوجین با خویشاوندان از نگاه قرآن»، ***نشریه پاسدار اسلام***، شماره ۴۷۵.
- آزادی، آذر (۱۳۸۸)، ***بررسی تطبیقی مفهوم علاقه اجتماعی در دیدگاه آدلر و صله رحم در متون اسلامی***، دانشگاه علامه طباطبایی ﷺ، تهران.
- بار باز اصفهانی، نجمه (۱۳۹۳)، «مدیریت ارتباط با خانواده اصلی و خانواده همسر از دید مشاور خانواده و اسلام»، ***فصلنامه فرهنگی-تربیتی زنان و خانواده***، شماره ۲۸.
- بنی‌جمالی، شکوه‌السادات؛ نفیسی، غلامرضا و یزدی، سیده منوره (۱۳۸۶)، «ریشه‌یابی علل از هم پاشیدگی خانواده‌ها در رابطه با ویژگی‌های روانی-اجتماعی دختران و پسران قبل از ازدواج»، ***مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی***، شماره ۲-۱، بهار و تابستان.
- پسندیده، عباس؛ جان‌بزرگی، مسعود و آذربایجانی مسعود (۱۳۹۴)، «الگوی نظری مداخله «انعطاف نفوذناپذیری» در خانواده درمانگری سیستمی معنوی برای مدیریت مرزهای خانواده بر اساس حدیث «العزیزة»»، ***مجله علوم و حدیث***، سال بیست و سوم، شماره اول.
- خارستانی، اسماعیل و سیفی، فاطمه (۱۳۹۳)، «نقش صله رحم در تحکیم خانواده»، ***پژوهش‌های اجتماعی اسلامی***، شماره اول.
- دسترنج، منصوره (۱۳۹۰)، «بررسی عوامل مرتبط با اختلافات خانوادگی»، ***فصلنامه زن و جامعه***، شماره ۱، بهار.

---

۱. «و [یاد کنید] زمانی که از بنی‌اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خدا را نپرستید، و به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و مستمندان نیکی کنید، و با مردم با خوش‌زبانی سخن گویید».

• رضوانی طوسی، سیدمجتبی (۱۳۹۲)، «جایگاه روابط خویشاوندی و صله رحم در تعاملات خانوادگی و روزمره، مطالعات شهروندان تهرانی»، ***فصلنامه اخلاق زیستی***، سال ۳، ش ۱۴.

• ریاحی، محمداسماعیل؛ وردی‌نیا، اکبرعلی و بهرامی کاکاوند، سیاوش (۱۳۸۶)، «تحلیل جامعه‌شناختی میزان طلاق»، ***فصلنامه پژوهش زنان*** (وزارت علوم)، شماره ۳.

• زرگر، فاطمه و نشاط دوست، حمیده طاهر (۱۳۸۶)، «بررسی عوامل مؤثر در بروز طلاق در شهرستان فلاورجان»، ***فصلنامه خانواده پژوهشی***، شماره۱۱، پاییز.

• سالاری‌فر، محمدرضا (۱۳۷۹)، «مقایسه نظریه خانواده درمانی مینوچین با دیدگاه اسلام در باب خانواده»، ***پژوهشگاه حوزه و دانشگاه***، زمستان، قم.

• سجادی، سید ابراهیم (۱۳۶۸)، «نقش خویشاوند در تحکیم خانواده»، ***فصلنامه پژوهش‌های قرآنی***، شماره ۵۰- ۴۹، تابستان.

• سیاوشی، حسین و نوابی‌نژاد، شکوه (۱۳۸۴) «رابطهٔ بین الگوهای ارتباط زناشویی و باورهای غیرمنطقی دبیران دبیرستان‌های شهر ملایر»، ***نشریه تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره***، شماره ۱۴، پاییز.

• شرف‌الدین، سیدحسین (۱۳۹۴)، «جایگاه صله رحم در سبک زندگی»، ***فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌نامه اخلاق***.

• صداقت، کامران و اسدیان، عقیل (۱۳۹۳)، «تبیین جامعه شناختی عوامل اجتماعی مؤثر بر طلاق (مطالعه موردی: شهرستان قائم شهر)»، ***فصلنامه جامعه شناسی کاربردی***، شماره دوم.

• طباطبایی ندوشن، سیده مریم (۱۳۹۵)، «رفتارشناسی زوجین با خویشاوندان»، ***ره‌توشه محرم***.

• طوسی، محمد بن حسن(بی تا)، ***التبیان فی تفسیر القرآن***، ناشر دار احیاء التراث العربی، بیروت.

• قاسمی‌پور، یداله (۱۳۸۶)، «آثار صله رحم از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی و کاربرد تربیتی آن»، ***فصلنامه تربیت اسلامی***، شماره۵، زمستان.

• کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳)، ***الکافی***، تهران: دارالکتب الاسلامیة.

• مجلسی، محمد باقر (۱۴۱۳)، ***بحار الانوار***، دارالاحیاء التراث، بیروت.

• محبوبی، عباس (۱۳۹۴)، «راه‌های مهرورزی و محبت به خویشاوندان»، ***تسنیم***، اسفند.

• محسن زاده، فرشاد و نظری، علی‌محمد (۱۳۹۰)، «مطالعه کیفی عوامل نارضایتی زناشویی و اقدام به طلاق»، ***فصلنامه شورای فرهنگی-اجتماعی زنان و خانواده***، شماره۵۳، پاییز.

اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی
سال هشتم، شماره اول، پیاپی ۱۷، بهار و تابستان ۱۴۰۱ (ص ۱۱۳-۱۳۱)

پیش‌بینی سبک‌های هویت دختران نوجوان براساس عزّت نفس و خودپنداره آنها

Predicting the Identity Styles in Adolescent Girls Based on their Self-Esteem and Self-Concept

✍ **فاطمه داوری شلمزاری**/ دانش پژوه مقطع دکتری قرآن و روانشناسی، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعة المصطفی العالمیه، قم، ایران.
محمدرضا رمضانی چالشتری/ دانش‌پژوه دکتری رشته قرآن و روانشناسی مرکز تخصصی قرآنی امام علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام، همکار جامعه المصطفی، قم، ایران.

Fatemeh Shalamzari Davari /Ph.D. in Quran and Psychology, Bent al-Hoda Higher Education Complex, AlMustafa –Alamiyeh Society, Qom, Iran. davarish69@gmail.com
Mohammad Reza Ramazani Chaleshtari / Ph.D. in the Qur'an and Psychology of the Qur'anic Specialty Center of Imam Aliebne Abi Taleb – Collaboration of AlMustafa Society, Qom, Iran.

چکیده
پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی سبک‌های هویت دختران نوجوان براساس عزّت نفس و خودپنداره آنها انجام شد. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود و جامعه آماری را دختران ۱۵سال به بالای شهر قم تشکیل می‌دادند. از میان جامعه آماری تعداد ۱۳۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شد. برای گردآوری داده‌های پژوهش از پرسشنامه‌های خودپنداره راجرز(۱۹۵۷)، عزّت نفس کوپر اسمیت (۱۹۶۷) و سبک‌های هویت‌یابی ISI-G۶ (وایت، وامپلر و وین، ۱۹۹۸) استفاده شد. داده‌ها به‌وسیله نرم‌افزار SPSS و با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی از نوع میانگین، انحراف معیار، فراوانی، ضریب همبستگی و رگرسیون چندگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج رگرسیون نشان داد که عزّت نفس ۲ درصد و خودپنداره ۱۲ درصد سبک‌های هویت دختران نوجوان را پیش‌بینی می‌کنند.
کلیدواژه‌ها: سبک‌های هویت، خودپنداره، عزّت نفس، دختران.

Abstract
The present study aims at predicting identity styles in adolescent girls based on their self-esteem and self-concept. The research method was descriptive of correlative type, and the statistical population consisted of 15 year older girls and in Qom City. Among the statistical population, 130 subjects were selected through available sampling. To gather data, we used Roger's self-concept questionnaire (1957), Coopersmith self-esteem inventory, and G6-ISI identity styles (White, Wampler, and Wayne, 1998). The data were analyzed using the SPSS software as well as the descriptive and inferential statistics such as mean, standard deviation, frequency, correlation coefficient and multiple regression. The result of regression showed that self-esteem predicts 2٪ and the self-concept predicts 12٪ of the identity styles among adolescent girls.

Keyword: identity styles, self-concept, self-esteem, girls.

مقدمه

پرسش هر انسانی از کیستی و چیستی خود، پرسشی دائمی و گریزناپذیر در زندگی اجتماعی، مردمان بوده است و تلاش برای پاسخگویی به این پرسش و ایجاد حسی از هویت[1] قدمتی بسیار طولانی دارد. ایده و اندیشهٔ هویت حتی در لوحه‌های مربوط به عهد عتیق (روزگار باستان) نیز دیده می‌شود و در همهٔ زبان‌های رایج و همهٔ سخنرانی‌های اندیشمندانه رد پایی از آن را میتوان یافت (تریاندیس[2]، ۱۹۸۹).

اسنید[3] و وایت بورن (۲۰۰۳) بر این باورند که هویت مانند قطب‌نما، فرد را در طول زندگی‌اش هدایت می‌کند و به او جهت می‌دهد و منجر به ایجاد طرحوارهٔ شناختی-اجتماعی سازماندهی‌شده‌ای می‌گردد که از طریق آن، فرد تجربیاتش را تعبیر و تفسیر می‌کند و تحت‌تأثیر تجارب قرار می‌گیرد. گلاسر[4](۱۹۷۷) تنها نیاز اساسی انسان را نیاز به هویت یعنی اعتقاد به این که ما فردی متمایز از دیگران و همچنین شخص مهم و با ارزشی هستیم دانسته است (پورعلی، ۱۳۸۵).

اریکسون[5] نیز هویت را یک مفهوم سازمان‌یافته از خود می‌داند که از ارزش‌ها، باورها و اهدافی که فرد به آن پایبند است تشکیل شده است. او همچنین کارکرد هویت را ایجاد هماهنگی میان‌پندار فرد به‌عنوان یک فردی بی‌نظیر و دارای ثبات و تصور دیگران از خود می‌داند؛ به عبارتی به عقیده اریکسون هویت، ایجاد تعادل میان خود و دیگران است (اریکسون، ۱۹۶۸، ص۲۴).

او بر این باور است که در هر مرحله فرد با یک تکلیف یا بحران رشدی مواجه می‌شود که باید آن را پشت سر گذارد تا بتواند مطابق با الگوی رشد سالمی به زندگی خود ادامه دهد. وی در همین راستا بحران اساسی مرحلهٔ پنجم یا دوران نوجوانی را هویت‌یابی در برابر سردرگمی هویت می‌داند (شاملو، ۱۳۷۷). برخورد روانی در این دوره شکل‌گیری احساس هویت می‌باشد. نوجوان باید این تعارض را حل کرده و یک شخصیت واحد و کاملا منسجم برای خود ایجاد کند (شولتز[6]، ۱۳۹۶).

---

1. identity.
2. Triandis.
3. Sneed.
4. Glasser.
5. Erickson.
6. Schultz.

از آنجا که هویت یک امر ضروری در رشد شخصی انسان است و افراد دارای این ویژگی افراد موفق‌تری هستند با این ویژگی‌ها توصیف می‌شوند: آنها شخصا عقاید و ارزش‌های خود را با اکتشاف فعال به‌دست آورده و خود را نسبت به این باورها و ارزش‌ها متعهد می‌دانند (بوید[1] و همکاران، ۲۰۰۳). این افراد، عقایدی را که با شخصیت کنونی آنها و همچنین با انتظارات مربوط به آینده برای دست‌یابی به تعریفی روشن از خود بیشترین تطابق و هماهنگی را دارد، برمی‌گزینند (آرچر[2]، ۱۹۸۲).

مناسب‌ترین معادل سازه هویت در منابع اسلامی، معرفت نفس به‌شمار می‌رود (نوری و همکاران، ۱۳۹۵). به‌طورکلی می‌توان این مرحله را جستجو برای جهان‌بینی صحیح به‌منظور راهیابی به اهداف زندگی نامید. در تعدادی از روایات، پرداختن به این امر برای نوجوانان و جوانان ضروری دانسته شده و گفته شده است که جوان و نوجوان باید در حال آموختن باشد و یا به دانش صحیح دست یافته باشد (حکیمی و دیگران، ۱۳۹۵). امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: رَحِمَ اللهُ اِمْرَءً اَعد لِنفْسِه وَ اسْتعد لِرَمْسِه وَ علِمَ مِن اَیْن وَ فی اَیْن وَ اِلی اَیْن (دیلمی، ۱۴۰۹، ص۳۴۴)؛ خدا رحمت کند کسی را که آنچه لازم است، برای نفس خود تهیه و خویشتن را برای قبر آماده کند. آن انسانی که بداند از کجا آمده و درکدام راه است و به سوی کدام مقصد باز می‌گردد.

این سه شناخت در حقیقت دست‌یابی به نوعی معرفت درباره نفس است که لازمه شناخت مبدأ نفس یعنی خدای متعال، شناخت نفس در این عالم است. بنابراین می‌توان گفت حل صحیح مسائل اساسی در جهان‌بینی می‌تواند راه را برای حل مسائل دیگر باز کند. کسی که نسبت به خدای متعال شناخت پیدا کرده به هدف و فلسفه وجودی انسان پی برده است. با کسی که به این معرفت دست نیافته، در رفتارها وجهت‌گیری‌ها بسیار متفاوت است (رهنما و دیگران، ۱۳۸۵).

افرادی که نتوانند به یک هویت منسجم دست یابند، در واقع یک بحران هویت[3] را تجربه میکنند، چیزی را نشان میدهند که اریکسون آن را ابهام نقش می‌نامد. آنها نمی‌دانند که کیستند؟ و یا چه هستند؟ به کجا تعلق دارند؟ و یا به کجا میخواهند بروند؟ (شولتز، ۱۳۹۰).

مفاهیم «گم کردن خود» و «جهل به نفس» در روایات، به‌عنوان مفاهیم متضاد معرفت نفس نیز، خصوصیت شبیه بحران هویت را منعکس می‌کنند (نوری و همکاران، ۱۳۹۵).

1. Boyd.

2. Archer

3. Identity Crisis

اغلب افرادی که هویت شکل‌نایافته‌ای دارند، دارای شخصیت بسیار منفعلی هستند و این احساس خودکم‌بینی، زمینه‌ای برای نفوذ اندیشه‌ها و ارزش‌های غلط بیگانگان می‌شود (جعفری‌نژاد، ۱۳۸۷). چنین شخصی در درجه اول از حقیقت وجودی خود و استعداد و توانمندی‌هایی که دارد، آگاهی لازم را ندارد و در درجه دوم، از هدف خلقت و نقشی که در نظام هستی بر عهده اوست بی‌اطلاع است. در نتیجه، از تشخیص شیوه درست ارتباط با دیگران و برخورد با پیش‌آمدها عاجز است. شخصی با این چنین ویژگی‌ها نمی‌تواند نقش مثبتی در زندگی ایفا کند (رحیم‌پور، ۱۳۹۸). بی‌برنامگی در زندگی، غفلت از فرصت‌ها، مسئولیت‌گریزی، تقلید کورکورانه از دیگر آثار عدم هویت‌یابی است (هاشمی و جوکار، ۱۳۸۹).

بروزنسکی[1](۱۹۹۰) در بررسی‌های خود نتیجه گرفت که افراد به‌طور کلی هویتشان را براساس سه جهت‌گیری پردازش شناختی بنیان نهاده، حفظ کرده و مورد تجدید نظر قرار می‌دهند. که از آنها به‌عنوان سبک‌های پردازش هویت نام می‌برد. از نظر او سبک‌های هویت[2]، فرایندها و راهبردهایی هستند که افراد برای شناخت خود و حل مسائل مرتبط با آن به کار می‌گیرند. این سبک‌ها عبارتند از: سبک اطلاعاتی[3]، هنجاری[4]، گسیخته- اجتنابی[5] (سانتز[6] و همکاران، ۲۰۰۵).

نوجوانان با سبک هویت اطلاعاتی فعالانه به جستجو و ارزیابی اطلاعات مربوط به هویتشان می‌پردازند (بروزنسکی، ۲۰۰۲). چنین افرادی، سطوح بالای پیچیدگی شناختی، احتیاط در تصمیم‌گیری را نشان می‌دهند. همچنین در برخورد با مشکلات بر اساس دلائل معقول و سنجیده عمل کرده و ازاین‌رو شاید بتوان این سبک هویتی را به‌عنوان سبک هویتی برتر در نظر گرفت (چیک، اسمیت و تراپ[7] ۲۰۰۲).

افراد با سبک هویت هنجاری، در مقابل ناهماهنگی دارای تحمل پایینی بوده و به

1. Berzonsky.
2. identity styles.
3. Informational style.
4. normative style.
5. diffuseavoidance style.
6. Soenens.
7. Cheek ,Smith & Tropp.

ساخت و شناخت‌های بسته متکی هستند و برای حفظ و نگهداری هویت و تعهد حالت تدافعی به خود می‌گیرند (بروزنسکی و کاک[1]، ۲۰۰۰).

سبک گسیخته- اجتنابی در نوجوانانی دیده می‌شود که تمایلی به رویارویی با مشکلات شخصی و مسائل مربوط به هویتشان و حل آنها ندارند. این افراد در تصمیم‌گیری‌هایشان تعلل می‌ورزند و تا زمانی که تقاضاهای محیطی، نوع خاصی از عمل را به آنها دیکته کند، آنها را به تأخیر می‌اندازند (بروزنسکی، ۱۹۹۰).

با توجه به اهمیت انتخاب سبک هویتی مناسب در نوجوانان، مهم است که عوامل اثرگذار بر سبک‌های هویتی در این دوران را بدانیم. به نظر می‌رسد یکی از عوامل اثرگذار بر سبک‌های هویت‌یابی نوجوانان دختر، عزّت نفس[2] آنان است.

در این راستا، عزّت نفس یا ارزش گذاشتن به ویژگی‌های خود که یکی از موضوعات مهم و قابل بحث درباره رشد خود محسوب می‌شود می‌تواند به شکل‌گیری یکی دیگر از جنبه‌های مهم رشد خود که همان شکل‌گیری و تکوین هویت فردی است بیانجامد (سیاه سیاری و حسین شاهی، ۱۳۸۹).

اگر در سال‌های کودکی و نوجوانی، خانواده بیشترین تأثیر را در شکل‌گیری هویت برعهده داشت در دوره نوجوانی محیط زندگی اجتماعی و خود نوجوان نقش اساسی را در تثبیت هویت ایفا می‌کند (لطف‌آبادی، ۱۳۷۸).

تحقیقات نشان داده است که نوع انتخاب سبک‌های هویت با عزّت نفس دختران رابطه دارد. حسین‌زاده و سپاه‌منصور(۱۳۹۰) در پژوهش خود بیان کردند که عزّت نفس با سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری رابطه مثبت و معنادار و با سبک سردرگم- اجتنابی رابطه منفی معنادار دارد. نتایج پژوهش باقری و جعفری فوتمی (۱۳۹۵) نشان داد که افزایش میزان عزّت نفس دانشجویان می‌تواند موجب شکل‌گیری سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری و برعکس کاهش عزّت نفس در افراد موجب شکل‌گیری سبک سردرگم- اجتنابی بشود.

محققان در مورد روابط متقابل عزّت نفس و هویت می نویسند: چگونگی برداشت‌ها و نظریات دیگران نسبت به ما در روشن کردن هویت ما نقش عمده‌ای برعهده دارد. ارزشیابی‌های ما ازخودمان در ارتباط با شرایط زندگی، اوضاع اجتماعی و اقتصادی نیز مبیّن

1. Berzonsky, M. D., & Kuk.

2. self esteem.

هویت ماست و همچنین تصورات ما درباره وضع جسمانی و شیوه لباس پوشیدن، نوع هویت ما را در مقایسه با دیگران نشان می‌دهد (حسین‌زاده و سپاه‌منصور، ۱۳۹۰).

بر اساس تحقیقات انجام شده عزّت نفس منبع بالقوه بسیار بزرگ برای سلامت روانی است. عزت نفس، ویژگی است در فرد، که موجب می‌شود افراد خود را قادر به کنار آمدن با چالش‌های اصلی زندگی و شایسته شادکامی بدانند (هیوئیت[1]، ۲۰۰۹، ص۸۸۰). بر اساس آموزه‌های دینی عزّت نفس با سرسختی روان‌شناختی در ارتباط است. ازاین‌رو، شجاعی (۱۳۸۵) عزّت نفس را حالت شکست‌ناپذیری، توان مقاومت در برابر سختی‌ها و مشکلات و عدم پذیرش ذلت در موقعیت‌های دشوار زندگی معنا کرده است. از سوی دیگر، داشتن این حالت باعث برتری فرد از نظر خود و دیگران می‌شود. بدین لحاظ، افرادی که در برابر سختی‌ها و مشکلات مقاوم و سرسخت هستند، می‌توانند در موقعیت‌های گوناگون، خود را حفظ کرده و به پیروزی و احساس خود ارزشمندی نائل شوند.

پایه و اساس عزّت نفس، احساس کرامت و خود ارزشمندی است. از نظر اسلام، انسان از کرامت ذاتی برخوردار است. خداوند در این‌باره می‌فرماید: وَلَقَد کَرَّمنا بَنی آدم وَفَضَّلناهُم علی کَثیرٍ مِمَّن خَلَقنا تفضِیلا (اسراء، ۷۰)؛ و به راستی ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آنان را بر بسیاری از آفریدگان خویش برتری بخشیدیم. به همین جهت، در روایات به احساس خود ارزشمندی و کرامت نفس تأکید شده است. بر طبق روایات، یکی از کارکردهای اصلی عزّت نفس و احساس خود ارزشمندی پیشگیری از انحرافات اخلاقی است. علی علیه‌السلام می‌فرماید: مَن کَرُمَت علَیهِ نفْسُهُ هَانت علَیهِ شَهَوَاته (شریف رضی، ۱۴۱۴، ص۵۵۵)؛ کسی که از کرامت نفس برخوردار باشد، شهوت نزد او بی‌ارزش است. پس انسانی که خود را ارزشمند می‌داند، برای رسیدن به مطامع دنیایی و یا فریب دیگران حاضر نیست دست به کارهای پست بزند و نفس خود را ارزشمندتر و عزیزتر از هر مطاع دنیایی می‌بیند.

همان‌گونه که رجبی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که بین عزّت نفس و حمایت اجتماعی و سلامت روانی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد. همچنین در پژوهش دیگری مشخص شد بین عزّت نفس و پرخاشگری نوجوانان (که از مؤلفه‌های سبک‌های نامطلوب هویت است) رابطه منفی معناداری وجود دارد (قابل و همکاران، ۱۳۹۹). نیری (۱۳۹۹) نیز در تحقیقی بیان کرد که بین عزّت نفس و بحران هویت رابطه‌ای وجود ندارد.

1. Hewitt.

در پژوهش عسگریان و رضایی خیرآبادی (۱۴۰۰) مشخص شد که بین عزّت نفس و اضطراب اجتماعی با شرم درونی نوجوانان رابطه منفی معنادار وجود دارد.

از سوی دیگر، ریشه بسیاری از انحرافات اخلاقی به ضعف و فقدان عزّت نفس برمی‌گردد. امام هادی علیه‌السلام می‌فرمایند: مَن هَانت علیَه نفسَهُ فَلا تأمَن شَرَّهُ (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۹، ص۳۶۲)؛ کسی که نفسش بر وی خوار شد، از شر او در امان نباش! طبق این روایت ضعف عزّت نفس زمینه انحرافات اخلاقی را در افراد فراهم می‌کند. ازجمله این انحرافات اخلاقی سبک هویت نامطلوب می‌باشد که خود منشأ مفاسد گوناگون است (حسینیان، ۱۳۸۴).

بنابراین به نظر می‌رسد فردی که عزّت نفس ندارد نمی‌تواند سبک هویت مطلوب که نشأت گرفته از احساس ارزشمندی به خود است را دارا باشد.

علاوه بر عزّت نفس دختران اثرگذاری خودپنداره [1]بر سبک‌های هویت را نمی‌توان نادیده گرفت. نجارپور استادی (۱۳۸۷) درنتیجه پژوهش خود بیان داشت که بین خودپنداره نوجوانان با هویت آنها رابطه معناداری وجود دارد.

در واقع قسمت عمده ویژگی‌های شخصیتی، منش و خصوصیات رفتاری هر فرد به تصویری که از خود در ذهن دارد یعنی انگاره وی بستگی دارد (نیکدل، دهقان و نوشادی، ۱۳۹۶). خودپنداره شامل خود آرمانی و خود واقعی است. خود آرمانی یا ایده‌آل مجموعه ویژگی‌هایی است که ما دوست داریم واجد آنها باشیم و ممکن است دور از واقعیت و دست نایافتنی باشند (فریت[2]، ۲۰۰۷).

تصویر از خویشتن ناشی از ارزشیابی‌های ذهنی است که فرد، معمولا از ویژگی‌های رفتاری خود به عمل می‌آورد. در نتیجه، خودپنداره ممکن است مثبت یا منفی باشد (سلیمانی ابهری و سلیمانی ابهری، ۱۳۹۳).

خودپنداره منفی، سبب تعارضات شخصیتی در نوجوان شده و پاسخهای بهنجار نوجوان را کاهش داده، و سبب مشکلات و آشفتگی‌های شدید، اختلافات روانی، رفتار خودکشی‌گرایانه، مصرف مواد مخدر و الکل و بزهکاری در این دوره می‌شود (مکینرنی [3]و همکاران، ۱۹۹۸). در واقع نوجوانی که از سلامت روان به علت خودپنداره منفی برخوردار نیست نمی‌تواند سبک مطلوبی از هویت را کسب کند.

1. self-image.

2. Freeth.

3. McInerney.

خودپنداره مثبت موجب می‌شود تا فرد از اعتماد به نفس و احساس امنیت برخوردار باشد و در برابر انحراف اجتماعی تا حد زیادی مصونیت یابد. در حالی که خودپنداره بی‌ثبات و منفی، ناامنی ایجاد می‌کند و میزان سازگاری فردی و اجتماعی را مختل می‌سازد (نوابی‌نژاد، ۱۹۹۵).

نتیجه مطالعات کودی و زوکر[1] (۲۰۰۸) نشان داد که کلیه نوجوانان دارای خودپنداره منفی تمایل به رفتارهای ضد اجتماعی و خطر الکلی شدن در آنها بسیار زیاد است. خودپنداره مثبت یک عامل حفاظتی در برابر بروز رفتارهای ضد اجتماعی بوده و سبب بالا رفتن توانایی نه گفتن در نوجوانان می شود.

از آنجا که سبک‌های هویت مطلوب، باعث ایجاد شخصیت منسجم و واحد در نوجوان می‌شود و به‌عنوان یک سپر ایمنی در برابر آسیب‌های اجتماعی برای دختران عمل می‌کند (سالاری‌فر و دیگران، ۱۳۹۶) به همین جهت بازخوانی و کاربست عوامل مؤثر بر سبک‌های هویتی مطلوب برای رسیدن به شخصیتی منسجم ضرورت دارد. طبق بررسی‌های انجام شده، تحقیقاتی در رابطه با سبک‌های هویت و متغییرهای مرتبط با آن صورت گرفته، اما تاکنون پیش‌بینی سبک‌های هویت دختران نوجوان با عزّت نفس و خودپنداره آنها بررسی نشده است.

تحقیقات نشان داده که دختران نوجوان فراری و بزهکار و گرفتار به روابط جنسی نامشروع نسبت به نوجوانان عادی، خودپندارهٔ پایینتری دارند (حسینیان، ۱۳۸۴). و این خودپنداره پایین، مانع جدی شکل‌گیری هویت نوجوان است (دباغ قزوینی، ۲۰۰۱). در تحقیق محمدی و صابر (۱۳۹۷) مشخص شد که بین کاهش رفتارهای ضداجتماعی و افزایش رفتارهای جامعه‌پسند نوجوانان با ارتقای خودپنداره مثبت رابطه وجود دارد. همچنین در پژوهش جلیلیان کاسب (۱۳۹۵) خودپنداره و جهت‌گیری مذهبی درونی با گرایش به اعتیاد رابطه منفی معنادار دارند. و از آنجا که سبک‌های هویت مطلوب بر عملکرد افراد مؤثر است تحقیقات نشان داده که بین خودپنداره جنسی منفی و بی‌ثباتی ازدواج همبستگی معناداری وجود دارد (بنکدار مازندرانی، ۱۳۹۷). در پژوهش دیگری مشخص شد که بین ادراک خویشتن با سبک‌های هویت رابطهٔ مثبت و معنادار وجود دارد (مداحی، ۱۳۹۶). شیرچی و همکاران، ۱۳۹۹ در پژوهشی بیان کردند که عزّت نفس مهمترین عامل پیش‌بینی کننده

1. Corte C Zucker.

سبک‌های هویت مخصوصا هویت دینی می‌باشد. همچنین بیسیک و قوش[1] (۲۰۰۸) نشان داد نوجوانانی که به هویت دست یافته بودند، عزّت نفس بیشتری داشتند، اما در نوجوانانی که هنوز بران را به پایان نرسانده بودند، عزّت نفس کمتری دیده شد.

بررسی پیشینه نظری و پژوهشی نشان داد علی‌رغم نقش ویژهٔ عزّت نفس و خودپنداره بر سبک‌های هویت دختران نوجوان، اما تا کنون توان پیش‌بینی سبک‌های هویت دختران براساس عزّت نفس و خودپنداره آنها آزمون نشده است. اطلاعات صحیح درمورد اثرگذاری عزّت نفس و خودپنداره بر سبک‌های هویت می‌تواند نقش بسزایی در آگاه‌سازی خانواده‌ها و سیاست‌گذاران فرهنگی جامعه در امر تربیت صحیح دختران داشته باشد.

ازاین‌رو پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی سبک‌های هویت‌یابی دختران براساس عزّت نفس و خودپنداره آنها در پی بررسی فرضیه‌های زیر است:

۱- عزّت نفس دختران سبک‌های هویت آنها را پیش‌بینی می‌کند.

۲- خودپنداره دختران سبک‌های هویت آنها را پیش‌بینی می‌کند.

روش پژوهش

روش این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دختران نوجوان ۱۵ سال به بالای شهر قم تشکیل می‌دادند. نمونه شامل تعداد ۱۳۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس، انجام شد. پرسشنامه‌ها به علت شرایط بیماری کوید ۱۹ به‌صورت الکترونیکی و در فضای مجازی اجرا شد.

ابزار پژوهش

۱-پرسشنامه خودپنداره: این پرسشنامه در سال ۱۹۳۸ تا ۱۹۵۷ توسط کارال راجرز[2] به‌منظور سنجش میزان خویشتن‌پنداری افراد تهیه شده است. برای تعیین اعتبار پرسشنامه از نظر متخصصین استفاده شده که ۱۰۰ سوال به ۲۵ روان‌شناس داده شد تا آنها را بر حسب موضوعات مختلف طبقه‌بندی کنند. سوالاتی که انتخاب شدند حداقل ۰/۸۰ توافق درباره آنها وجود داشته است. به این ترتیب اعتبار محتوا و سازه پرسشنامه تعیین گردید.

1. Basak, R., & Ghosh.

2. Rogers.

پایایی آزمون راجرز با روش آزمون-آزمون مجدد برابر با r=۸۳/۰ و آلفای کرونباخ آن با ۰/۷۴ گزارش شده است (یارمحمدیان، ۱۳۸۵).

۲-پرسشنامه عزّت نفس: مقیاس عزّت نفس کوپراسمیت[1] (۱۹۶۷) یک مقیاس ۵۸ ماده‌ای است که ۸ ماده آن دروغ‌سنج می‌باشد و ۵۰ ماده دیگر آن به ۴ خرده‌مقیاس عزّت نفس کلی، عزّت نفس اجتماعی، عزّت نفس خانوادگی، و عزّت نفس تحصیلی تقسیم شده است. شکرکن و نیسی (۱۳۷۳)، در پژوهش خود، ضریب پایایی بازآزمایی، این مقیاس را برای دانش‌آموزان دختر و پسر به‌ترتیب ۹۰ درصد و ۹۲ درصد گزارش کرده‌اند.

۳- پرسشنامه سبک‌های هویت (ISI - G۶): این مقیاس که در سال ۱۹۹۸ توسط وایت[2]، وامپلر[3] و وین[4] طراحی شد. یک مقیاس خود گزارشی و برگرفته از مدل برزونسکی است که مشتمل بر ۴۰ گویه است.

روایی فرم اصلی این پرسشنامه توسط سازندگان آن محاسبه شده و برای سبک هویت اطلاعاتی، هنجاری و گسیخته- اجتنابی به‌ترتیب ۰/۶۲، ۰/۶۶ و ۰/۷۳ گزارش شده است.

وایت، وامپلر و وین[5] (۱۹۹۸) برای تعیین پایایی این مقیاس از روش آلفای کرونباخ استفاده کردند و ضرایب حاصله را برای سبک اطلاعاتی، هنجاری و گسیخته - اجتنابی به‌ترتیب ۰/۷۳، ۰/۶۷ و ۰/۶۹ به دست آوردند.

جوکار و حسین چاری (۱۳۸۰) برای تعیین روایی این مقیاس در داخل علاوه بر همسانی درونی از روش تحلیل عاملی استفاده نموده و برای تعیین پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده کردند و نتایج را مطلوب گزارش نمودند. در همین رابطه غضنفری (۱۳۸۲) در تعیین پایایی به روش آلفای کرونباخ برای جامعهٔ ایرانی ضرایب را برای سبک اطلاعاتی ۰/۵۹، سبک هنجاری ۰/۶۴ و برای سبک گسیخته- اجتنابی ۰/۷۸ گزارش کرده است.

1. Cooper smith.
2. White.
3. Wampler.
4. Winn.
5. White, Wampler, Winn.

یافته ها

در جدول۱ ضریب همبستگی میان نمره کل سبک‌های هویت و مؤلفه‌های آن و نمره کل عزّت نفس و مؤلفه‌های آن و نمره کل خودپنداره و مؤلفه‌های آن به همراه سطوح معناداری ارائه شده است.

جدول۱: همبستگی عزّت نفس، سبک‌های هویت و خودپنداره

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
۱. عمومی	۱															
۲. خانوادگی	-۰/۰۸۷	۱														
۳. اجتماعی	۰/۰۵۲	۰/۰۸۹	۱													
۴. تحصیلی	۰/۱۰۵	-۰/۰۹۶	-۰/۰۹۶	۱												
۵. عزّت نفس	۰/۷۴۲**	۰/۳۴۵**	۰/۴۸۲**	۰/۳۳۸**	۱											
۶. اطلاعاتی	۰/۰۵۵	-۰/۱۹۰*	-۰/۱۵۱	۰/۲۵۲**	-۰/۰۱۷	۱										
۷. هنجاری	۰/۱۱۷	-۰/۱۵۹	-۰/۲۳۵**	۰/۱۲۰	-۰/۰۴۲	۰/۵۶۶**	۱									
۸. سردرگم	۰/۱۰۸	۰/۲۷۷**	۰/۱۹۱*	۰/۰۷۲	۰/۲۹۸**	۰/۳۲۴**	-۰/۲۶۹**	۱								
۹. تعهد	-۰/۰۰۵	۰/۰۳۵	۰/۰۳۶	-۰/۰۷۴	۰/۰۰۱	-۰/۳۳۴**	-۰/۲۷۱**	۰/۱۱۹	۱							
۱۰. هویت	۰/۱۷۵*	۰/۰۰۲	-۰/۰۷۷	۰/۲۵۵**	۰/۱۸۰*	۰/۶۱۱**	۰/۵۹۸**	۰/۴۰۱**	-۰/۰۱۶	۱						
۱۱. جسمانی	-۰/۲۲۳*	۰/۱۴۰	۰/۲۶۴**	-۰/۲۴۲**	-۰/۰۷۱	-۰/۲۹۳**	-۰/۲۴۷**	۰/۱۴۱	۰/۱۹۰*	-۰/۱۶۲	۱					
۱۲. اجتماعی	-۰/۰۱۲	۰/۰۱۲	۰/۲۱۷*	-۰/۱۶۷	۰/۰۳۵	-۰/۳۸۳**	-۰/۳۱۰**	۰/۱۴۹	۰/۳۶۵**	-۰/۱۹۱*	۰/۳۰۲**	۱				
۱۳. خلق	-۰/۰۵۰	۰/۱۹۷*	۰/۴۰۱**	-۰/۲۲۸**	۰/۱۳۵	-۰/۳۷۱**	-۰/۴۱۰**	۰/۱۰۷	۰/۲۴۱**	-۰/۳۸۲**	۰/۵۲۲**	۰/۳۹۶**	۱			
۱۴.																
۱۵.																
۱۶.																

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
۱۴. آموزشی	۰/۰۲۶	۰/۲۶۱**	۰/۴۳۸**	-۰/۰۲۸	۰/۳۰۷**	-۰/۴۱۰**	-۰/۳۷۰**	۰/۲۳۰**	۰/۱۶۱	-۰/۲۹۳**	۰/۴۱۲**	۰/۳۱۶**	۰/۳۶۸**	۱		
۱۵. اخلاقی	۰/۰۸۲	۰/۱۳۶	۰/۲۶۴**	۰/۰۵۰	۰/۲۴۷**	-۰/۳۳۹**	-۰/۳۵۸**	۰/۲۸۵**	۰/۱۰۱	-۰/۱۷۷*	۰/۱۳۶	۰/۲۵۹**	۰/۲۷۳**	۰/۳۰۵**	۱	
۱۶. عقلانی	-۰/۲۲۲*	۰/۱۵۵	۰/۲۳۴**	-۰/۱۸۶*	-۰/۰۶۰	-۰/۵۶۳**	-۰/۲۸۰**	۰/۱۳۳	۰/۲۴۶**	-۰/۳۴۰**	۰/۴۷۷**	۰/۴۰۸**	۰/۴۶۴**	۰/۴۸۴**	۰/۱۸۵*	۱
۱۷. خودپنداره	-۰/۰۹۹	۰/۲۳۲**	۰/۴۵۷**	-۰/۲۰۰*	۰/۱۵۵	-۰/۵۸۹**	۰/۴۸۱**	۰/۲۵۴**	۰/۳۱۰**	-۰/۳۶۰**	۰/۷۲۴**	۰/۶۲۵**	۰/۷۴۱**	۰/۷۴۷**	۰/۴۹۴**	۰/۷۳۱**

p=۰/۰۱** / p=۰/۰۵*

بر اساس جدول ۲ متغیرهای عزّت نفس و سبک‌های هویت در سطح ۰/۱۸ رابطه مثبت معنادار دارند. در مقابل متغیرهای عزّت نفس و خودپنداره رابطه معنادار ندارند.

فرضیه اول: عزّت نفس دختران سبک‌های هویت آنها را پیش‌بینی می‌کند.

جدول۲: پیش‌بینی سبک‌های هویت بر اساس عزّت نفس

گام	متغیر	بتا	t	P<	R	R^2	R^2 تعدیلی	F	df	P<
۱	عزّت نفس	۰/۱۸۰	۲/۰۸۱	۰/۰۳۹	۰/۱۸۰	۰/۰۳۲	۰/۰۲۵	۴/۳۳۰	۱	۰/۰۳۹

سبک‌های هویت به‌عنوان متغیر ملاک و عزّت نفس به‌عنوان متغیر پیش‌بین در معادله رگرسیون به سبک ورود تحلیل شده است. بر اساس جدول۲ عزّت نفس به میزان ۰/۰۲ می‌تواند سبک‌های هویت را پیش‌بینی کند. پس به این نتیجه می‌رسیم که عزّت نفس ۲ درصد از واریانس سبک‌های هویت را پیش‌بینی می‌کند. همانطور که از مقادیر P این یک گام قابل مشاهده است، عزّت نفس به صورت معناداری سبک‌های هویت را پیش‌بینی می‌کند. در تفسیر یافته‌ها اینگونه مطرح می‌شود که با افزایش یک انحراف استاندارد در نمره عزّت نفس، نمره سبک‌های هویت ۰/۰۲ انحراف استاندارد افزایش خواهد یافت.

فرضیه دوم: خودپنداره دختران سبک‌های هویت آنها را پیش‌بینی می‌کند.

جدول۳: پیش‌بینی سبک‌های هویت بر اساس خودپنداره

گام	متغیر	بتا	t	P<	R	R^2	R^2 تعدیلی	F	df	P<
۱	خودپنداره	-۰/۳۶۰	-۴/۳۸۳	۰/۰۰۰	۰/۳۶۰	۰/۱۳۰	۰/۱۲۳	۱۹/۲۱۰	۱	۰/۰۰۰

سبک‌های هویت به‌عنوان متغیر ملاک و خودپنداره به‌عنوان متغیر پیش‌بین در معادله رگرسیون به سبک ورود تحلیل شده است. بر اساس جدول۳ خودپنداره به میزان ۰/۱۲ می‌تواند سبک‌های هویت را پیش‌بینی کند. پس به این نتیجه می‌رسیم که خودپنداره ۱۲ درصد از واریانس سبک‌های هویت را پیش‌بینی می‌کند. همان‌طور که از مقادیر P این یک گام قابل مشاهده است، خودپنداره به صورت معناداری سبک‌های هویت را پیش‌بینی می‌کند. در تفسیر یافته‌ها اینگونه مطرح می‌شود که با افزایش یک انحراف استاندارد در نمره خودپنداره، نمره سبک‌های هویت ۰/۱۲ انحراف استاندارد افزایش خواهد یافت.

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از یافته‌های پژوهش عبارت است از اینکه عزّت نفس به میزان ۰/۰۲ می‌تواند سبک‌های هویت را پیش‌بینی کند. بنابراین فرضیه اول پژوهش تأیید شد. این پژوهش همسو با پژوهش مداحی (۱۳۹۶)، شیرچی و همکاران (۱۳۹۹)، حسین‌زاده و سپاه‌منصور (۱۳۹۰)، باقری و جعفری فوتمی (۱۳۹۵)، بیسک و قوش (۲۰۰۸)، اریجیت و کرپل‌من[1] (۲۰۰۹) است. در تبیین این یافته می‌توان گفت، دو مؤلفه که در طول تاریخچه روان‌شناسی بحث‌ها و نظریات فراوانی را به خود اختصاص داده است هویت و عزّت نفس می‌باشد که در تمامی اختلالات روانی دارای نقش تعیین‌کننده‌ای هستند. همچنین این دو مسئله بیشتر خود را در دوره نوجوانی و جوانی نشان می‌دهد و نقش کلیدی در این دوران ایفا می‌کنند که ارتباط تنگاتنگی دارند (نوابی‌نژاد، ۱۹۹۵). در واقع داشتن عزّت نفس، نیاز اساسی انسان به شمار رفته است (خوش‌فر، ۱۳۹۴). سلامت فکر و بهداشت روانی نیز، رابطه مستقیمی با میزان و چگونگی عزّت نفس و احساس خود ارزشمندی دارد (بیابان‌گرد، ۱۳۸۹). انسان تا خود را شایسته و مورد احترام احساس نکند نمی‌تواند به عمل و رفتاری دست بزند که به زندگی او معنا و ارزش ببخشد (براند، ۱۹۹۲).

افرادی که سبک‌های هویتی مطلوبی دارند برداشت مثبت و روشنی از خود دارند، درحالی‌که افرادی که سبک‌های هویتی مطلوبی ندارند برداشت منفی به خود دارند؛ همچنین به‌دلیل فقدان هدف‌های روشن و مدیریت مؤثر در زندگی، دستاورد باثباتی ندارند که به آن افتخار کنند و در نتیجه خودپنداره مغشوشی را پرورش می‌دهند که فاقد ارزشمندی

1. Eryigit, s., &Kerpelman.

است. بنابراین، عوامل مذکور موجب می‌شوند تا شکست مکرر را تجربه کنند و در نتیجه زمینه کاهش عزّت نفس افراد با جهت‌گیری سبک‌های هویت نامطلوب را فراهم می‌کنند. فردی که تصویر ارزشمندی از خود ندارد نمی‌تواند هویت مطلوبی هم کسب کند. در واقع بهترین سرمایه‌گذاری در زندگی ارتقاء عزّت نفس است؛ عزّت نفس ضعیف موجب می‌شود که انسان خود واقعی‌اش را با شرمندگی پنهان کند و مانع خودشکوفایی و کسب هویت مطلوب انسان می‌شود (شیهان، ۱۳۷۸).

همچنین یافته‌های پژوهش نشان داد که متغیرهای عزّت نفس و سبک‌های هویت در سطح ۰/۱۸ رابطه مثبت معنادار دارند. یافته‌های این پژوهش با پژوهش‌های دباغ قزوینی (۲۰۰۱) و مداحی (۱۳۹۶) همسو می‌باشد.

در تبیین این یافته می‌توان گفت که ویژگی‌های شخصیتی، قابلیت‌ها، توانایی‌ها یا خودپنداره از مهم‌ترین مسائل بهداشت روانی است. تصویر مثبت و متعادل از خود داشتن نشانه سلامت روانی و تصور منفی به معنی روان ناسالم است (براند، ۱۹۹۲).

خودپنداره منفی، سبب تعارضات شخصیتی در نوجوان شده و سبب مشکلات و آشفتگی‌های شدید، اختلالات روانی، رفتار خودکشی گرایانه، مصرف مواد مخدر و بزهکاری در دوره نوجوانی می‌شود (مس‌مانیس و همکاران، ۱۹۹۸). از آنجا که با وجود تعارضات شخصی و اختلالات روانی، سلامت روان شخص از بین رفته است این شخص قادر به انتخاب سبک هویتی مطلوب نیست، زیرا شخص برای دارا شدن سبک هویتی مطلوب نیاز به انسجام خود دارد درحالی‌که خودپنداره منفی مانع از ایجاد انسجام خود است.

خودپنداره مثبت موجب می شود تا فرد از اعتماد به نفس و احساس امنیت برخوردار باشد و در برابر انحرافات اجتماعی تا حد زیادی مصونیت یابد. درحالی‌که خودپنداره بی‌ثبات و منفی، نا امنی ایجاد می‌کند و میزان سازگاری فردی و اجتماعی را مختل می‌سازد (نوابی‌زاده، ۲۰۰۰) نوجوانی که نتواند با محیط اجتماعی سازگاری داشته باشد در کسب هویت مطلوب دچار تردید می‌شود و تمایل به رفتارهای ضد اجتماعی و خطر الکلی شدن در آنها بسیار زیاد است.

منابع

• ***قرآن کریم.***

• ***نهج البلاغه.***

• باقری، حسین و جعفری فوتمی، محبوبه (۱۳۹۵)، «رابطه سبک‌های هویت و عزّت نفس در دانشجویان»، سومین کنفرانس بین المللی نوآوری‌های اخیر در روان‌شناسی، ***مشاوره و علوم رفتاری*** ۳، ۴۲، ۱۱-۳۲.

• براند، ناتانیل (۱۹۹۲)، ***روان‌شناسی حرمت به نفس***، ترجمه: جمال هاشمی، ۱۳۸۷، تهران: سهامی انتشار.

• بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۸۲)، ***روش‌های افزایش عزّت نفس در کودکان و نوجوانان***، تهران: انجمن اولیا و مربیان.

• بنکدار مازندرانی، نازنین (۱۳۹۷)، «بررسی رابطه خودپنداره جنسی (خودکارآمدی، هوشیاری، عزّت نفس و طرحواره) با بی‌ثباتی ازدواج»، ***پنجمین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم تربیتی و روان‌شناسی ایران***.

• پورعلی فرد، فاطمه (۱۳۸۵)، ***بررسی رابطهٔ سبک‌های هویت و ابعاد هویت در دانشجویان دانشگاه شیراز و دانش‌آموزان مقطع سوم دبیرستان شهرستان شیراز***، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شیراز.

• جلیلیان کاسب، فاطمه، حجت‌خواه، محسن و رشیدی، علیرضا (۱۳۹۵)، «بررسی نقش میانجی‌گری سرسختی روان‌شناختی در رابطه بین جهت‌گیری مذهبی، خودکارآمدی و خودپنداره با گرایش به اعتیاد»، ***فصلنامه اعتیاد پژوهی سوءمصرف مواد***، ۱۰، ۳۹، ۳۳-۴۸.

• جوکار، بهرام و حسین چاری، مسعود (۱۳۸۰)، «بررسی رابطه میزان پایبندی به اعمال عبادی و سبک هویت»، ***همایش بین المللی نقش دین در بهداشت روان***، ۸۰، ۳۰، ۱۲-۲۴.

• جعفری نژاد، سید ابوالفضل (۱۳۸۷)، «بحران هویت در جوانی و نوجوانی»، ***زمانه***، ۶۸، ۸۷، ۳۰-۵۰.

• حکیمی، محمد، حکیمی، محمدرضا و حکیمی، علی (۱۳۹۵)، ***الحیاه***، تهران: دلیل ما.

• حسین‌زاده، علی‌اصغر و سپاه منصور، مژگان (۱۳۹۰)، «رابطه حمایت اجتماعی و عزّت نفس با سبک‌های هویت دانشجویان»، ***پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی***، ۳، ۱۲، ۴۲-۲۱.

• حسینیان، سیمین (۱۳۸۴)، «بررسی و مقایسه خودپنداره نوجوانان دختر و پسرگریزان و عادی»، ***مطالعات روان‌شناختی***، ۱، ۸۱-۷۳.

• حرانی، ابن شعبه (۱۳۶۹)، ***تحف العقول من آل الرسول***، ترجمه آیت الله کمره‌ای، قم: کتابخانه انتشارات اسلامیه.

• خوشفر، غلامرضا، باقری، فاطمه، برزگر، سمیه و نورمحمدی، لیلا (۱۳۹۴)، «بررسی عوامل مؤثر بر گرایش

به حجاب و راهکارهای ارتقای آن، مطالعه موردی: شهروندان شهر گرگان»، ***فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی***، ۳، ۹۴، ۴۴-۵۲.

• رحیم پور، علیرضا (۱۳۹۸)، «رابطه سبک‌های هویت و خودتنظیمی در دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر شیراز»، ***پایان‌نامه ارشد دانشگاه مرودشت***.

• رجبی، غلامرضا، علی‌بازی، هوشنگ، جمالی، اصغر و عباسی، قدرت الله (۱۳۹۴)، «بررسی رابطه عزّت نفس و حمایت اجتماعی با سلامت روان در دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز». ***مطالعات روان‌شناسی تربیتی***، ۲۱، ۵۵، ۱۰۴-۸۳.

• رهنما، سید احمد، شاملی، عباس، زارعان، محمدجواد، مصباح، علی، ساجدی، ابوالفضل، حقانی، ابوالحسن، بی ریا، ناصر و آقاتهرانی، مرتضی (۱۳۸۵)، ***روان‌شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی***، تهران: سمت.

• سالاری فر، محمدرضا، بیاتی، مهدی و سالاری پور، حسن (۱۳۹۶)، ***مدل نظری آسیب‌شناسی تربیت عفاف و حجاب در ایران، تربیت اسلامی***، ۲۵، ۹۶، ۹۵-۱۱۷.

• سلیمانی ابهری، هادی، سلیمانی ابهری، صدیقه (۱۳۹۳)، «بررسی موضع دین دربارهٔ خودپنداره و حرمت خود و تأثیر آن بر سلامت جسم»، ***مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی زنجان***، ۲۲، ۹۰، ۱۲-۳۴.

• شاملو، سعید (۱۳۷۷)، ***مکتب‌ها و نظریه ها در روان‌شناسی شخصیت***، تهران: رشد.

• شیهان، ایلین (۱۹۶۴)، ***عزّت نفس***، ترجمه مهدی گنجی، تهران: اول.

• شکرکن، حسین و نیسی، عبدالکاظم (۱۳۷۳)، «ارتباط پیشرفت تحصیلی و عزّت نفس دانش‌آموزان دبیرستان نجف آباد»، ***علوم تربیتی و روان‌شناسی***، ۱، ۱، ۷۰-۸۴.

• شیرچی، رقیه، رضائیان بیلندی، حسین و مصلحی، جواد (۱۳۹۸)، «رابطه پیوند والدینی و عزّت نفس در پیش‌بینی سبک‌های هویت دینی نوجوانان»، ***روان‌شناسی و دین***، ۳۳، ۲، ۱۰۰-۸۵.

• شجاعی، محمد صادق (۱۳۸۵)، ***توکل به خدا راهی به سوی حرمت خود و سلامت روان***، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه‌الله.

• شولتز، دوان پی (۱۹۹۰)، ***نظریه‌های شخصیت***، ترجمه یحیی سید محمدی، ۱۳۹۶، تهران: ویرایش.

• عسگریان، زهرا و رضایی خیر آبادی، مهری (۱۴۰۰)، «پیش‌بینی شرم درونی شده نوجوانان بر اساس اضطراب اجتماعی، رابطه با والدین، عزّت نفس و خودکارآمدی»، ***رویش روان‌شناسی***، ۵۹، ۲، ۱۰۳-۱۱۲.

• غضنفری، احمد (۱۳۸۲)، «اعتباریابی و هنجار یابی پرسشنامه سبک هویت (۶g-lsl)»، ***مطالعات تربیتی و روان‌شناسی***، ۲، ۱۳، ۵۰-۶۰ .

• قابل، سارا و طالبیان شریف، دکترجعفر (۱۳۹۹)، «رابطه تنبیه بدنی پسران و میزان عزّت نفس و پرخاش‌گری

آنها»، ***پیشرفت‌های نوین در روان‌شناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش***، ۳، ۱۳، ۱۲۵-۱۳۷.

• لطف آبادی، حسین (۱۳۷۸)، ***روان‌شناسی رشد۲***، تهران: انتشارات سمت.

• مداحی، محمد ابراهیم (۱۳۹۶)، «بررسی رابطهٔ ادراک خویشتن و سبک‌های هویت با التزام عملی به اعتقادات مذهبی»، ***فرهنگ در دانشگاه اسلامی***، ۷، ۲، ۳۳-۸۰ .

• محمدی، طیبه، صابر، سوسن (۱۳۹۷)، «نقش واسطه‌ای خودپنداره در رابطه بین دلبستگی به والدین و همسالان با رفتارهای جامعه پسند»، ***فصلنامه روان‌شناسی کاربردی***، ۱۲، ۷، ۴۱۷-۳۹۶.

• نجارپور استادی، سعید (۱۳۸۷)، «شکل‌گیری هویت جوانان»، ***اندیشه و رفتار در روان‌شناسی بالینی***، ۹، ۱۱، ۵۸-۴۹.

• نیری، مهدی و کاظمی تربقان، سید محمد حسین (۱۳۹۹)، «بررسی رابطه عزّت نفس و انسام درونی با بحران هویت دانشجویان»، ***پیشرفت‌های نوین در روان‌شناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش***، ۲۹، ۲۴، ۲۶-۴۹.

• نوری، نجیب الله، عسگری، علی، نارویی نصرتی، رحیم و شجاعی، محمد صادق (۱۳۹۵)، «ساختار مفهومی هویت بر پایه منابع اسلامی»، ***روان‌شناسی و دین***، ۲۰، ۴، ۷-۳.

• نیکدل، فریبرز، دهقان، مریم، نوشادی، ناصر (۱۳۹۶)، «نقش واسطه‌ای استدلال اخلاقی در رابطه خودپنداره و فراشناخت اخلاقی با رفتار اخلاقی دانش‌آموزان دبیرستان»، ***فصلنامه روان‌شناسی تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی***، ۱۳، ۴۶ ۱۳۲-۱۴۶.

• هاشمی، زهرا، جوکار، بهرام (۱۳۸۹)، «بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی و اسلامی با ابعاد هویت»، ***ماهنامه علمی پژوهشی دانشور رفتار دانشگاه شاهد صالح***، ۴۰، ۳۲، ۵۹ -۷۴.

• یار محمدیان، احمد (۱۳۸۵)، بررسی ارتباط خودپنداره و عزّت نفس در دانشجویان خلاق و غیر خلاق، ***مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی***، شماره۱۲، ۶۶، ۱۹-۱۲۲.

• Archer, S. L., (1982). "The lower age boundaries of identity development". ***Child Development***, 53, 1551-1556.

• Basak, R., & Ghosh, A. (2008). Ego-ldentity status and lts Relationship with self- Esteem in A Group of Late Adolescents, ***Journal of the lndian Academy of Applied psychology***.34,(2), 337-344.

• Berzonsky, M. D., & Kuk, L. S. (2003). Identity Status, Identity Style, and Transition to University. ***Journal of Adolescent Research***. Vol, 15, No, 1, 8198.

• Berzounsky. Michel D,(1992). identity style and coping staregies, ***Jornual of personality*** vol 60,NO 4

• -Beyers, W. &Goosens, L (2008). Dynamics of percerred parenting and identity for mationin late adolescence. ***Journal of Adolescence***, 31, 165-186.

• Berzonsky, M. D., & Ferrari, J.R. (1996). Ldentity orientation and decisional strategies, ***personality and lndividual Differences***, 20, 597-606.

• Boyd, Hunt, P. F. Kandell, Jonathan J, Lucas, M. Status, (2003). "Relationship between identity processing style and academic success in undergraduate students". ***Journal of College Student Developmant***.

• Berzonsky, M. D. (1990). Self- construction over the life-span: A process perspective on identity formation. ***Advance in personal construct psychology***, 1, 155-186.

• Cheek j.m ,smith s.m &tropp L.R (2002).***Relational identity orientation: afourth scale for the AI***Q. paper presented at the meeting of the society for personality and social psychology ,savannah,GA.

• Corte C Zucker R(2008). Self concept disturbances: cognitive vulnerability for early drunkenness in adolescence at high risk for alcohol problem. ***Addictive Behaviors***. 33 (4),pp1282-1290

• Dabbagh Ghazvini, s(2011). Relationship between academic self-concept and academic performance in high school students. ***Procedia social and behavioral sciences***, 15.

• Eryigit, s., & kerpelman, J. (2009). Using the ldentity processing style Q-sort to examineidentity styles of Turkish young adults, ***Journal of Adolescence***, 32, 1137-1158.

• Erickson EH(1968).***Identity youth and crisis***. New York: Norton.

• Freeth, R. (2007). ***Humanizing Psychiatry and Mental Health Care: The challenge of the Person-Centered Approach***. United Kingdom: Radcliffe Publishing Ltd.

• Hewitt, j. (2009). ***Selt esteem***. Ln s.LOPez (ed) the Encyclopedia of positive psychology (pp.880-6)Chichester:BIackwell publishing Ltd.

• McInerney, D. M., Hinkely, J., Dowson, M. and Van Etten, S. (1998). Aboriginal Anglo, and Immigrant Australian Students' Motivational Beliefs about Personal Academic Success: Are There Cultural Differences? ***Journal of Educational Psychology***. 90 (4), 621-629.

• Navabi nezhad SH(1995). [***Normal and Abnormal behaviors***] ,Tehran: parents and masters society of Islamic republic of iran publisher.(Persian).

• Soenens, B., Berzonsky, M. D., Vansteenkiste, M. Beyers, W. & Goossens, L. (2005). Identity styles and causality orientations: In search of the motivational underpinnings of the identity exploration process. ***European Journal of Personality***, 19, 427-442.

• Sneed, J. R., Whitbourne, S. K.(2003) "Identity processing and self consciousness in middle and later adulthood". ***Journal of Gerortology***, 58, 313-320.

• Triandis, H. C. (1989). The self and social behavior in differing cultural contexts. ***Psychological Review***, 96, 506-520/

• White, J.M., Wampler, R.S., Winn, K.L. (1998). The identity Style Inventory: A revision with sixth-grade readind level (ISI-6G). ***Journal of Adolescent Research***, 13, 2. 233-245.

Contents

Preparing An Educational Package for Spiritual Care Based on Islamic Doctrines for Cancer Patients' Families...7

Seyyed Mohammad BabaMiri Qomi / Reza Mahkam / Mohammad Mahdi Ahmadi Faraz

Components of attitude towards childbearing and parenting based on Islamic sources 27

Saeed Sharifyazdi / Mohammad Reza Jahangirzadeh Qomi / Mohammadreza Bonyani / Masoomeh Soltanipour

Applying the Theory of Semantic Domains in Investigating the Concept of Self-care Based on Islamic Sources...51

Mahdi Ghasemi Moravvej / Muhammad Sadeq Shujaie

Behavioral Problems of Couples: Measurement of Behavior and Steps of Therapy.....73

Mohamad Dolatkhah

Examining the components of the communication pattern of couples with relatives based on Islamic sources.....99

Mahdi Deris / Abolghasem Bashiri / Hossein Rezaeian Bilondi

Predicting the Identity Styles in Adolescent Girls Based on their Self-Esteem and Self-Concept.....113

Fatemeh Davarishalamzari / Mohammad Reza Ramezani Chaleshtary

In the Name of Allah

Islam & Psychological Research **Vol.8, No. 17**
Two Quarterly Journal of Psychology **Spring & Summer 2022**

Proprietor: Akhlaq &Tarbiat High Education Instute
Managing director: Dr. Mohammad Javad Zarean
Editor in Chief: Dr.Mohammad Reza Ahmadi
Executive Secretary: Amir Erfani Nejad

Editorial Board

Hujjat ul_Islam Dr. Mohammad Reza Ahmadi: *IKI*
Dr. Hadi Bahrami Ehsan: *Tehran University*
Hujjat ul_Islam Dr. Mohammad Javad Zarean: *Academic Institute for Ethics And Education*
Ayatollah Sayyid Mohammad Gharavi Rad: *Research Institute of Howza Wa Daneshgah*
Dr. Ali Fathi Ashtiani: *Baqiyatallah University*
Hujjat ul_Islam Dr. Mohammad Kaviani: *Research Institute of Howza Wa Daneshgah*
Hujjat ul_Islam Dr. Rahim Narouei: *IKI*
Hujjat ul_Islam Dr. Mahmood Nozari: *Research Institute of Howza Wa Daneshgah*

ADDRESS:

The High Institute of Ethics and Education

No. 13, Shahid Shahbazi Street, Shahid Sadooqi Blvd, Qom, Iran

Postcode: 3716715545
Tel: +982532918444
Fax: +982523922239
www.ipr.ueae.ir
pajoohesh.ueae@gmail.com

فرم اشتراک دو فصلنامه

مشخصات متقاضی حقیقی

نام خانوادگی: ..... نام: .....
میزان تحصیلات: .....رشته تحصیلی: .....
مبلغ واریز شده: .....تاریخ و شماره فیش بانکی: .....
آدرس و کد پستی:.....
صندوق پستی:.....تلفن: .....

امضای متقاضی

مشخصات متقاضی حقوقی

نام مؤسسه: ..... واحد درخواست کننده: .....
مبلغ واریز شده: .....تاریخ و شماره فیش بانکی:.....
آدرس:.....
کد پستی:..... صندوق پستی: .....
تلفن:..... دورنگار: .....

امضای مسئول و مهر مؤسسه

از متقاضیان حقیقی و حقوقی دریافت مجله درخواست می‌شود پس از تکمیل فرم اشتراک، هزینه مربوطه را به شماره حساب ۰۱۰۳۵۷۰۴۰۳۰۰۰ بانک صادرات شعبه صدوقی، به نام «مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت» واریز نموده و اصل یا تصویر فرم اشتراک و فیش بانکی را به‌وسیله پست، دورنگار یا ایمیل به دفتر فصلنامه ارسال نمایند.

حق اشتراک سالیانه برای دانشجویان: ۸۰۰.۰۰۰ ریال و تک شماره: ۴۰۰.۰۰۰ ریال
حق اشتراک سالیانه برای عموم ۱.۰۰۰.۰۰۰ ریال و تک شماره ۵۰۰.۰۰۰ ریال